

وضعیت کنونی و ضرورت وحدت نیروهای انقلابی

بی تردید شرایط سیاسی حاکم بر جامعه ما نه تنها سازمانهای انقلابی بلکه هر فرد آگاه و مومنی من به آرزوهای توده های مردم را ملزم میسازد که با توجه دقیق به لحظات تعیین کننده و سرنوشت سازی که اکنون میهن ما از سر میگذراند، نسبت به سرنوشت انقلاب ایران و آرزوهای توده های مردم، برخوردی جدی، مسئولانه و انقلابی داشته باشد. زیرا هرگونه بی مسئولیتی و هرگونه برخورد نادرست به اوضاع سیاسی جاری و لحظات سرنوشت ساز کنونی نه تنها نتایج فاجعه انگیز و غیرقابل جبران ببار خواهد آورد، بلکه برای همیشه در تاریخ میهن ما ثبت خواهد شد و نسلهای آینده بزشتی از آن یاد خواهند کرد.

جنبش انقلابی ایران، امروز در معرض همان آزمون تاریخی قرار گرفته است که حزب توده در شرایط دیگر با آن روبرو بود و نسل امروز جز با نفرت و زشتی از آن یاد نمی کند. از این رونه تنها در شرایط حساس کنونی، مسئولیتی خطیر بر دوش همه سازمانهای انقلابی قرار دارد، بلکه در آینده و نیز در پیشگاه توده های مردم باید جوابگو باشند.

شرایط حساس و بحرانی لا اقل در سطح سازمانهای انقلابی بر کسی پوشیده نیست

بقیه در صفحه ۲

نامه خمینی به مجلس: انعکاس تضادهای درون حاکمیت

خمینی انکار نمیکنند که هدف و مضمون اصلی پیام مذکور، اجرای اصلاحات است در نظام سرمایه داری وابسته که بعضی در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی، نظیر اصل ۲۴ (ملی کردن تجارت خارجی)، اصل ۴۹ (سلب مالکیت از مالکان اموال نامشروع) پیش بینی شده. بقیه در صفحه ۱۱

در هفته گذشته خمینی ضمن پیامی به رئیس مجلس، پیامی به ظاهراً زرمز و راهزنی لحنی فقیهانه، به مجلس دولت اجازه می دهد که برای "حفظ نظام جمهوری اسلامی" به طور "موقت" به وضع و اجرای قوانینی بپردازد که میتوانند راهگشای بعضی رفرمهای اقتصادی - اجتماعی گردد. روحانیون و سایر مفسران پیام

انتخابات فرمایشی

گفته بود که اگر آراء کمتر از ذنبه قبیل با شد دلیل آنست که مردم از جمهوری اسلامی بریده اند لذا با پستی آراء آنان چنان میساختند که روی گردان مردم از رژیم مشخص نشود. از این جهت بود که دست اندرکاران انتخابات بدون کوچکترین حجب و حیا شی، و علیرغم تحریم انتخابات از جانب مردم، و علیرغم خلوت بودن چشمگیر حوزه های رای گیری در تهران و شهرستانها - که از گزارشات -

انتخابات قلابی و رسوای سومین رئیس جمهوری حکومت جمهوری اسلامی به میلیون رای! و با بیش از شانزده خا منهای کسی که خمینی خودش او را بزرگ کرده است! رئیس جمهور شد. اکنون دیگر برای هیچکس - حتی طرفداران رژیم - پوشیده نیست آرائی که بنام خا منهای اعلام شد در انتخابات، ا عراق آمیز و قلابی بود و چون خمینی

بقیه در صفحه ۱۵

در صفحه ۵

یورش گسترده رژیم به کردستان

ادامه سیاستهای ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی
دوباره عجل، نتایج و درسهای که میتوان از یورش اخیر گرفت

در باب درگیری مسلحانه فدائی کبیر، رفیق سیامت اسدیان *

در همین انجام وظایف انقلابی، بانیهوای مزدور بسیج و پاسدار، در شهر آمل درگیر شد و پس از کشته و زخمی نمودن یک اکیب گشتی دشمن، به همراه دور رفیق فدائی دیگر، طی یک جنگ و گریز قهرمانانه، تا آخرین فشنگ جنگید و سرانجام به شهادت رسید. (بزودی شرح درگیری و زندگی نامه سراسر حماسه رفیق و دو همرزمش را منتشر خواهیم کرد.)

(اسکندر) به شهادت رسید!

رفیق "اسکندر" همسنگر "حمید اشرف" یار نزدیک دکتر اعظمی لرستانی، مسئول نظامی تشکیلات کردستان طی شش ماه پس از ارتش و همرزم دلیر خلق قهرمان کرد، یکی از قدیمی ترین کادرهای سازمان و عضو کادر مرکزی روز ۶۰/۲/۱۳۶۰

در این شماره

یورش به انقلاب...

جنبش کارگری

مردم چه میکنند؟...

بقیه اسامی شهدای شهر یور

مرکز حزب جمهوری اسلامی زنده باد شوراهای انقلابی پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان

وضعیت کنونی و ضرورت وحدت نیروهای انقلابی

بقیه از صفحه ۱

اوضاع اقتصادی و سیاسی جامعه بسیار وخیم تر و عریانی تر از آنست که نیاز به تشریح و توضیح دوباره داشته باشد. تنها کافیست که بگوئیم و خامت اوضاع اقتصادی و شرایط اسفبار زندگی توده های مردم بچنگان مرحله ای از تکامل خود رسیده است که در طول سالهای اخیر بیسابقه بوده است. رژیم جمهوری اسلامی طی نزدیک به سه سال گذشته بتجربه نشان داده که نه تنها بارها نتوانائی مهربانین بحران عظیم و کاستن از بار فقر و فلاکت توده را دارا نیست بلکه مدام بحران را تشدید و فلاکت را با ابعاد کم سابقه رسانده است. بر مبنای همین بحران و تشدید مافزون تضادهای اجتماعیست که شرایط سیاسی پس از قیام و وقایع چند ماهه اخیر از جمله توسل رژیم بقهر و سرکوب عریانی فاسد و تحریف و تبیین اند. هنگامیکه رویدادهای پیش از ۳۰ خرداد ۵۷ می افکنیم در می یابیم که تحت تاثر بحران اقتصادی و سیاسی، تشدید مداوم عداوت های اجتماعی و اعتدال روز افزون حساس بوده ای، پایه های رژیم سیاسی حاکم دلر در آرمده بود. در چنین شرایطی از تکامل و رشد بحران اقتصادی و سیاسی، رژیم سبها چاره خود را در این دید که تمام پزده های ربا و فریب را کنار رزند و با توسل به سرکوب عنان گسیخته و تروریسم عریان، که بیان چیزی جز تشدید تضادها نیست، خود را موقتاً هم که شده زین بست و مهلکه موجود برهانند و سدی در مقابل اعتدال روز افزون جنبش توده ای ایجاد کند. رژیم با رویدادهای ۳۰ خرداد حکومت نظامی اعلام شده ای را به مرحله اجرا در آورد. تمام آنچه را که از طریق آنها امکان بروز نا رضایتی وجود داشت ممنوع و ممنوع کرد، هرگونه نشریه و هوارگان و نهادی را که بینهوی میتواند تریبون مخالفت با رژیم حتی از نوع بی خطر آن باشد، تعطیل کرد، اخراج و بازداشت نیروهای انقلابی را در کارخانه ها، مدارس، ادارات و همه ارگانها و نهادها تشدید نمود. در مدتی کوتاه تعداد زیادی از انقلابیون را که اینک از مرز دوهزار گذشته است حتی بدون محاکمه صوری بخواه اعدام سپرد. در یک کلام رژیم درقبال تعمیق بحران و تشدید تضادها حکومت ترور و اختناق را برقرار نمود و کوشید تا با یک تعرض گسترده و شیوه های مرعوب کننده بر اوضاع مسلط شود. و درست در چنین شرایطی که ضد انقلاب تعرض گسترده و متمرکز خود را آغاز نمود، سازمانهای انقلابی در منتهای پراکندگی فقدان وحدت عمل و سیاست مشترک بسر می بردند و توده های بی سرپرست فاقد رهبری و چشم انداز روشن در برابر یک تازی ارتجاع قرار می گیرند. در این میان - سازمان مجاهدین خلق نیز با ارزیابی نادرست از شرایط، عدم توجه به مرحله تکامل رشد جنبش و برخی شیوه های نادرست اسیر پروکاسیون میگردد، در دام تحریکات هیئت حاکمه گرفتار می شود به پای مبارزه قطعی می رود، و به بورژوازی ارتجاع میسدان می دهد. توده ها مرعوب میشوند و محیط رعب و وحشت بر جامعه حاکم میگردد و این امری طبیعی است. زیرا از توده مردم، از مردم

عادی کوچک و خیابان نمیتوان انتظار داشت که با توجه به مرحله عینی و ذهنی رشد و تکامل جنبش در برابر ارتجاع مرعوب نشوند. بقول بنین: "اعدا مها و سرکوبها و دادگاههای نظامی، مردم عادی کوچک و خیابان را که جهان بینی و تاکتیکهای منسجم حزبی بر آنها حاکم نیست، مرعوب میسازد. آنها "بدنیال جریان شنا میکنند" و از "حالت معین جنبش پیروی میکنند". این امر بویژه در شرایطی که هنوز موقعیت انقلابی فراهم نشده است، از اهمیت بیشتری برخوردار است، حتی در شرایطی که موقعیت انقلابی هم فراهم شده باشد، اما شرایط ذهنی انقلاب آماده نباشد، باز هم شیوه های قهر و سرکوب هیئت حاکمه قادر است برای مدتی هر چند کوتاه مردم را مرعوب سازد و حالت معین از فقدان اشکال آشکار مبارزه توده ای را پدید آورد. اما تجربیات جنبشهای انقلابی بنام میا موزه که این حالت نمیتواند پایدار باشد و برای مدتی با لنسبه طولانی ادامه یابد، مگر آنکه ضد انقلاب با انجام برخی فرمها بویژه فرمهای اقتصادی و تخفیف یا حل نسبی بحران از جدت تضادها بکا هد. نمونه ها در این مورد فراوان است و در ایران شاهد بودیم که چگونه پس از اعتدالی سالهای ۳۹-۴۲ و سرکوب جنبش در ۱۵ خرداد با انجام یکسری فرمها برای مدتی با لنسبه طولانی رکود بر جنبش حاکم شد. اما رژیم جمهوری اسلامی در انجام چنین وظیفه ای نمی گوئیم مطلقاً "بلکه بسیار - نتوان است. نتوانی ذاتی اقتصادی و سیاسی رژیم، تناقضات درونی آن و انبوه دشواریهای اقتصادی و سیاسی که با آن روبروست و ما طی مقالات جداگانه مفصلاً در مورد آنها بحث کرده ایم، مانع از آن میگردد که بتواند از جدت تضادها بکا هد و جنبش را بسوی یک رکود سیاسی طولانی سوق دهد. هم اکنون نیز شاهدیم که رژیم سوی ناتوانی خود در برگردن در آوردن - چرخ اقتصاد، فشارهای اقتصادی و مالی بیشتری را بتوده ها تحمیل کرده است. بنا بر این منطقی نیرومند تر از منطبق چماق و سرکوب علیه رژیم جمهوری اسلامی در حال عمل کردن است و آن منطق قوانینی است که مستقلاً از اراده و شعور همه نیروهای درگیر در جامعه عمل می کند. تضادها را تشدید می کند، توده ها را در برابر هر چه مبارزه آشکار خواهد کشا نند و رژیم را هر چه بیشتر بیورطه تا بودی و سرنگونی سوق خواهد داد. اما باید در نظر داشت که این تشدید تضادها، و عمق یابی مداوم بحران الزاماً "مترا داف پیروزی انقلاب نیست. تشدید مداوم بحران و تضادهای اجتماعی و نیروی انقلاب و ضد انقلاب را برای حل خود فرامیخواهند. تجربیات بحران بزرگ ۳۳-۱۹۲۹ و تجربیات انقلابی نیمه سده کا ره در شرایطی که جامعه مدتها عرصه کشاکش انقلاب و ضد انقلاب قرار داشته است نشان میدهد که بحرانهای بسیار عمیق انقلاب و ضد انقلاب را با هم رشد میدهد. اگر نیروهای انقلاب بدلائل متعدده فا در نیا شند بحران را حل کنند و جامعه را از تلاشی نجات دهند بحران، ضد انقلابی نیرومند تر را برای حل خود فرامیخواند. بحرانهای عظیم

سالهای ۳۳-۱۹۲۹ بویژه بدلائل ضعف نیروهای انقلابی، فقدان شرایط لازم - ذهنی و اشتباهات نیروهای انقلابی به سلطه فاشیسم و ارتجاعی ترین رژیمها انجامید. نبردهای طبقاتی حاد و کشاکش انقلاب و ضد انقلاب در فرانسه پس از انقلاب ۱۸۴۸ به استقرار بنا پارتنیسم انجامید و در سالهای اخیر بحرانهای عمیق و تشدید تضادها و مبارزه طبقاتی در کشورهای سلطه و وابسته در بسیاری موارد پس از مدتی به استقرار دیکتاتور نظامی انجامیده است. حساس بودن شرایط کنونی جامعه ما نیز از اینجائاتی میشود که عرصه کشاکش انقلاب و ضد انقلاب و نوعی توازن نیروهای طبقاتی بوده است. طبیعی است که این کشاکش و درگیری یعنی وضعیتی که یکی از دین و نیرو نتوانسته است بر دیگری چیرگی قطعی پیدا کند و خود را راقطعاً مستقر سازد، اما باید یکدیگر را فرسوده و تضعیف نموده اند و جامعه را در حالت بیلاتکلیفی و عدم تعادل قرار داده اند، نمیتوانند مدتی طولانی بر جامعه حاکم باشد. زیرا جامعه در حال تابع "نظمی" است که از خصوصیت ذاتی و قوانین درونی آن ناشی می گردد. در مقاطعی از تکامل جوامع بشری نیروهائی که رسالت استقرار نظم نوینی را بر عهده دارند علیه نظم موجود بپا می خیزند تا نظم جدید را مستقر سازند، اما اگر نیروهای پاسدار "نظم" گذشته و نیروهای حامی نظم جدید، در چنان موقعیتی باشند که نتوانند "نظم" خود را مستقر سازند، نوعی اختلال در "نظم" جامعه بروز می کند. طبیعی است که جامعه و قوانین ذاتی آن نمیتواند برای مدتی طولانی این وضع را تحمل کند. سوا نتجام رهایی جامعه دوراه حل قاطع را نمی طلبد، یا شیوه ای کا ملا" انقلابی ویر - اساس ابتکار رتوده ای، یا شیوه ای کا ملا" ضد انقلابی. وضعیت کنونی جامعه ما نشان می دهد که ضد انقلاب حاکم تنها با تکا ه سرکوب قادر نیست بحران کنونی را مهار و جلو تشدید تضادها و رشد نا رضایتی را سد کند، بلکه با عکس با صرف سرکوب تضادها را تشدید خواهد کرد و بحران عمیق تری را پدید خواهد آورد. اما ضد انقلاب حاکم در همان حال که زمینه سرنگونی خود را تسریع می کند، با سرکوب جنبش انقلابی و بیورش دیوانه وار به سازمانهای انقلابی، راه را برای استقرار ضد انقلابی دیگر هموار می کند. از این دیدگاه تنها رسالت ضد انقلاب حاکم در شرایط کنونی در اینست که در حالیکه خود را بسوی نابودی قطعی سوق میدهد، منتهای ضربه را به نیروهای انقلابی وارد آورد. و این درست سیاستی است که در خدمت امپریالیسم آمریکا و بورژوازی بزرگ قرار دارد. رژیم جمهوری اسلامی در لحظه کنونی مناسبت ترین رژیمی است که میتواند اهداف امپریالیسم را در سرکوب جنبش انقلابی عملی سازد. کذا رژیم ضد انقلابی سرسپرده میتواند است این چنین آشکارویی پروا در مدتی بدین گونه ای هزاران تن را - دستگیر، شکنجه و دسته دسته بخواه اعدام بسپارد؟ کذا رژیم سرسپرده و شناخته شده آمریکا میتواند است این چنین گستاخانه و ددمنشانه بمقا بله "خطر سرخ" بر خیزد و بنام انقلاب، انقلاب را در هم کوبد. پس بی دلیل نیست در حالیکه امپریالیسم آمریکا و بورژوازی بزرگ نظاره گر درگیری این بقیه در صفحه ۷

گزارشی از جنبش کارگری

بدنبال یورشهای حاکمیت پس از ۳۰ خرداد، اعدای دسته جمعی، خانه گردیهای وسیع، تفتیشهای خیابانی و بالاخره اخراجها و دستگیریهای فوج - فوج کارگران - حتی در مواردی اعدام آنها ضرورت ارزیابی مجدد جنبش کارگری و تعیین وظایف بیشتر و درقبال این جنبش بصورت امری فوری مطرح بود. آنچه در زیر میآید گزارشی است - به نیروهای جنبش انقلابی و بطور اخص به رفقای کارگر، با این امید که در ترسیم وضعیت کنونی جنبش کارگری و بحث حول مسائل آن مفید واقع شود.

برای ترسیم وضعیت کنونی جنبش کارگری باید گفت که جنبش کارگری نسبت به شرایط پس از ۷ تیر رشد بسیاری نموده است. اما در مجموع هنوز گسترش پیش از خرداد خود را بازنیاخته است. عین گزارشات را با حذف یکسری نمونههایی که شبیه هم بوده اند در زیر میآوریم:

صنایع دفاع:

در حمله وحشیانه رژیم به کارخانجات صنایع دفاع هدف اصلی حمله شورها و نیروهای مترقی بوده اند. در پارچین بلافاصله شورای فرماندهی جای شورای منتخب کارگران را میگیرد، در سایر کارخانجات هم شوراها را تشکیل میدهند. در تعدادی از کارخانجات افراد فائز که عضوانجمن اسلامی نبودند و کمتر منفور شناخته شده هستند که نباید نماینگی شده اند و همه کارکنان را با اعضای انجمن اسلامی نیستند. بطور کلی ترس از ترور در کنار سایر مسائل باعث شده بعضی از اعضای انجمن سعی کنند کمتر آفتابانی شده و پیوندشان با انجمن قاش نشود. افراد مکتبی علاوه بر قبضه شورها در مدیریت نیز تغییراتی داده اند. برخی از مدیران استعفا کرده و یا تعویض شده - اند و جایشان را مدیران مکتبی گرفته اند. حتی چندتن از مدیران که به همیتند تا در کنار انجمن اسلامی بودند یا گشته اند تا در کنار انجمن اسلامی شوراها را تعویض و دستگیر و سرکوب - کارگران بپردازند.

قبل از ۳۰ خرداد جو کلی کارخانجات صنایع دفاعی زیاده و اکثر کارگران در بخشهای سیاسی شرکت داشته اند. پس از ۷ تیر این فضا از بین رفته و جای خود را به رعب و وحشت داده بود. بخصوص در برخی کارخانجات پارچین که حاکمیت ضرب و شتم نشان داده و روز ۸ تیر حدود ۱۲ نفر از کارکنان را شوراها در حال - تشکیل را دستگیر نمود. موج دستگیریها به سایر کارخانجات صنایع دفاعی نیز رسیده و عدهای بدون هیچگونه مدرکی دستگیر شده اند. اکثر نیروهای شناخته شده هوادار مجاهدین کارخانهها را ترک کرده اند. دستگیرشدگان را ابتدا به کمیته و سپس به دادگستری ارتش میبرند. اما با همه اینها جورج و وحشتی که در کارخانجات سایه افکنده بود بر مردم - حال تغییر است. شعاریست در دست - شونیهایی زیاد شده و بحثهای سیاسی در جمع های کوچک آغوش زنده است در صنایع هواپیما ۳۰ دوسه ساعت پس از ترور رجائی و با هنر سکوت شکسته و وضع عادی میشود. در برخی کارخانجات نیز مقاومتها و تظاهراتی در برابر انتخابات اجباری وجود داشته که بعنوان نمونه میتوان از صنایع هواپیما بی نام برد. کارکنان صنایع هواپیما ۳۰ انتخابات را تحریم کردند بطوریکه فردی فقط با غرای به شورا رفت.

اعتراضات فردی نیز زیاد شده که در یکی دو مورد به حرکات جمعی انجام میدهند. مثلا کارگران مکانیک که بعد از قیام تاکنون حرکات کمتری نسبت به سایر کارخانجات داشته اند، بخاطر مسائل صنفی دست به اعتصاب زدند. اعتراضات بیشتر در رابطه با مسائل صنفی و بخصوص مسکن است. اما مسائل سیاسی و جلوگیری از اخراج هم برایشان مطرح است. مقابله با اعضای انجمن اسلامی نیز شدت گرفته و در صنایع هواپیما ۳۰ و ... هنگام ورود افراد انجمن به سالن کارخانه غذا خوری کارگران با هم کشیدن و ورود آنها را خیر میدهند. و این حرکات باعث وحشت و انزوا برای افراد انجمن شده است.

جنرال موتورز:

در کارخانه جنرال موتورز پس از انفجار دفتر مرکزی حزب (۷ تیر) حدود ۱۰۰ نفر دستگیر شدند. اما این افراد - از ۲۰ سال پیش توسط شورای فرماندهی تهیه شده بود. شورای حزبی و انجمن اسلامی جوخه فغان را بر سر کارخانه ها کم نموده اند، قدرت غالب در کارخانه انجمن اسلامی است و شورا فعالیت چندانی ندارد. اخیرا چند نفر به نمایندگی از سوی مدیر برای تهیه مواد اولیه از آمریکا شده اند.

مسئله عمده کارگران در شرایط کنونی جلوگیری از اخراج است و ترس از اخراج مسائل دیگر را تحت الشعاع قرار داده است.

ترس و وحشت کارگران در حال تعدیل است و سکوتی که پس از ۷ تیر ایجاد شده بود در زمان انفجار دفتر نخست وزیری وجود نداشت. بطور کلی بحثها و اعتراضات در حال شکل گیری است. کارگران برای بازگشت یکی از اخراجیها طومار تهیه کرده اند و یک عضو انجمن اسلامی هم از ترس کارگران آنرا امضاء نموده است.

شرکت واحد اتوبوسرانی:

پس از ۳۰ خرداد اعضای شورای مرکزی دستگیر شدند، این مسئله در کنار تعویض برخی از مدیران لیبرال با افراد مکتبی با همکاری نزدیکی بین مدیریت و انجمن اسلامی برای سرکوب کارگران بوجود آورد. انجمن اسلامی که پیشتر اهدافش را از طریق افراد شناخته شده اش دشوار یافته، بیشتر از کارکنان مدیر و شیوه های اداری انجام وظیفه میکند. مدیریت نیز بیشتر به تصفیه نگاه صر مترقی توجه دارد تا با لابردن رانندگان کار، اخیرا "عدهای بسیجی" را استخدام نموده و برای جاسوسی به بخشهای مختلف فرستاده اند. همچنین برای تکمیل سرکوب دست به فرمهای زده است که بنظر میرسد بیشتر بمنظور ایجاد تفرقه باشد تا رفاه کارگران، مثلا "افزایش کاری که مدتهاست به کسی تعلق نمیی گرفت به نیمی از کارگران و چندین دستگاه خانه به تعداد کلی از آنان داده - اند. در رابطه با عتومان اضافه دستمزد به هر کارگر هم سنگ اندازی کرده و قصد دارند در چندین عتومان به دستمزدها اضافه کنند. در رابطه با رانندگان بسیار زیاد است و به مرور به اشکال مقابل با اعضای انجمن اسلامی و بسیجی ها از یک طرف و کم کاری از طرف دیگر نمود میابد. کارگران از طومارهایی که انجمن اسلامی تشکیل شورای جدید تهیه کرده بود استقبال نکردند و همچنین با ورود جاسوسان بسیجی همه جمع کارگران هم کشیده و یا کسی گویند آنرا مدد مواردی نیز به آنها گفته اند: "دوست است که بخاطر عتومان همکاران را نرانند و لود دهید؟". کم کاری نیز بشکلی جدی خود را نشان میدهد، بطوری که از ۷ یا ۸ ساعت وقت کار حدود سه ساعت بیشتر کار نمیکنند و بقیه اوقات را به نوعی تلف میکنند. کمیود قطعات یدکی هم با این مسئله کمک کرده است. بطوری که در حال حاضر حدود ۱۱۰ دستگاه اتوبوس در توقفگاهها خوابیده است. اما هنوز حرکات شکل آشکار جمعی بخود نگرفته است. شعاریست در اتوبوسها زیاد شده است. اخیرا "طی بخشنا مه ای از راننده ها خواسته اند که شعاری "فدا انقلابی" را پاک کنند. اکثریت کارکنان واحد هیچگونه توهمی نسبت به حاکمیت ندارند و در انتظار سرنگونی حاکمیت هستند. جملاتی چون: "تا وقتی این رژیم هست وضع ما بهتر نمیشه"، تا ز رژیم روزهای خویش را میگذرانند، وضع از این بدتر هم میشه"، اینها رفتنی هستند "زیاد شنیده میشود. اما بنظر میرسد برای خودشان نقشی در این سرنگونی قائل نیستند. نسبت به جنگ نیازی ندارند

بقیه در صفحه ۴

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات
ضدامپریالیستی - دموکراتیک - خلقهای ایران

یورش گسترده رژیم به کردستان

ادامه سیاستهای ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی

درباره علل، نتایج و درسهائی که میتوان از یورش اخیر گرفت

بقیه از صفحه ۱

رژیم ارتجاعی و ضد انقلابی حاکم طی چند ماه گذشته به موازات یورش سراسری به خلقهای ایران و نیروهای انقلابی حمله گسترده و همه جا نیه ای را به جهت کشتن کردستان و یگانگای نیروهای جنبش دموکراتیک خلق کرد آغاز کرده است. کام اول این تعرض گسترده که همزمان با عزل بنی صدر آغاز شد بمقامت قهرمانان پیکرمان خلق کرد و روبرو شد. دزدگیری های اول بویژه با سرنگون شدن چندین هلیکوپتر، - نابود کردن تمام کماندوهای عملیات اشغال روستای گل تپه (در محورها باد میا ندو آب) و خلع سلاح تپه التون (اطراف سقز) منتهی شدن یک ستون در اطراف با ناهو به هلاکت رساندن سرگرد شهرام مفر که کلاً توسط پیشبرگان حزب دمکرات - کردستان صورت گرفت و متعاقب آن - تعرض گسترده پیشمرگان خلق کرد به یگانگای رژیم، موجی از شور و شوق در شهر و روستای کردستان بوجود آورد.

کافی است استقبال وسیع مردم را پس از عملیات گل تپه و با مراسم استقبال پر شور مردم از پیشمرگان کومله پس از - عملیات داخل شهر سقز و استقبال از پیشمرگان سازمان ما پس از عملیات موفقیت آمیز یک به مناسبت سالگرد - شهادت چند تن از پیشمرگان فدائی طرح ریزی شده بود با آوری نما شیم. علاوه بر این نوع حمایتها مردم بویژه در اطراف مها باد، میا ندو آب و بوکان (هر چه بیشتر مسلح میشدند و نیروی مقاومت مردمی (هیزرگیری) گسترش بی با بقه ای یافتند از اینرور رژیم در کام اول یورش خود مجبور به عقب نشینی شد. رژیم پس از این عقب نشینی در جهت تدارک یک حمله وسیع و گسترده علیه خلق کرد برآمد. ابتدا یکی از افسران شایسته ای و یکی از جلادان معروف خلق کرد در ابتدا میا دی شیرازی به فرماندهی کل عملیات به اصطلاح پاک سازی منطقه گمارد و سپس در مدد جلب حمایت همه عوامل و نیروهای ضد انقلاب در منطقه و جلب همکاری اپورتونیستها برآمد. سپس طی یک حمله همه جا نیه بعضی مواضع نظامی و سیاسی را از دست نیروهای جنبش مقاومت خلق کرد خارج نمود. در مقابل کردستان نیروهای - سرکوبگر رژیم تمام ارتش (الشکر ۶۴ رومیه) سپاه پاسداران و نیروی بسیج ارتجاعی کمک همه جا نیه قیاده موقت (مزدور) - امپریالیسم و چپائی ارتجاعی در منطقه) و نیز همکاری خوانین و زمینداران عشا ییر از قبیل طاهرخان منگول (قرن زین) سماعیل

آقا سمیتقو، سارما مدی (از روسای عشا ییر و از همدستان سلطنت طلبان و بظا هر مدافع نظرات توده ایها) و نیز با کمک فکری و عملی توده ایها، اکثریتی های راست و دارودسته گروه یفتری برهبری غنی بلوریان توانستند مناطقی مهمی را اشغال نمایند. در این حمله از نظر نظامی جریان مزدور قیاده موقت بعلت آشنائی به مناطق سرو، ترکور و مرکز و اشنویه نقش مهمی داشت. در جنوب - کردستان رژیم با استفاده از درگیری بین حزب دمکرات و کومله بیک حمله وسیع دست زد که در این حمله نیروهای سرکوبگر رژیم توانستند قسمتهای آزاد شده جا ده جنوبی سنج - مریوان و بخشهای از کامیاران را به تصرف خود در آورند. در مرکز کردستان رژیم طی یک یورش گسترده و وسیعانه از چند محور به شهر بوکان علیه رژیم اینکها این شهر اهمیت استراتژیک نظامی ندارد. نتوانست آنرا اشغال نماید. حدود دو هفته قبل از این حمله چندین گردان ارتشی از نیروهای لشکر گردان در میا ندو آب مستقر و نیز چندین گردان در سقز آماده باش بودند. در این حملات نیز نقش قیاده موقت را نیا بدفرا موش کرد. قبل از اینکه حمله از محور میا ندو آب به بوکان صورت گیرد رژیم بیک انتقام گیری از زحمات گشتان - منطقه دست زد و طی حمله بیک پاسداران به کوره پزخانه ای اطراف تپه ساری - قمیش نمودند، تعداد زیادی از کارگران کوره پزخانه ها را شهید کردند. در نتیجه خوشی و شقاوت پاسداران در این یورش بحدی بود که خشم و تنفر توده های وسیع مردم در منطقه را بشدت برانگیخت. اما مع علیه غم ضربات با بدیا داری کنیم که رژیم هنوز هم نمیتواند مدعی حاکمیت کامل در کردستان گردد. هنوز اکثر روستاها و جا ده های کردستان در دست پیشمرگان میباشند و مناطقی اشغال شده توسط رژیم نیز در محاصره توده های مردم و پیشمرگان مسلح میباشند. با این وجود نیا بد از دست رفتن این مواضع راهز چند موقتی و ناپایدار باشد تا دیده - گرفت و لازم است علل و نتایج این تحولات را بررسی و درسهای لازم از آنرا آموخت. هما نظور که با رها گفته ایم رژیم جمهوری اسلامی رسالتی جز با زپس گرفتن دستاوردهای انقلاب از مردم و جلوگیری از گسترش و تعمیق انقلاب و با زسازی - نهادهای ضربه خورده سرما به دار یو ابسته ندارد. این رژیم در موقعیت خود بویژه کنونی یعنی کساکش انقلاب و ضد انقلاب

نقش عمده در جبهه ضد انقلاب دارد. این رژیم از ابتدا دشمنی آشکار خود را با جنبش دموکراتیک خلق کرد اعلام داشته و با تمام قدرت در مدد سرکوب خلق کرده برآمده است. رژیم جمهوری اسلامی علیه اینکها با رها به دروغ زنا بودی جنبش مقاومت کردستان صحبت میکرد اما هر بار نتوان بر این جنبش به اقدامات - سرکوبگرانه دست میزد. رژیم جمهوری اسلامی بدرستی دریا فتنه بود که بجز در میان تعداد معدودی خائن خود فروخته (جاشها) و عده ای محدود ترغیب طلب (جاشها) و زشکار نمیتواند هیچگونه یگانگای در کردستان داشته باشد. از اینرور و هنگامیکه رژیم حملات گسترده ای علیه توده های مبارز مردم ایران و نیروهای انقلابی در سراسر ایران آغاز میگردند تنها نمیتوانست کردستان را از این حملات مستثنی نماید، بلکه طبعاً میبایستی این حملات به کردستان گسترش بیشتری یابد. اما یورش اخیر از جنبه دیگر برای رژیم اهمیت داشت علیه رژیم اینکها رژیم توانست با یک دست کردن خود سرکوب نیروهای انقلابی را که از مدتها پیش نقشه آنرا کشیده بود پیش برد. اما از آنجا که بحران عمومی جامعه رژیم، رادرسر اشیب سقوط قرار داده است، - مسلماً در چنین حالتی وجود مناطقی آزاد شده در کردستان اهمیت بسیار خواهد یافت و نیز جنبش دمکراتیک خلق کرد میتواند زلحاظ شکل برای بخشهای بسیار از ایران و زلحاظ مضمون برای خلقهای تحت ستم مضافاً بر این یک الگوی نسبتاً "پرواز مند باشد. مضافاً" برای اینکها نیروهای عمده رهبری کننده این جنبش در موضع قدرت قرار دارند. جنبش ملی - دموکراتیک خلق کرد با مقاومت قهرمانانهاش در گذشته و تعرض گسترده اخیرش توانسته و میتواند ضربات مهلکی بر پیشبرگان رژیم جمهوری اسلامی وارد آورده و نیز قادر است بعلت وجود یگانگای عسلی بخشهای از - پرسنل انقلابی و مردمی نیروهای سرکوبگر را که حاضر به سرکوب خلق نمیتوانند در خود جای دهد. این امکانات گسترده برای انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران در نقاط دیگر فراهم نیست از اینرور رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی عزم به سرکوب هر چه بیشتر خلق کرد میکند. در این میان جنبش عوامل دیگر نیز در تصمیمات اخیر رژیم موثر نبوده - است از آنجمله وضعیت قیاده موقت می بقیه در صفحه ۶

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

یورش گسترده رژیم به کردستان...

بقیه از صفحه ۵

باشد. قیاده موقت یک دارودسته مزدور برهبری سعودوا دریس با زانسی فرزند آن ملامصطفی با زانسی میباشند. این جریان که با رها توسط سازمان ما طی سه سال گذشته افشاء شده است نقشی جز مزدوری برای ارتجاع در منطقه ندارد. هیران قیاده موقت بخونی میداند که سقوط رژیم جمهوری اسلامی منجر به سرچیده شدن حیات انکلی آنها در ایران خواهد شد و از آنجا که در میان خلق کرد عراق هم جاشی ندارد سرنوشت خود را با سرنوشت جمهوری اسلامی یکی میدانند برای آنها هم مانند جمهوری اسلامی ساله مرگ و زندگی مطرح است بویژه آنکه قیاده موقت از نظر سیاسی در عراق مرده است و ایجا دجبهه با حزب کمونیست عراق نتوانسته است برای این نیروی مزدور حیثیتی بدست آورد.

از عوا مل مهم دیگر موقعیت ویژه جریانات بختیار و سلطنت طلبان (برهبری آریانا) در منطقه شمال کردستان میباشد همسوئی و اتحاد عمل آنها از - گاتال ستار ما مدی یا رژیم جمهوری اسلامی یک مرتضی یا بر سبیل اخبار تنوذه است تمام شواهد و دلائل موجود و همچنین اطلاعات موثق بر این امر دلالت میکنند که تا کتیک کنونی این جریانات حفظ و بقای خود را در رگانهای دولتی میباشند. طبق تصمیمی که این جریانات گرفته اند بده کلیه عوام مل خود دستور داده اند، سعی کنند از هر عملی که موجب شک و شناسائی آنها شده و موقعیت آنها از بین می رود بیا منجر به دستگیری آنها میشود خودداری کنند. این جریانات معتقدند که با یدرگیری بین نیروهای انقلابی و رژیم منجر به تضعیف هر دو طرف گردد تا خود بتوانند در موقعیت مناسب سرباز آوند. ضمناً "بعنوان یک امر تاکتیکی و بدون اعلام رسمی با شرکت در سرکوب نیروهای انقلابی و خلقهای ایران موقعیت ویژه ای برای خود به دست می آورند و هم رقیبان خود را در صحنه سیاسی تضعیف میکنند. تا امتیانات

و انقلابی علیه مجاهدین خلق از جمله طرح اشتباهات مجاهدین در مورد قبول میثاق بنی صدر بدینجهت است که میخواهند برای آینده خود را تنها صحنه گردان مبارزه با رژیم معرفی نمایند. از اینرو همسوئی با رژیم بطور کامل در مناطقی که هرگز نمیتوانند بصورت پایگاه مستحکم برای رژیم باشد، بسود خود تشخیص میدهند بویژه آنکه این همسوئی منجر به تقویت خوانین و سران عشایر در این مناطق میشود که پایگاه طبیعی اپوزیسیون ضد انقلابی نیز میباشد. اما در این میان باید متذکر شد جریاناتی از قبیل گروه انفجری منشعب از حزب دمکرات کردستان ایران بسد رهبری غنی بلوریا، جناح راست اکثریت

و حزب تنوذه را مورد توجه قرار داد. این جریانات که محور تشکل آنها بر اساس خطومشی حزب تنوذه میباشد از مدت ها قبل برای کردستان به رژیم طرح ارائه می دادند و منتظر بودند تا رژیم جمهوری اسلامی این واقع بینی را پیدا کند تا با برسمیت شناختن حقوق ملی خلق کرد "فدا انقلاب" را در منطقه یزولسه نماید. و حال آنکه این رژیم اگر حقوق ملی خلق کرد را به رسمیت میشناخت و اگر حتی کوچکترین اقدامی عرفی و عرفی در این منطقه صورت میداد برایش ضرورتی پیش نمی آمد تا با فتوایها و سران عشایر و افراد شناخته شده ای چون معبودیها و خسروی ها متحد شود و پس از آنکه استفاد لازم را نمود آنها را از صحنه خارج و حتی احیاناً به زندان اندازد، سرنوشتی که به احتمال قوی برای تنوذه ایها و شرکا - یشان پیش خواهد آمد.

بهر رویا در دست گرفتن ابتکار عمل توسط ارتش و شخص ضیادی شیرازی و سپاه پاسداران ارومیه نیروهای سرکوبگر تصمیم گرفتند که از همه امکانات علیه جنبش خلق کرد استفاد نمایند و از اینرو دست و فرمیستها این خائنین به خلق کرد را موقتاً بفشارند. رفرمیستها هم با این ادعا که در این همکارانی تنها ضد انقلاب بخوان نیروهای شرکت کننده در جنبش معادمت خلق کرد (ارکوب می کنند و نه مردم را حاضر به این خوش خدمتی میشوند تا شاید پس از مدت ها رژیم حضور - مستقل آنها را بپذیرد. ولی همه میدانند که اگر رژیم بطور نسبی موفق شود خواستار خلع سلاح این نیروها خواهد شد. و عهد پیمانهای که هم اکنون در روستای "ژادانه" در اطراف ارومیه با شرکت نمایندگان رژیم - قیاده موقت، حزب تنوذه، اکثریتی های راست و غنی بلوریا بسته شده است برای زودی زیر پا گذاشته خواهد شد. و این برای جناح راست اکثریت بویژه سرنوشتی عم نگیز خواهد بود که دفاع از رژیم با توجیه ضد امپریالیستی بودن آن، آنها را به جاشی کشانده است که در کنار قیاده موقت، فتوایها و سران عشایر ترگور و مرگور قرار گرفته اند. اکثریتی های راست و همپا لکی هایشان در این مورد کاملاً در منقلب ضد انقلاب عراق - شده اند و هیچ توجیهی نمیتوانند برای آنان کار ساز باشد.

اما تحلیل سازمان انقلابی زحمت کشان کردستان (کومله) در این مورد جای اندکی مکث ندارد. این سازمان از شرکت رفرمیستها در جنگ شمال کردستان چنین نگردد که انگیزه اصلی از شرکت بجادیک پایگاه ذخیره -

برای اتحاد شوروی در صورت تغییر رژیم میباشد. در واقع کومله میخواهد اینگونه نتیجه بگیرد که در تغییر رژیم جمهوری اسلامی منافع شوروی از طریق حفظ این منطقه توسط تنوذه ایها و... حفظ خواهد شد (نقل به معنی از زیر نویس جزوه تدارک قیام، ضمیمه ۳ پیروی ۲). کومله در تحلیل این پدیده آنچنان دچار ساده نگاری و سهل اندیشی شده است که گویا میخواهد مناسبات طبقاتی در یک روستای عقب مانده کردستان را تحلیل نماید. در حالیکه "ولا" اتحاد شوروی علیرغم گرایشات انحرافی اش ما هیتا نمیتواند بعنوان یک نیروی که در تقسیم اقتصادی و جغرافیائی جهان شریک باشد بررسی

شود تا نیا "هژمونی در بین نیروهای - شرکت کننده در این سرکوب بعهد رژیم جمهوری اسلامی (عمدتاً ارتش) بودن توده ایها و... و در این هم نمیتوان شک نمود که رژیم جمهوری اسلامی در کلیت خود کنا رکشورهای سوسیالیستی و از آنجمله اتحاد شوروی قرار نداد.

ثالثاً "بنا به دلائل و شواهد متعدد چه در منطقه کردستان و چه در سایر استان - هر تنفیر انقلابی در حاکمیت سیاسی ایران و پس از سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نه فقط ایران یک قطب مخالف شوروی نمیشود، بلکه احتمالاً "موضع صریح و روشنی نسبت به دوستان خلقهای ایران و همکاران با آنها خواهد داشت (مگر اینکه کومله دجا را بین توهم باشد که تغییرات انقلابی در ایران به رهبری کومله صورت میگیرد). همچنین اگر حتی فرض را بر این قرار دهیم که شوروی دارای خلصیت امپریالیستی میباشد نیز نمیتواند توجیهی که تحلیل کومله خود را مگر نه اینست که استفاد از طریق تسلط مستقیم، بلکه از طریق طبقات و بسته بخود عمل میکند و حفظ این منافع نیز از گاتال بورژوازی وابسته بخود امکان پذیر میشود. بهر حال تحلیل کومله چه از نظر سیاسی (قرار دادن اتحاد شوروی در صف ضد انقلاب و چه از نظر جامعه شناسی و تحلیل طبقاتی (که نفوذ امپریالیسم را در کشورهای سرمایه داران وابسته از طریق طبقه سرما یه داران وابسته از نماند و به مناطق تحت نفوذ مستقیم خود بیا نکر نفوذ اندیشه های نیمه - فتوادل - نیمه مستعمره میباشند) - انحرافی است.

از طرف دیگر تبلیغات حزب دمکرات کردستان به گونه ایست که گویا نیروی عمده در این سرکوب سلطنت طلبان - بختیار و رژیم عوام مل امپریالیسم آمریکا (قیاده موقت) میباشد. در صورتیکه کلیه این عوام مل در کنار روزیر رهبری - رژیم جمهوری اسلامی در یورش اخیر معنی و مفهوم و موقعیت پیدا میکنند. در این تردیدی نیست که همه عوام ملی که حزب دمکرات بدان اشاره میکنند دشمنان خلق کرد میباشد ما نیا یدفرا موش کرد که چه در یورشهای اخیر و چه در طی سه سال گذشته این رژیم جمهوری اسلامی بود که دشمن آشکارا و عمده خلق کرد بود و در واقع توطئه های آشکار و نهان امپریالیسم جهانی از گاتال رژیم جمهوری اسلامی به مورد اجرا گذاشته میشود. تبلیغات حزب دمکرات و بزرگ کردن نقش سلطنت طلبان و عوام مل امپریالیسم و سران عشایر -

واقع و عملاً "پنهان" رژیم جمهوری اسلامی در یورش اخیر میباشد. اما آنچه که پیش از همه در تحلیل یورشهای اخیر اهمیت دارد نتایج یورشهاست که می توان آموخت و ما به مهمترین آنها اشاره میکنیم:

۱- اولین و مهمترین نتیجه این یورش روشن تر شدن هر چه بیشتر صف دوستان و دشمنان خلق کرد میباشد. مشخص میشود که به صرف گردیدن فرد یا فردی جریانی نمیتوان آن فرد یا جریانی را دوست خلق کرد تا مید. مردم کردستان بیش از پیش در میباید بنده که اندیشه کردگرا نی صرف نمیتوانند را هکشی ای مبارزات آنها گردد. شرکت وسیع قیاده موقت متلاشی شدن و فرار رهبران سپاه زرگاری به عراق، - بقیه در صفحه ۱۶

وضعیت کنونی و ...

بقیه از صفحه ۲

دو نیرو هستند، با حمایت آشکارا رومنسی خود رژیم را در سرکوب نیروهای انقلابی یا یاری میرسانند و نیروهای ضد انقلاب غالب و مغلوب بویژه در ارتش و بوروکراسی و برخی مناطق نظیر کردستان دوشادوش - بکدیگر نیروهای انقلابی را سرکوب می کنند بی دلیل نیست که در یک لحظه شناخته شده - ترین نیروهای وابسته به بورژوازی - برگ و سرسپردگان امپریالیسم نظیر برعتمداری جیها، قنقا نیها و خا نیهای بلوچستان و دیگر نیروهای شناخته شده امپریالیسم که داعیه مخالفت با رژیم حاکم را داشتند، در یک لحظه محو میشوند. در چنین شرایطی که بیش از هر زمان در قبال چشم انداز و وضع و وحدت آشکارا روپنهان جناحهای مختلف ضد انقلاب علیه نیروهای انقلابی، نیاز به وحدت همه نیروهای انقلابی و مترقی و دمکرات احساس میشود. در چنین شرایطی است که با کمال تأسف شاهد اتحاد دیگری از نیرومندترین سازمانهای انقلابی ایران یعنی سازمان مجاهدین خلق ایران با جناحی از لیبرالها برهبری بنی مدروتوافق بر سر یک میثاق بورژوازی - رفرمیستی هستیم. امری که نه تنها نمیتواند وحدت نیروهای انقلابی را در جهت تشکیل یک آلترنا تیا انقلابی نیر و مند تا مین کند و سرنگونی رژیم را تسریع نماید بلکه بالعکس به ما نفعی در جهت وحدت تبدیل شده است. زیرا که این اتحاد و این برنامه عمل نه تنها از دیدگاه سازمانها و گروههای م - ل که از موضع طبقه کارگر حرکت میکنند بهیچوجه بی نگر خواستها، آمال و آرزوهای توده های مردم و منطبق با مرحله کنونی انقلاب و نیازهای آن نیست، بلکه از دیدگاه بسیاری از نیروهای انقلابی، مترقی و دمکرات دیگر نیز این وحدت و این برنامه نمیتوانست مورد تأیید و قبول قرار گیرد. مجاهدین خلق نیز اکنون تا حدودی این مسئله را درک کرده اند و تواقی برخی موضعگیریهایی و مباحثه های مسعودرجوی که بطرح برخی مسائل پرداخته است که در میثاق وجود ندارد، بیان همین امر است. نشان داده است. مجاهدین خلق نمیتوانند در همان حال که خواستار تغییرات رادیکال و دمکراتیک و تغییر نظام سیاسی موجودند، از میثاق شورای مقاومت که یک میثاق بورژوازی - رفرمیستی و خواهان اصلاحاتی در نظام اقتصادی و سیاسی موجود است - دفاع کنند. سازمان مجاهدین خلق نمیتوانند در همان حال که خواهان نزدیکی و اتحاد با گروهها و سازمانهای انقلابی و مترقی ست در کنار لیبرالها قرار گیرند. بنا بر این سازمان مجاهدین در چنگال یک تناقض قرار گرفته است. تناقضی که سرانجام میباید میان لیبرالها با برنامه رفرمیستی و نیروهای انقلابی با برنامه ای انقلابی یکی را انتخاب کنند و یکی شک پیشرفت مبارزه و منطق مبارزه - انقلابی، دمکراتهای انقدبی ما را مجبور خواهد کرد که اتحاد با نیروهای انقلابی و برنامه انقلابی را بپذیرند. از این رو وحدت مجاهدین و بنی مدروتوحدتی شکننده

است که نمیتوانند پایداری باقی بمانند. تنها وحدت اصولی و انقلابی آن وحدت است که بین سازمان مجاهدین خلق و دیگر سازمانهای انقلابی، مترقی و دمکرات - حول یک برنامه انقلابی صورت گیرد. تنها این وحدت میتواند با توجه به وضعیت حساس کنونی پاسخی انقلابی به نیازهای مردم جنبش باشد. بر مبنای چنین درکی است که ما از مدتها پیش با توجه به چشم انداز و وضع سیاسی جامعه بر ضرورت تشکیل یک آلترنا تیا انقلابی که قادر باشد وسیع ترین طیف نیروهای انقلابی، مترقی و دمکرات را در برگیرد و توده های مردم را در سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، استقرار یک جمهوری دمکراتیک و انقلابی و امر تداوم و تکمیل انقلاب هدایت کند، قرار دادیم. از دیدگاه ما مبنای تشکیل یک چنین بلوک انقلابی را سازمانهای م - ل و دمکراتهای انقلابی تشکیل میدهند که با ارائه یک برنامه و پلاتفرم انقلابی که دقیقاً "منطبق با نیازهای کنونی جامعه و در جهت پاسخگویی به اساسی ترین خواسته های کارگران، دهقانان و دیگر اقشار خلق در مرحله کنونی انقلاب قرار دارد وسیع ترین بخش توده های مردم را گرد خود جمع آوری کند. ما همزمان با رد میثاق شورای مقاومت، تلاشهای را بمنظور مذاکره و تبادل نظر بر سر یک برنامه انقلابی و یک ائتلاف با نیروهای انقلابی و مترقی، از جمله سازمان مجاهدین خلق، راه کارگر، جناح چپ اکثریت، حزب دمکرات کردستان، کومله و چریکهای فدائی خلق آغاز کردیم. ما در مذاکرات شفاف خود با نمایندگان سازمان مجاهدین خلق نظر صریح خود را پیرامون غیر اصولی بودن اتحاد آنها با بنی مدروتو پذیرش میثاق بورژوازی - رفرمیستی از جانب آنها خاطر نشان ساختیم و با تأکید بر حساسیت شرایط و نقش مجاهدین خلق در مرحله کنونی جنبش، خطوط کلی پیشنهادات خود را که بیان اساسی ترین خواسته های مردم در مرحله کنونی انقلاب است بعنوان مبنای مذاکره و اتحاد نیروهای انقلابی ارائه دادیم. این مذاکرات میان ما و سازمانهای انقلابی دیگر همچنان ادامه دارد و تا کنون به برخی نتایج مثبت نرسیده است. یافته های ما در این زمینه ما با راه کارگر و جناح چپ اکثریت بیک موضع گیری واحد در قبال میثاق شورای مقاومت و ارائه یک پلاتفرم واحد دست یافتیم و مدتی نیز نتایج را این پلاتفرم تا حصول نتایج مشخص تر از مذاکره با گروهها و سازمانهای انقلابی دیگر به تعویق افتاد. از این رو بنا بر حساس بودن شرایط، در همان حال که مذاکراتمان را با همه گروهها و سازمانها ادامه میدهم، مواد مورد توافق را بصورت یک نامه سرگشاده به سازمان مجاهدین خلق منتشر کردیم. ما وظیفه خود را در این زمینه که یکبار دیگر در نظر عموم خلق و همه سازمانهای انقلابی و دمکرات شرایط حساس کنونی و مسئولیت مجاهدین خلق را در شرایط موجود جنبش خاطر نشان سازیم و آنچه را که میتوان در ارتباط با منافع اساسی کارگران، دهقانان و دیگر اقشار خلق، بعنوان مبنای حداقل وحدت - نیروهای انقلابی قرار گیرد، بصورت یک پلاتفرم ارائه دهیم، ما ضمن تأکید بر این مسئله که تحقق کامل خواسته های ما و پیروزی قضی انقلاب دمکراتیک تنها با همزونی پرولتاریا امکان پذیر است

معتمدیم این پلاتفرم گرچه خطوط کلی و اساسی یک برنامه حداقل پرولتاریا را شامل است، اما در انطباق کامل با آن - نیست. بلکه برنامه عمل مشخصی است که بدون هرگونه گذشت های غیر اصولی با توجه به توازن نیروها، موقعیت و نقش سازمانهای م - ل و دمکرات، وضعیت عینی جنبش طبقه کارگر و دیگر اقشار خلق میتواند در لحظه کنونی مبنای وحدت نیروهای انقلابی، مترقی و دمکرات قرار گیرد. ما بخوبی در این برهه از تاریخ سرنوشت - سازمانهای م - ل بر خطراتی که از سوی امپریالیسم جهانی بر سرکردگی امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی، جنبش خلق و - انقلاب ایران را تهدید می کند آگاهیم. از همین رو از تمامی نیروهای انقلابی و دمکرات بویژه سازمان مجاهدین خلق میخواهیم که با یک برخورد مسئولانه به شرایط سرنوشت ساز کنونی، گامهای عملی و جدی در راه وحدت سازمانها و الزام به تذکر نیست که پلاتفرم ارائه شده بهیچوجه منحصر به گروهها و سازمانهای امضاء کننده آن نیست بلکه مبنای ست برای مذاکره و رسیدن بیک توافق عملی با همه نیروهای انقلابی است. ما در آینده طی یک سلسله مقالات به تشریح بندهند این پلاتفرم، ضرورت طرح مواد آن و نشان دادن ماهیت انقلابی آن خواهیم پرداخت اما در اینجا بطور کلی خاطر نشان میسازیم که در این پلاتفرم برخلاف تمام ما با همها و دوپهلوگونیهای میثاقی، از همان آغاز بر صراحت بر ضرورت سرنگونی قهرآمیز رژیم جمهوری اسلامی تأکید شده است. در این مسئله کمترین تردیدی نیست که برخلاف ادعای میثاقی، این عدم اجرای درست قوانین و تقصیر آنها از سوی سرمداران کنونی حاکمیت نبوده است که رژیم ترور و اختناق را بر مین ما حاکم گردانده است بلکه نقش همان قوانینی اساسی و سیستم سیاسی حاکم است که از همان آغاز بنقض حقوق و آزادیهای مردم پرداخت و شره آن امروز کشتار و اختناق، سرکوب و سلب ابتدائی - ترین حقوق و آزادیهای مردم است. این نه حزب جمهوری اسلامی بلکه رژیم جمهوری اسلامی است که امروز بصورت مانع عمده بر سر راه انقلاب و تحقق خواسته های مردم آمده است. لذا سرنگونی انقلابی این رژیم و مضمحل کردن کل نظام سیاسی حاکم، اولین گام در راه تحقق خواسته های مردم و رهایی از رژیم ترور و اختناق موجود است. تفاوت این سرنگونی با - خواست همه اپوزیسیون های ضد انقلابی، در انقلابی بودن آن است. رژیم جمهوری - اسلامی باید بدست توده های مردم، با ابتکار انقلابی آنها و با قیام مسلحانه خلق سرنگون شود. بدون سرنگونی قهرآمیز رژیم جمهوری اسلامی و بدون نوسل به ابتکار توده های هرگونه صحبتی در باره انقلاب و تحقق خواسته های توده ها حرفی بچوب و بی معنا خواهد بود. رژیم جمهوری اسلامی باید سرنگون شود و بجای آن یک نظام جدید، یک جمهوری دمکراتیک و انقلابی مستقر گردد. اما چگونه تحقق این امر از همان آغاز مشروط به پیش شرط ها نیست که از جمله استقرار یک دولت موقت انقلابی و تحقق فوری ترین خواسته های توده های مردم است. تنها پذیرش سرنگونی رژیم جمهوری

وضعیت کنونی و...

بقیه از صفحه ۷

اسلامی کافی نیست. هر نیرویی که واقعا انقلابی و دمکرات باشد باید بپذیرد که بجای حکومت سرنگون شده با پدیک دولت موقت انقلابی مستقر گردد. دولتی که از بطن مبارزات توده ها برآمده، محصول قیام پیروزمند خلق باشد و ارگان اقتدار آن محسوب گردد. بدون استقرار این ارگان اقتدار خلق، ارگانی که موقتا زمام امور را تا گشایش مجلس مؤسسان و استقرار نظام نوین در دست می گیرند، تحقق فوری ترین خواسته های انقلابی و دمکراتیک مردم را بمرحله عمل در می آورد امکان پذیر نیست. این دولت وظیفه دارد به بقایای ضد انقلاب رادرم کوبد. آزادی سیاسی را برای خلق و همسازان سازمانهای انقلابی و دمکرات فراهم آورد و با تضمین آزادی تبلیغ شرایط را برای گشایش یک مجلس مؤسسان دمکراتیک و انقلابی تا مین کند و فوری ترین خواسته های توده های مردم را که در بندهای بعدی پلاتفرم آمده است عملی سازد. فراهم کردن زمینه برای تشکیل یک مجلس مؤسسان دمکراتیک و انقلابی و خلقی یکی از مهمترین وظایف دولت موقت انقلابیست. کسی نمیتواند شعار یک مجلس مؤسسان دمکراتیک و خلقی را مطرح کند مگر آنکه ضرورت دولت موقت انقلابی را بعنوان پیش شرط تشکیل یک چنین مجلسی بپذیرد. عدم طرح دولت موقت انقلابی، در یک پلانفرم، از دیدگاه رفرمیستی و آنارشیستی ناشی میشود. دیدگاه رفرمیستی شعار مجلس - مؤسسان و شعار فوری ترین خواسته های مردم را می پذیرد، اما تضمین عملی آنرا که وجود یک دولت موقت انقلابیست نمیدارد. از سوی دیگر کسی جز آنارشیست هان نمیتواند

تصور کند که بهر حال بدون یک دولت اساسا گشایش و دعوت مجلس مؤسسان ممکن نیست. لنین در برخورد با کسانیکه مروج یک چنین دیدگاهی بودند، میگفت: "..... تشکیل مجلس مؤسسان بهر حال بدون کمک هر نوع دولت و با نتیجه بدون کمک دولت انقلابی، آنارشیستی است". بهر رویکی از وظایف مهم دولت موقت انقلابی فراهم آوردن زمینه برای تشکیل یک مجلس حقیقتا "دمکراتیک، مؤسسان و خلقی است. و یک مجلس خلقی بقول لنین مجلسی است که در وهله اول بیا نکراراده خلق باشد، بمنظور تأمین این هدف، ما باید حق رای عمومی را در تمام جنبه های دمکراتیک اش داشته باشیم و تضمین کامل آزادی برای انجام مبارزه با انتخاباتی وجود داشته باشد، مجلسی است که تا "حقیقتا" قدرت و توریته "تاسیس" یک نظام سیاسی را دارنده حاکمیت خلق را تا مین خواهد کرد. کاملاً بدیهی است که بدون این دو شرط این مجلس نمیتواند حقیقتا "خلق و نه حقیقتا" مؤسسان باشد (وظایف دمکراتیک پرولتاریا انقلابی) بعلاوه دولت موقت انقلابی نباید با وعده گشایش مجلس مؤسسان و استقرار نظام جدید، تحقق خواسته های فوری مردم را به تمویق اندازد بلکه بفریبت با بدآزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم را تا مین کند، برای حفظ و تدوام انقلاب با بستن توده های میدان دهد، شورا های کارگران، دهقانان، سربازان و دیگر اقشار خلق را برسمیت بشناسد. بمنظور دفاع از دست آوردهای انقلاب، تا مین اقتدار خلقی و تضمین برقراری یک حکومت دمکراتیک و انقلابی، خلق را آسود کند، تا تجربه گذشته یکبار دیگر تکرار نگردد. حقوق برحق و عادلانه خلقهای ایران که سالیان در ازاتبعیض اقتصادی، سیاسی، اداری و فرهنگی رنج برده اند، باید بدفریبت تا مین گردد. خواسته های فوری

کارگران نظیر اجرای شعار ۴۰ ساعت کار و در روز تعطیل در هفته، افزایش دستمزدها متناسب با معارج و هزینه های کارگران، یک ماه مرخصی سالانه و خواسته های دیگر عملی گردد. انجام اصلاحات ارضی دمکراتیک از طریق شوراها و کمیته های دهقانی و معادله زمینهای زمینداران بزرگ و لغو کلیه دیون و بدهی دهقانان بزرگ با نکها، زمینداران و ربا خواران بصورت یک امر عاجل بمرحله اجرا در آید. بمنظور کاستن از بار فقر و فلاکت توده ها اقدامات فوری در جهت مبارزه با گرانی و بیکاری و تا مین مسکن صورت گیرد. بمنظور مبارزه با امپریالیسم و سرمایه داران وابسته و مبارزه جدی و عملی علیه آنها، سرمایه های بزرگ معادله و کنترل شوراها یا کارگری در همه واحدها و موسسات تولیدی برقرار گردد. تجارت خارجی، کلیه بانکها و موسسات مالی ملی گردد، همه قرارداد های اسارت بار با امپریالیست ها افشا و انشاء گردد و با لایحه دولت موقت انقلابی موظف است که در سیاست خارجی یک سیاستی ضد امپریالیستی اتخاذ نموده و با همه دولتها، جنبشها و سازمانهای انقلابی و مترقی اتحاد و همکاری داشته باشد. تمام آنچه گفته شد، چارچوب یک پلانفرم انقلابیست که مواد آن با اساسا در میناق شورای مقاومت ملی وجود ندارد و با برخی موارد بصورت تکنگ و مبهم با آنها اشاره شده است. تنها بر اساس یک چنین پلانفرم انقلابیست که میتواند با توجه با واقع حسان کنونی، وحدت رزمنده ای میان همه نیروهای انقلابی مترقی و دمکرات ایران صورت گیرد. این آمیخته همه سازمانها و گروههای انقلابی با برخوردی مسئولانه و انقلابی گامهای جدی و عملی در جهت این وحدت بردارند.

چرا خمینی دروغ میگوید؟

رژیمهای ارتجاعی و ضد خلقی همواره ناچارند برای نجات خود از ورطه شکستگی سیاسی، دست به نیرنگ و فریب زینند و گاه واقیبات موجود را آنچنان آشکارا انکار می کنند که حتی عقب مانده ترین اقشار توده ها را نیز به حیرت و امیدارند. از جمله نمونه های بارز این امر منطقی است که خمینی در روز جمعه هفته گذشته، در حضور سردمداران رژیمش و در مراسم تنفیذ حکم رئیس جمهور از پیش تعیین شده اش با وقاحت تمام ایراد کرد. نکته ای را که خمینی در این نطق بدان تاکید بسیار داشت و بیشتر صحبت او را شاملان میشد، مقایسه شرایط ایران پس

از مرگ رجائی و وضعیت مصر پس از مرگ سادات و تحریف واقیبات موجود در ایران بود. او گفت: "..... و شما مقایسه کنید که ما بین این و کشورهای دیگر از قبیل مصر، عراق و سایر کشورهای نظیر آنها و کشورهای بزرگی که در پس اینها واقع شده اند و هدایت می کنند آن توکرها - خودشان برای بدست آوردن قدرت مقایسه کنید بینید رئیس جمهوری شهید می شود در ایران هیچ اتفاقی نمی افتد دنبال او و بعد از مدت کوتاه یک رئیس جمهوری بجای او می نشیند. رئیس جمهور فاسد در مصر کشته می شود مصر بهم می خورد، اسلام حکومت نظامی یکسال ملکت ایران الان آرامش را در کشور ایجا کرده است و خود آراش را ایجاد می کند بدون - اتکال به قدرت دیگری دولت هم اتکال از سر نیزه را برداشته و اتکال به خدا و ملت کرده است از این جهت هیچ اتفاقی نمی افتد..... شما دیدید که با این انقلاب عظیمی که در ایران واقع شد یک روز حکومت نظامی اعلام شد یک روز وضع غیر - عادی در هیچ جای این کشور اعلام نشد برای اینکه حکومت نظامی برای سرکوبی ملت است و ما کسی را ندانستیم که با ملت جدا باشد و بخواد ملکت را سرکوب کند....." (کیهان شنبه ۲۸ مهرماه ۱۳۶۰) تا بدکمتر شنونده ای باشد که از این سخنان بحیرت نیفتد. خمینی در این

سخنان اشکارا دروغ می گوید، او می گوید اصلا در ایران هیچگاه حکومت نظامی وجود نداشته، در عین اینکه اعتراف می کند حکومت نظامی برای سرکوب ملت است، او که اینک رسماً "دستور قتل عام انقلابیون و خلقهای تحت ستم را صادر کرده است، آنچنان به لب و اقیبات می پردازد که ممکنست تنها تهنی مغزان را فریب دهد. با بد پرسید اگر هم اکنون حکومت نظامی برقرار نیست پس ژ - ۳ بدستان کمیته و سپاه و بسیج در خیا با آنها چه می کنند؟ این همه کشتارها، ترورها، دستگیریها، شکنجه ها و اعدامها را که در دنیا بی سابقه بوده است چه می توان نامید و با لایحه پا سداران سرمایه و مزدوران کمیته چپ و بسیج مسلح به انواع سلاح های گرم که در کوچه و خیابان همچون سگان ولگرد بر سر می زند و بوز شکار انقلابیون مشغولند مبنی حکومت نظامی نیست؟ اینهمه ما شین گردیها، خانه گردیها، راه بندانها، تفتیش های جورا جورا چه با بدنام نهاد؟ شاید خمینی مفهوم حکومت نظامی را نمیداند! که این نیز از فرمانده کل قوا بمعیاد است. واقیبات اینست که خمینی برای نجات حکومت ننگینش تا چاراست دروغ بگوید و برای او که جانشین امام! است دروغ - گوئی مصلحتی برای نجات اسلام! و قرآن! گویا اشکالی ندارد.



یورش به انقلاب، تقویت و تحکیم پایگاههای

امپریالیسم

اینک یورش که به تمام صفوف - انقلاب شکل گرفته است روز بروز شدت میابد. رژیم که با زی مرگ زندگی را مدتی است آغا زکرده تمام می توان خود را گردآزده و از هر سو بر انقلاب میتازد. یورش همه جا نبر رژیم جنگی سراسری را شکل داده است که در تمام عرصه های اجتماعی تداوم مییابد.

در ارتش نیز رژیم جنگ نهایی خود را جهت پایداری تمام دستاوردهای قبلی و برقراری کامل سیستم فدرالیستی اطلاعات کورکورانه آغا زکرده است. رژیم اینک از سویی تمام حقوق ابتدایی پرسنل را پامال کرده است، تمام حقوقی که مبارزه جهت کسب آن پرسنل زحمتکش ارتش را داشته تا در قیام خلق به شکلی چشمگیر در کنارتوده ها قرار بگیرند. و از سوی دیگر سیستم اطلاعات کورکورانه از فرماندهان آمریکایی و اسلامپناها را تحکیم میبخشد. بجای شوراهای اطلاعات کورکورانه، بجای آزادی شرکت در اجزای و گروههای سیاسی اطلاعات کورکورانه، بجای آزادی نشرو عقاید و افکار، اطلاعات کورکورانه و بجای هر خواسته برحق دیگر پرسنل اطلاعات کورکورانه، اینک با ردیگر این جمله در یادگانها از دهان فرماندهان مزدور - شنیده میشود که "ارتش چناندارد"

در این رابطه بخشنامه های متعددی صادر شده است. از سویی بخشنامه های بسیاری جهت تحدید حقوق و آزادیهای پرسنل ارتش و از سوی دیگر بخشنامه های جهت آزادی هر چه بیشتر مزدوران و سربازان امپریالیسم و بکارگیری فزون تر آنها. در کارنامه ۱۳۰۰ نوشتیم که "بیش از ۲۰۰ بخشنامه از فرماندهی ارتش جهت کنترل و دستورالعملهای لازم جهت جلوگیری از حوادث ناگوار" (پخش اعلامیه، سمپاتی، تبلیغ، اخلاک در امور ارتش) و بر خورده به عوامل این حوادث به یادگانها رسیده است "در این بخشنامه - ها بکارگیری تفتیش عقاید کنترل کنترل شدید، گماردن جاسوس و غیر چنین و هرگونه عمل دیگر جهت جلوگیری از نشر عقاید انقلابی مکررا "توصیه شده است. مثلاً "مده است که "گلسه و سایر عملیات و ارتباطات افراد مشکوک باید تحت کنترل فرماندهان باشد و فرماندهان میتوانند در این عمل از افراد مومن و صدیق به انقلاب اسلامی هر طوری که صلاح بدانند استفاده نمایند" این جملات یعنی

فرماندهان حق دارند افراد مزدور حزب الهی را به هر طریق به جاسوسی، گشتن و سایر پرسنل، تفتیش بدنی، تعقیب و مراقبت، خانه گردی، تفتیش عقاید و ... و دارند. به تنها پرسنل شدت تحسنت مروا قیتند بلکه خطر پخش اعلامیه و نظرات نیروهای انقلابی آنچنان رژیم را به وحشت انداخته که در صورت پخش اعلامیه در یک یگان و عدم معرفی پخش کننده آن ظرف ۱۵ روز فرمانده آن یگان محاکمه خواهد شد و این نه تنها بنیانگرو تحسنت مرگ رژیم از شاگامی پرسنل زحمتکش ارتش است بلکه نمود بارزی ستازسیستم فدرالیستی اطلاعات کورکورانه حاکم بر ارتش ...

اما این تنها یک سوی مساله است در روی دیگر که بکارگیری روزافزون مزدوران امپریالیسم، با زسازی هر چه سریعتر ساخت فدرالیستی ارتش و ترمیم بنیاد و بستگی به انحصارات جهانی قرار دارد. ما در اینجا از بکارگیری مزدورانی چون قره نی، فلاخی، ظهیرنژاد و ... با از غفلت فرماندهان کودتاچی (که گرچه عمده کاسه کوزه آن بر سر مجرایین عمل یعنی بنیاد شکست اما با توافق حزبون و تصویب "امام" انجام شد) با از قرار دادهای میلیاردر ددلاری خرید سلاح و مهمات و لوازم پزشکی از امپریالیسم و ... سخن نمیگوئیم. اما کافیت بخشنامه دیگری را که از سوی دفتر "امام" در رابطه با ارتش صادر شده است مورد بررسی قرار دهیم تا روشن گردد که چگونه رژیم جمهوری اسلامی و در راستای خمینی رسالت خود را جهت حفظ و بازسازی سریع ارتش - آمریکا شیکه با شعار "ارتش برادرماست" شکل گرفت و با فتوی "حمله به یادگان - ها گناه است" و "مردم باید سلاحهای را تحویل دهند" تداوم یافت به پایان می برند.

در بخشنامه به تاریخ ۱۱/۶/۶۰ عوبه شماره ۷۰۱/۱۲/۲ که از دفتر مشاورت - اما مبه ریاست محترم شورای عالی قضایی صادر شده است چنین آمده است که "بنیاد با متشکل امر مبارک اما مبادمت برکات (که جایگزین فرمان مبارک همایونی شده است) در پی درخواست جانشین رئیس ستاد مشترک نسبت به رعایت قضایی پرسنل ارتش، حضرت امام امر فرمودند که موارد زیر را بکلیه ارگانهای مسئول و ذیربط ابلاغ کنید و اجرای دقیق آنرا از آنان بخواهید:

الف: تخفیف مجازات محکومین به حبس

ابد و تبدیل آن به ده سال ب: نسبت به خیانتها و جنایتهای پیش از پیروزی انقلاب از قبیل قتل و شکنجه و دستوراین دو وزارت بیت المال تعقیب قضایی بقوت خود با قیست در مورد سایر جرایم اعلام عقومیشود. ج: در عین حال از میان کسانی که بگناهان کبیره آلوده شده اند از آن عنا صریکه در طول مدت پس از انقلاب امتحان شایسته ای در خدمت گذاری به جمهوری اسلامی داده اند مشمول عفو قرار گیرند. د: دادگاهها و دستگاه قضایی و انتظامی از هرگونه احکامی که مربوط به جرایم پیش از انقلاب است جز در مواردی باشد که شدیداً نهی میگردد، بخشنامه های به توضیح ندادند و تنها با بدگفت این مثنی است نمونه خوار. این تنها یکی از مدها بخشنامه و دستور و فتوایی است که جهت ساخت فدرالیستی ارتش ما در میگردد. روشن است که خمینی و رژیم جمهوری اسلامی چه خدمات گرانبهای برای امپریالیسم انجام میدهد. عفو فرماندهان ارتش و تخفیف مجازات این سربازگان و بخشودگی تمام جرایم و سرسپردگیهای قبل از انقلاب در شرایطی صورت میگیرد که هر روز دهها جوان انقلابی تنها بجرم دفاع از حقوق زحمتکشان و مقابله با امپریالیسم، سرما به داری و رژیم جاسوسی به جوخه های مرگ سپرده میشوند در شرایطی که اعدا انقلابیون بدون محاکمه و حتی در خیابان صورت میگیرد، در شرایطی که بخاطر داشتن یک اعلامیه، نوشتن یک شعار رویا حتی یک کتاب جوانی ۱۳ ساله یا مادری رزمنده اعدا میشوند مزدوران امپریالیسم مورد عفو قرار میگیرند. در شرایطی که در زندانها از زندانیان سیاسی، از جوانان انقلابی لبریز است و شکنجه گاهای بسیاری فرزندان خلف خلق را شکنجه میدهند، مزدوران - امپریالیسم، سربازگان فدا اطلاعات و فرماندهان آریا مهربی مورد عفو قرار میگیرند و گناهان نشان به فرا موشی سپرده میشود. این بخشودگیها در شرایطی انجام میگیرد که رژیم تمام نیروی خود را در جهت سرکوب انقلاب بکار گرفته است و بدینست می توان گفت از هر سو کمربند خدمت امپریالیسم بسته است.

در تکثیر و توزیع آثار
سازمان بکوشید

رهبری طبقه کارگران پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

با کمکهای مالی خود سازمان رایاری رسانید

الف	د	ع	۶۰۰
۱۶۱۳	۵۱۲۳	۱۵۱۶۹	۵۲۵۲
۱۱۷۱	۲۵۳۴	ف	۵۱۲۳
۳۴۴۴	ر	۱۰۴۱۳	۳۳۲۳
۳۱۲۰	۲۴۵۹	۵۶۸۴	۵۰۷۰
۲۰۲۰	۱۰۵۵	۱۰۱۰۰	ن
ت	۱۱۱۰	۳۱۱۱	۲۰۴۲۵
۱۰۰۹۱	س	۱۱۲۲۲	۵۴۲۵
ج	۱۵۱۸	ل	۱۰۵۳۲
۱۳۳۳	۵۰۰	۱۱۲۱	۱۰۵۱
ح	ش	م	۵۰۷۱۶
۱۲۲۲	۲۰۱۱	۵۰۵۵	ه
خ	ص	۵۰۵۵۵	۴۰۷۷۷
۲۰۲۰۰	ی	۴۰۲۲	ی
	۱۰۳۹۱	۳۲۰۰	۲۰۲۲۲
	۵۱۱۱		

رفقای رودبار	ه	۷۰۰۰
بدون کد	الف	۳۰۰۰
۴۱۰۰	کشاوریان روستای	۴۰۰۰
۱۵۰۰	اشترینان	۴۰۰۰
اطانت شمارسید	دختران پیشکام	۲۶۰۰
رفیق و کوپن	رفقای دختر	۲۵۰۰
رفیق ز ۸۱	رفقای اصفهان	۱۲۵۷
کوپن	خلق	۲۰۰۰
رفیق ش - ۱	رفقای شهری	۱۳۵۷
کوپن	اضرفر جابری	۲۰۰۰
رفقای کهکیلویه	رفقای چالوس	۵۰۰
وبویرا احمد	شهید کیوانی نیا	۵۰۰
۲۰۰۰ ریال	رفقای خوزستان	۹۵۰
رفقای اصفهان	م	۱۱۱۱
۵۰۵۱۴	ص	۲۱۱۲
پویان	ش	۳۱۱۲
۳۰۰۰	ح	۳۲۰
پویان	ش	۲۴۱۹
۶۰۰	م	۵۰۵
معلمین	ع	۱۰۰۵
۱۱۱۱۱	ع	۲۱۲۰
مدرسه پایا	ف	۲۲۲۲
۵۰۰۰	رفقای مسجد	۲۲۲۲
رفیق فاطمی	سلیم	۱۱۱۱
۲۱۰۰	ش	۱۰۱۰۰
مرضیه اسکوشی	ز	۱۱۵۵
۱۶ هزار تومان	ی	۵۲۱۱
جهان	ب	۲۴۲۲
۱۵۰۰	ح	۳۷۲۸
چه گوارا	ف	۱۰۱۱۱
۲۸۰۰	ب ۳۹ کوپن	۱۱۱۱
سعید	ف ۱۱۱ کوپن	۱۱۰۰
۴۰۴۹	نیما	۱۱۰۰
رفقای شرق تهران	همایون پریزاد	۵۰۰۰
۶۱۹۳		
سلیم		
۱۱۱۱		
۵۰۰۰		
حمید		
۳۱۲۵		
۵۱۲۵		
سلطان نیور		
۱۰۰۰۱		
سلطان نیور		
۱۰۰۰۲		
حمید شرف		
۱۰۰۰۰		
معلم خراچی		
۱۰۰۰		
پیشکام الف		
۲۰۱۱۱		

گزارشی از جنبش کارگری

بقیه از صفحه ۴

ولی درگوشی به دوستان مطمئن شان - تبریک میگفتند. مدیریت این کارخانه پس از تغییر تغییر نیوی نکرد. انجمن اسلامی فعالیت خود را چندبرابر نکرد و به تعداد جاسوسها پیش افزود. جوکلی کارخانه روبه بهبود است و دیگر از آن سکوت شدید بعد از تغییر خبری نیست.

دن با کستر:

بعد از ۷۷ تبریک دستگیری دونفر از کارگران از طرف سپاه صادر شد ولی آن - دونفر قبلی از اینکه حکم اجرا شود دیگر به کارخانه نمی آمدند. در این کارخانه هم، بعد از ۷۷ تبریک جوخه فغان و سکوت حاکم شد ولی از آنجا که انجمن اسلامی این کارخانه را لبرالها تشکیل داده اند و کلاً نسبت به کارخانه های دیگر حزبی ها و جاسوسها کم هستند، این خود رفته - های بعد تا حد و دزیا دی شکست و بخشها دو باره شروع شد. بعد از ۷۷ خردا دوجریان - اعدام رفیق سعید سلطانپور تعدادی از کارگران این کارخانه در حضور جمع گریه میکردند و هنوز جواختناتی بیرون از - کارخانه نتوانسته بود در آنها اثر بگذارد مدیریت شرکت مکتبی است و مدتهاست شروع به استفاده بسیجی ها و پارساها کرده است تا بلکه از این راه بتواند جو کارخانه را به سمت حمایت از حاکمیت و احدا قتل، سکوت بکشانند. مدیر مکتبی بسا رفرمهای (دا دن صبحانه، آسفالت جلوی در) که اخیراً "انجام میدهند میخواهد حمایت کارگران را جلب نماید. بسیجی ها و پارساها بی که جدیداً "استخدام شده - اند عملاً در کارخانه نقش انجمن اسلامی را ایفا میکنند اخیراً "نیز به فکر تشکیل انجمن اسلامی و شورای اسلامی افتاده - اند و در راه راه نیز قدمهایی بر - داشته اند. این اشخاص برای کارگران کا ملاشناخته شده و در بین آنها شدیداً منفورند. اکثر کارگران میگویند آنها بسیجی هستند و برای جاسوسی آمده اند. در حضور آنها هیچ صحبتی نمی کنند.

اسکوپ:

انفجار دفتر مرکزی حزب، افست مبارزات صنفی کارگران این کارخانه را به همراه داشت. در اوایل این دوران اعتراضی صورت نگرفت ولی بحثهای سیاسی در جمع های مطمئن صورت میگرفت نظیر صحبت در مورد حرکات جاسوسها، دروغ بودن وصیت نامه سعادت، اعدا او و خبرهای رادیو مجاهد، که با حضور انجمن ها متوقف میشد. کارگران از انجمن دوری میکنند و آنان را جاسوس میدانند. با گذشت چند هفته ای از تبریک، اعتراضات صنفی نیز شروع شد از جمله اعتراضات پراکنده بر سر اضافه شدن ساعات کار، تهدید به اعتصاب بعلمت - ندادن کامل پول اضافه کاری، اعتراض به عدم پرداخت پول ناها در ماه رمضان و غیره... انجمن در این دوران قدرت بیشتر گرفته و سعی دارد که شورا فرمایشی را تشکیل دهد و اقدام به اخراج کارگر نموده است. تولید به او خود رسیده و داروها تا دوبرابر برگرا نتر شده است.

سندیکاها:

صوف خیاط، کفاش، قناد، فلزکار و چاپ و غیره... در حال حاضر سندیکا دارند. در پیورشی که اخیراً "به سندیکا های خیاط کفاش، قناد، و با فتنه صورت گرفت ۲۲ نفر دستگیر و سایل سندیکا ها غارت شده است. در این رابطه انجمن همبستگی با تهیه طوماری به امضای ۴۰ سندیکا، - اعتراض نموده است. فردای آنروز در - روزنامه صبح زادگان مقاله ای تحت عنوان کودتای خزنده سندیکا ها نوشته شده و پس از آن اعتبار نامه تمام مسئولین سندیکا ها لغو میگردد، همچنین اعلام می شود که سندیکا تنها در صورتی قانونیت دارد که نصف بعلاوه یک افراد آن صنف را شامل شود. مثلاً اگر با فتنه ۲۰ هزار - کارگر در ردها بدیش از ۱۰ هزار کارگر عضو سندیکا باشند تا رسمیت یابد. انجمن های اسلامی در بین صوف پایگا هی ندارد و اخیراً "یکی از اعضای انجمن صنف خیاط ترور شده است. مسائل اصلی کارگران صنف، بیکاری، گران و کمبود مواد اولیه است و از آنجا که در اکثر صنف (غیر از چاپ) فاصله طبقاتی چندانی بین کارگر و کارفرما وجود ندارد، بیشتر دولت را - مسبب بدبختیهایشان میدانند.

گزارشی از راهپیمائی

بقیه از صفحه ۲۱

شرکت کنند، هیچ خبری نبود. توده ها بسیار عادی و بی تفاوت به راهپیمائی برخورد میکردند و حتی اغلب آنها به تمشیر می پرداختند. با لایحه وقتیکه راهپیمایان به مسجد رسیدند دلیل قلت افراد از اذامه راهپیمائی صنف نظر شده و با شعار "مرگ بر منافق، مرگ بر صدام میزید" راهپیمائی خاتمه یافت.

کیم B (شهرک هجرت) - معلمان دبستان این شهرک اجباراً "دانش آموزان را به صف کرده، خود جلوی دانش آموزان را به دنبال خود در خیابانهای شهرک بر راه انداختند. حدود نیمی از دانش آموزان - در راهپیمائی شرکت نکردند و قسیمی که راهپیمایان از در مدرسه خارج شدند به

تدریج دانش آموزان بعنوان مختلف از صوف راهپیمایان جدا شده به خانه های خود می رفتند. توده ها بطور عادی زندگی - روزمره خود را میگذرانند و هیچ توجهی به راهپیمائی نداشتند. در این راه - پیمائی نیز خبری از پدر و مادرها و اساساً بزرگترها نبود و راهپیمائی اجباراً "بعد از گذشتن از چند خیابان خاتمه یافت.

گزارشی از زندان

عکس العمل این بود که بگویند خاتمه آنها بروید! این حادثه خیلی مؤثر بود همه میگفتند، تقصیر خودمان است، مظلوم میا شیم، مظلوم میرویم این سزنوشت همه ما است. باید کاری کرد، همیشه ساکت بود، از این به بعد اینجا هر روز شنیدیم می کنیم، اگر متحد یا شیم اینها از ما می ترسند.

نامه خمینی به مجلس: انگلس تضادهای درون حاکمیت

بقیه از صفحه ۱

همین بنا بر این پیام دست مجلس و دولت در تصویب و اجرای قوانین و لوایح پیشنهادی نظیر سلب مالکیت از اراضی شهری (ما زاد برون ۱۰۰۰ متر مربع) اجرای اصلاحات ارضی (بویژه بند "ج" و ... با ز میگذارد بدون آن که شخصی آیت الله خمینی را مستقیماً در معرض مقابله طرفداران مالکیت بدون حد و حصر قرار دهد.

پیام خمینی در عین حال بطور ضمنی از استیزهایی پرده برمی دارد که بر سر حرمت و حدود مالکیت خصوصی شما به دارا نه میان نیروهای درون حاکمیت در گرفته است. مدتی پیش شورای نگهبان قانون اساسی بخشی از لایحه قانونی لغو مالکیت موات (راضی شهری ما زاد برون ۱۰۰۰ متر) را مغایر با "شرع اسلام" - شناخت و آن را وتو کرد و فرستاد، - رئیس مجلس در اعتراض به حکم شورای نگهبان گفت ما نیز از فقه و اصول بسا خبریم، منتهی این لویا چه لحاظ رعایت مال حکومت اسلامی تدوین میشود.

همچنین با توجه به موضوع کسری مخالفت امیر مزاج شیعه و سابقه مخالفت شورای نگهبان با تعدد و سابقه مخالفت موات، روشن بود که لایحه ارضی نیز بسا مخالفت بخش عظیمی از روحانیت بزرگ، شورای نگهبان و سایر نیروهای طرفدار ابقای مالکیت بزرگ ارضی و یا صنعتی، روبرو خواهد شد، بویژه این که مدتی پیش ائمتن از نمایندگان مجلس طی نامه ای به خمینی، خواستار رفع موانع اجرای مصوبه شورای انقلاب در مورد مسئله ارضی شدند. لیکن آیت الله خمینی در این باره پاسخی نداد و بیه طور کلی معمولاً ترجیح داده است در مورد مالکیت اعم از ارضی و صنعتی، اظهار نظری ننکند. مگر در باره ای از موازید که مستقیماً "زیر فشار" میآید زده شده قرار داشته. فی المثل، شمارهایی که توسط ایادی مستقیم و غیر مستقیم حکومت بزرگ دیوارها نوشته میشود، حاصل این فشارهاست: "دست های پینه بسته دهقانان سند مالکیت آنهاست"، "ما نه طرفدار سرما به داران هستیم و نه طرفدار رفوئوالها"، "من خودم از ظلم خوانین و فئودالها خبردارم". لیکن در مجموع چه در مورد نامه شما، یندگان "مجلس در زمینه اجرای بندج و چه در مورد شعارهای مذکور، می توان گفت که آنچه موجب طرح این سخنان شده، بیشتر مملحت حفظ قدرت و سرکوب مبارزات توده ها بوده، تا دفاع از منافع توده ها و پاسخکوئی به نیازهای آنها.

از اینرو میآید آیت الله خمینی در تنگنای میان رعایت مالکیت خصوصی شما به داران و مالکان، مصالح اصولی "اسلام" رعایت نظر سایر مزاج جمع تقلیدیکه بعضاً "به مراحت و به کرات" مخالفت خود را با تعدد مالکیت ابراز

کرده اند، و همچنین رعایت مصالح مربوط به حفظ قدرت و فرونشاندن مبارزه توده ها، با زیرکی و بیژهای مسئولیت کارهای را تعدد مالکیت را به عهده مجلس می نهد، آنهم با اگر اهی که از سراپا نامه میبارد.

پس از وتوی شورای نگهبان نسبت به لایحه ارضی موات و شکوه فرستادنی از این اقدام نزد خمینی و اظهار این که برای رعایت مصالح اجتماعی "به تدوین و تصویب چنین لویا یی اقدام میکنیم، وی نامه ای به خمینی نوشت و طی آن رای خمینی را در باره "احکام ثانویه" ای که با بد به طور "موقت" اجرا شود، جو یا شده بود. لیکن پاسخی استنما چدر خود - نامه نهفته بود، زیرا فرستادنی، متذکر میشد که این لویا بجز برای "حفظ مصالح" یا "دفع مفاسد" است که "وجود دارد".

کاربرد اصطلاح "احکام ثانویه" - اسلامی، چه در این نامه و چه در باره سخمی دقیقاً "دال" بر این است که در واقع، اصل و بنای "اولیه" اسلام بر این است که مالکیت خصوصی، چه به صورت سرما به - داری صنعتی - کشاورزی و چه به صورت فئودالی، محترم و معزز باشد، ولی اگر "ولیا مر" صلاح دانست (فی الواقع یعنی شرایط مبارزه طبقاتی و جدال قدرت چنین اقتضا کرد)، میتوان قسمتی از اموالی را که موجب "فساد" میشود از ما حیان آنها گرفت و به حیطة اختیار - مالکیت عمومی یا سایر افراد درآورد.

لیکن این رویه تمامی حکومتها و شما می "اولیای مور" است که هرگاه مبارزه نیروهای مردمی برای رسیدن به حقوق خود یا حفظ حقوقی که در اثر مبارزات پیشین بدست آورده اند، شدت یافت و این مبارزه، ارکان قدرت را به لرزه افکند، "ولیا مر" میکوشد تا حد ممکن در برابر مردم یا بستد و سرکوبشان کند تا از "مقرر" و "اولیه" تجاوز نشود. اما اگر توده ها عملاً این حدود را زیر پا گذاشتند (فی المثل در مورد اراضی مشمول بندج و حتی بندج دال و بیضا) مقاومت بیش از اندازه "اولیای مور" در برابر اجرای اصلاحات، موجب تضعیف مباتی قدرت میشود و علاوه بر این اگر در مواردی احساس میشود که اجرای این گونه فرمها، بویژه از بالا، علاوه بر مزایای دیگر، موجب پیدایش توهم نسبت به مردمی بودن حکومت میشود و از شکل مبارزه جو یا نه وریشه ای شدن مبارزات و پیدایش اختلاف های طبقاتی نیرومند مخالف با قدرت حاکم جلوگیری میکند، آنگاه برداختن به اصلاحات ضرورت می یابد.

از اینروست که در شرایط کنونی آیت الله خمینی در پاسخیه رئیس مجلس میگوید که "بازی حفظ نظام جمهوری - اسلامی"، و به تصویب اکثریت مجلس و به

طور موقت و تا موقع رفع "فساد" (یعنی مبارزه توده ها و طبقات خلق) و تاهنگامی که موضوع "فساد" به قوت خود باقی است، میتوان به تصویب و اجرای "احکام ثانویه" پرداخت. در ضمن خمینی تاکید میکند، متجا وزین از "حدود مقرر" تنبیه خواهند شد. این نکته، و اشاره به موقتی بودن این گونه احکام و مسئله "فساد" و حفظ نظام "جای تودیدی نسبت به ما هیت این به باقی نمی گذارد.

لحن پیچیده و "فنی" فرستادنی و "فرمان" خمینی که از آن به "تفویض اختیار" و ولایت فقیه به مجلس تعبیر شده است، در واقع نشان میدهد که مخاطب اساسی این نامه، برخلاف معمول سخنان ساده و عوام مفریبانه آیت الله خمینی توده های مردم نیستند، بلکه روحانیت و فقهایی مخالف با ترک اصول اولیه اسلامی هستند. همچنین تا کنه و بر این که متجا وزین از "حدود مقرر" این گونه قوانین تحت تعقیب قرار گیرند، ناظر بر شکایات "صلاکان و بسنزرک" روحانیت، از نحوه اجرای مصوبات شورای انقلاب در مسئله ارضی است. کما اینکه خود فرستادنی نیز طی "فصاحنه ای بدنیال" این "فرمان" قاش کرد که در اجرای مصوبات شورای انقلاب در تقسیم اراضی (کشاورزی) با ... اراضی شهری ... اما از این وضع نگران و نا را حت بودند که به نام قانون تجاوزاتی شده و میشود و "مجربان گاهسی (به شیوه) افراطی با مصوبات برخورد میکنند.

در هر حال لحن پیچیده و شیوه رندانه پاسخکوئی خمینی و مضمون اساسی بلاه روشن می کند که وی نیز بسا طناً "راضی به ترک قوانین اولیه" اسلامی، یعنی متجا وز به مالکیت خصوصی نیست، بلکه نگران متجا وز به آن است. و به دیگر روحانیت نیز پاسخی میدهد که وی نیز هما ننندایشان می نندیشد، منتظر رعایت مصالح "ضرورتها"، به زبان ساده تر حفظ قدرت اقتضا میکند که موقتا "در - برابر مواج مبارزات حق طلبانه مردم عقب نشینی شود.

لیکن آنچه زهنه جو یا ترست، - انتخاب زمان آن پرسش و این پاسخ است. چا معه ما در زمانی به سر میبرد که ارکان قدرت بر اثر مبارزه نیروهای سیاسی بلرزه افتاده و توده ها به سرعتی باور نکردنی از حکومت روی گردان شده - اند. نگرانی بحق حکومت این است که در اثر تعلل در اجرای اصلاحات اقتصادی بیبوند ضروری میان نیروهای سیاسی و توده ها تحقق پذیرد و قدرت حاکم را - بیش از پیش به محاطره افکند. در چنین شرایطی است که با بد با رعایت آکید "حدود مقرر" بطور موقتی به اجرای اصلاحات پرداخت. این است شر عقب نشینی ناگزیر خمینی!

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدانیست

مردم چه میگویند؟ مردم چه میخواهند؟

با سدا ری میگفت: مردم به ندرت به ما خبر میدهند، ما بیشتر در انقلابی ها را از روی عکس یا تعقیب دستگیر میکنیم. اصلاً مردم از این ربه آن روشده اند، هیچ همکاری نمی کنند، به همین جهت ما شبها موفق تر از روزها هستیم زیرا روزها آنها بسرعت فرار میکنند و در میان مردم را مان می دهند، اما شبها چون خلوت است و همه توخا نه هستند آنها زود شناخته میشوند.

۶۰/۵/۲۲
تا کسی بطرف تخت طاووس که پیچید یک پیکان که پرا زپا سدا ری بود در خلا ف جهت حرکت ما شیشه سعی میکرد راه خود را با زکند، دونفر با سدا رکلت ها ایشان را از شیشه ما شین بیرون آورده بودند. خانمی که جا در گلداری بسردا شت بسا تمسخر گفت: "همیشه اینها دیر میرسنند، امروز در بیما رستان دونفر را دیدم که ۳ بهشتان بود و دا شتند از در بیما رستان بیرون میرفتند، خیال کردم برای برین کسی آمده اند، نگو که دونفر با سدا را هما نوقت خلع سلاح کرده بودند و دا شتند میرفتند بیرون، وقتی با سدا رها رسیدند، نیم ساعت گذشته بود مرد جوان کا رگری با تحسین گفت: "خانم اینها چریکند" و با هیجان ادا مه داد: "یکی از قوم خویش های ما چریک های رادیده بوده که هنگام حمله به مرکز سپاه پاسداران، اسلحه ها را از ما شین بیرون آوردند و آنچنان سریع دور زدند که فقط دوتا چرخ ما شین روزمین بود" من گفتم: "مثل اینکه با آر-پی-جی حمله کرده اند" و کا رگری دست زد روی زانو ها پیش و گفت: "لامصب ها طرز کا ربا اسلحه را بلدند، آر-پی-جی دیوار - سیمانی را سوراخ میکنند، تا زه با ید و و نفر با آن کا رکنند، حقا "که چریکند" را ننده تا کسی که تا حالا کتی بود فقط گوش میداد با حالتی که حاکی از اعتراض عمیق بود گفت: "موضوع اینها که اینا بیان دارند، هدف دارند، میگویند اگر کشته هم شویم اهمیتی ندارد اینها که همیشه پیروز میشن" خانمی که با ب صحبت را گوشه بود گفت: "بله با چه شجاعتی چشم تو چشم حمله میکنند، خدا نیکو شون داره" من گفتم: "خوب بلدن چون زمان شاه هم همین کار را میکردند" مزدکا رگرا نگار که دارد - گذشته های دور را در ذهنش میکا و دگفت: "بله خانم موقعی که این پاسا رها در زمان شاه توخا نه ها یشان بودند، دست اینها این چریکها نارنجک بود" و همان خانم با تا سف گفت: "حیف، حیف که هوش ۷۰ - نفر شون را اعدام میکنند" سکوتی

عمیق تا کسی را فرا گرفت، را ننده با خشمش را تگان میدا دوکا رگرجوان - زیر لب با خودش حرف میزد

۶۰/۴/۱۸
در یکی از محلات جنوب شهر جمعیت: زیاد ی سرکوجه جمع شده بودند و چندین ما شین کمیته در کوجه پارک شده بود از یک خانم که با دمپا شی ایستاده بود و زنییل خرید دستش بود جزیا ن را پرسیدم گفت: "خانم تیمی گرفته ندیرسیدم چطوری - اینجا را پیدا کردند، خانم در حالی که مدام زلایلی جمعیت سرک میکشید گفت: "مثل اینکه یکیشون را که در نظر هرات کوکتل انداخته بوده تعقیب کرده اند، در همین موقع ولوله ای در جمعیت افتاد پرس ۱۳ - ۱۴ ساله ای که کفش کتانی رنگ و رو رفتنهای داشت با خوشحالی گفت: - "ا که هی با ش تیر خورد بود ولی با زهم فرار کرد". از وسط جمعیت جلورفتم و پرس وجو کردم، بپر مردی که شکمش را جلو داده بود با قیافه تا را حتی گفت: "یکی از من تا فقین فرار کرد، اگر مردم جمع شوند و شلوغ نکنند هیچکس نمی تونه فرار کنه" یک کا رگرجوان گفت: "حالا چرا جلومسی روند و فقط قدم میزنند" همان خانم با خنده گفت: "میترسند مگر نمی بینی - صورتشون مثل گوسفید شده" با سدا رها - مردم را هل میدادند و یک ریز فحش می دادند و پشت سر هم تیر اندازی هوایی میکردند ولی مردم حتی با تیر اندازی هم پرا کنده نمی شوند پرس جوانی که اعتراض کرد فوراً توسط پاسا رها دستگیر شد. همان جوان کا رگری گفت: "اینکه چیزی نگفت چرا گرفتندش بپر مردنگاه چه چی به او کرد و گفت چرا چیزی نگفت، آنها نقشه دارند میخا سندا شلوغکا رروا - بیندا زند" کا رگرجوان با خشم به او نگاه کرد و ساکت شد. مرد مسنی خطاب به کا رگری جوان گفت: "پدر سوخته ها شاه را هم روسفید کردند حتی حرف و اعتراض هم با گلوله مواحه میشود حقا" که جواب سیلی، با سیلی است مجا هدها حرف دادند که با هاشون مسلحان می جنگند من هم اگر اسلحه داشتم همین کار را میکردم" و بعد دوتایی شروع به پیچ کردند، صدای تیر اندازی بعد از مدتی قطع شد. خانها انقلابیون سوراخ سوراخ شده بود، دونفر فرار کرده بودند و مردم فرار آنها را با آب و تاب برای هم تعریف میکردند.

۶۰/۶/۲۱
به خانه پدر ما در یک مجا هده خلق حمله کردند و از پدر محل اختفای پرس ۱۸ ساله اش را میبر سیدند، پدر چیزی نگفت و مزدوران رژیم او را به کمیته زندان - اوین بردند، علیرغم شکنجه های بسیار پدر هرمان کوچکترین همکاری بسا جلا دان نمیکند. پس از چند روز که همسر و فرزند کوچکش به دیدارش میروند خبرس تیر باران او را میدهند، با حالی محلیس از شنیدن خبر سراپا کینه و نفرت به رژیم هریک میکوشیدند تا مگر کمیکی بهایسن خانوادها بکنند. آنها جلسه ای تشکیل دادند و تصمیم گرفتند برای حداقل کمک

ممکن هر روز یک نفر ما یحتا چا نواده شهید را تهیه کند، یکی از این افراد در وصف گوشت به دوستش میگفت: "احساس میکنم مثل روزهای قیام شده، از اینکه توصف می ایستم تا برای این خانوادها گوشت بگیرم خوشحالم فکر میکنم با لاخره از دست ما هم کاری برمیاد". و دوستش که زندگی فقیرانه ای دارد میگفت: "ما مدتها ست که توصف می ایستیم دوزن حزب الهی فا لانزدر محله هستند، برای اینکه آنها افراد را شناسایی نکنند اسمهای مستعار برای خود مان گذاشته ایم و با این اسمها همدیگر را صدا میکنیم مثلاً "خانم آبا دانی کرمانشاهی و غیره همون هها ون یکی دو نفر را می شناسیم موقعیکه وارد صف میشوند حرفهای خودمون را قطع میکنیم".

۶۰/۵/۲۲
سه نفر مجا هده زخمی را به بیما رستان آورده بودند با سدا را ن از ترس تمام - بیما رستان را محاصره کرده بودند و تلفن ها را هم قطع نموده بودند، به هیچکس اجازه ورود و خروج داده نمیشد. با ورود این سه مجا هده حال و هوای بیما رستان بکلی عوض شده بود، پرستاران و دکترها همگی برای مداوای آنها بسیج شده بودند و مرتباً "دور ویرانها بودند، مریضهایی که قادر به حرکت بودند مدام و مبه دیدن انقلابیون میا مدند. چند نفر شان اشک می ریختند و از روجه عالی آنها تعریف میکردند. همه به پاسداران چپ چپ نگاه میکردند. اطراف تخت یکی از پاسا رهای زخمی جزیک دکتر و پرستار رکی نبود. در موقع عمل پاسداران هم قصد ورود به اتفاق عمل را داشتند که با مخالفت شدید پزشکان مواجه شدند. در نهایت هم وقتی برای گرفتن لباس آمدند پرستاران آنها را دست بسر کردند، یکی از مجاهدین که پرس ۲۰ - ۱۸ ساله ای بود لبخند میزد و با بالا آوردن مشت گره کرده اش میگفت: "تا راحت نیاشید مهم نیست که من نمی توانم فرار کنم مهم این است که ما در شما تا شیرات را گذاشته ایم که حتی خا ضرید بخا طر ما خودتان را با خطر بیندا زیسند خوشحالم، خیلی هم خوشحالم" و مستخدم با حالتی خشمگین گفت: "هریک نفر را که بکشند، هر یک نفر را که دستگیر کنند تعداد شون روز به روز زیادتر میشه، با لاخره - نوبت ما هم میرسه همیشه همین طور نمی مونه" و خم شد که پیشانی جوان را ببوسد.

۶۰/۵/۲۲
ساعت ۳/۵ بعد از ظهر بود، سه نفر از مبارزین مسلح به کلت، توسط ۱۲۰ الی ۲۵ پاسا رها تعقیب میشوند. پاسداران شروع به تیر اندازی کرده آنها را محاصره کردند ناگهان محله شلوغ شد. عده ای از زننها دائماً فریاد میزدند "با ما مریض داریم اینقدر تیر اندازی نکنید" عده ای دیگر به پاسداران نگاه میکردند آنها را مسخره میکردند و میخندیدند. پاسداران علیرغم تعداد دگنیشرا ن جلومنی رفتند و حتی بهند تا درجوی آب سنگر گرفته بودند. مردم با بی باکی هر لحظه حلقه تجمع شان را تنگتر میکردند و به مجا هدهین امکان فرار می بقیه در صفحه ۱۶

استقلال - کار - مسکن - آزادی



تقلیدی ناشیانه از سرکرده‌های ساواک

بحثی پیرامون شوهای تلوزیونی (قسمت دوم)

گفتیم که چگونه آنان که در جنگال در خصم روی از خلق برمیکردند و سوبه ورطه خیانت مینفطنند در شوهای فرما بیسی رژیم به تبلیغ محورهای نظری کثرتی - های "نادم" و "توده‌های" خاشن میپردازند چون در کارشما ۲۶ امورت اجالی چند مورد از این تبلیغات بوج زجمله - با ستگا ه طبقه‌ای با ساران ویا "مقابله" رژیم با فپودا لها و سرما به داران او... را بررسی کردیم، این مقاله را به بررسی عمده ترین محور نظری که در شرا یط کنونی شدت از سوی رژیم و تما می بلندگوهای تبلیغاتی اش و همچنین نوکران سرسپرده - اشمینی اپورتونویستها تبلیغ میگردد اختصا ص میدهیم، اینان مدعینده که نیرو - های انقلابی "امریکائی" اند، سرسپرده امپریالیسم اند، و در جهت اهداف آن میکوشند، اینان تبلیغ میکنند که نیرو - های مبارزی چون فدائیان و مجاهدین و دیگر انقلابیون دست در دست سلطنت طلبان و آمریکا و دیگر امپریالیستها دارند، اینان قصد دارند به توده ها بقبولانند که ترور سران رژیم، مبارزه با نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی و هر گونه تقابل با رژیم جمهوری اسلامی در - جهت امپریالیسم است. و برای این سخنان خود نیز دلایل ساده ای ارائه میدهند (و شاید بتوان گفت از فرط سادگی ابلهان) ، این مزدوران میکوشند چون امپریالیسم خواهان سرنگونی - جمهوری اسلامی است و قصد دارند این عمل را به هزینه نه به هر طریق (از جمله جنگ عراق، محاصره اقتصاد، سازماندهی نیرو - های سلطنت طلب و...) به پیش برد پس هر گونه حرکتی در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی (که نیروهای انقلابی آنرا هدف خود قرار داده اند) سرسپردگی به امپریالیسم و خدمت به منافقان است، ما در اینجا به بررسی این نظریه ارتجاعی میپردازیم. لازم به تذکر است که در تمامی تبلیغات مزدوران بی جیره و مواجب رژیم و در تمامی بوق و کرنا های رادیو و تلوزیونی و روزنامه های دست نشاند رژیم محور همین مساله است و تنها رنگ و لعاب و پیرایه های آن تغییر میابد، ما تنها سعی کردیم جوهر و ریشه این تبلیغات عوام فریبانه را عریان کنیم و به بررسی آن بپردازیم.

- تضا د امپریالیسم با رژیم جمهوری اسلامی چیست؟ امپریالیسم همواره در جوامع وابسته خواسته های معینی را - دنبال میکند و در همین رابطه رژیمهای مطلوب امپریالیسم در این جوامع دارای ویژگیهای خاصی اند. هرگاه به شکل خلاصه بخوایم مقاصد امپریالیسم را بیسان کنیم میتوان گفت:

الف: امپریالیسم در زمینه اقتصاد می خواهد آن غارت بی مان خلقهای کشور - های وابسته و استعمار وحشیا نه کارگران این کشورهاست. عمده ترین مساله در این رابطه گردش منظم سرما به و تا مین امنیت مالکیت خصوصی و سرما به داری در کشورهای وابسته است. بدوشن تر - بگویم، رژیم جمهوری اسلامی با وجود تمامی زستهای ضد امپریالیستی اش در مورد - منافع اولیه تنها سیاستهای رژیم ضد خلقی شاه را تداوم بخشید (میتوان به سیاستهای نفتی رژیم مراجعه نمود) ، در مورد خرید از امپریالیسم نیز به همین صورت رژیم خریدهای کلان تسلیحاتی را از سر گرفت (به مجردیکه توانست ذهنیت توده ها را آماده سازد) و ورود کارلای - امپریالیستی را آنچنان شدت بخشید که بی سابقه بوده است هر چند در نوع کارلای تغییراتی حاصل شد اما بهیچروی سن تغییرات کیفی نبوده است و تماما "در محدود کارلای مصرفی و بعضا "صنایع مونتاژ و در میزند". اما در مورد چرخش سرما به داری امپریالیستی رژیم نتوانست این مساله را معده کند. ریشه های اقتصاد رژیم و در سطح مبارزه - طبقاتی جستجو نمود.

رژیم جمهوری اسلامی در کل نما بنده منافع بورژوازی متوسط (غیرا نجاری) ایران است. و پس از برکناری لیبرالها میتوان گفت وجه حمایت از منافع بورژوازی تجاری نقش کارلای "تعمین کننده ای به خود گرفته است. چنین سیاست اقتصادی با ساخت امپریالیستی و شرا یط کنونی سرما به داری جهانی خوانایی ندارد. (کامی به عقب است) رژیم نه تنها خواهان خرید کردن سرما به داری و شکستن انحصارات و سپردن عتوان اقتصاد دست بورژوازی متوسط است. و از اینرو در تضا د با اقتصاد متمرکز و انحصاری امپریالیستی قرار میگیرد بلکه در شرا یطی که وجه غالب سیاست اقتصادی امپریالیسم را صدور سرما به تشکیل میدهد (و این مساله برای امپریالیسم حیاتی است) رژیم در صدد اتخاذ سیاستی است که محور آنرا صدور کارلای امپریالیستی میسازد. از سوی دیگر رژیم قادر نیست امنیت لازم برای سرما به گذاری را تامین کند، قادر نیست مالکیت خصوصی را از کنترل توده ها مصون بدارد و از اینرو نه تنها در عرصه داخلی سرما به داران جرات سرما به گذاری نمی یابند و در نتیجه چرخ اقتصاد وابسته لنگ میزند بلکه انحصارات نیز زمینه مساعد برای اختصا ص اعتبارات و سرما به گذاری در زمینه های صنعتی و

در از مدت را بدست نمی آورند و از اینرو با رژیم جمهوری اسلامی در تضا د قرار میگیرد. با بددقت کردتاما می این مسائل نه بدلیل "ضد امپریالیست" بودن رژیم، نه بدلیل "خلقی" بودن آن بلکه بدلیل ماهیت طبقاتی و ناتوانی تاریخی این قشرا ز بورژوازی است که در حاکمیت قرار گرفته است. با بهتر است بگوئیم - همانگونه که تما می شواهد و قرا شن نشان میدهد - رژیم میخواهد چرخ اقتصاد وابسته را بگردش در آورد، رژیم میخواهد امنیت سرما به را تضمین کند اما نمیتواند. ب: امپریالیسم در زمینه سیاسی خواهان رژیمی است که بتواند با اقتدار کامل جلوی رشد مبارزه طبقاتی را سد نماید، جلوی رشد نیروهای انقلابی و توده گیر شدن نظریات آنان را بگیرد، مبارزات خلقها و کارگران را بخوبی سرکوب کند و گورستانی آرام، جزیره ای امن جهت بقای سرما به داری فراهم آورد. رژیم جمهوری اسلامی در این زمینه نیز "سی لیا قتی" خود را نشان داده است. رژیم جمهوری اسلامی نشان داده است که قادر نیست خود را تثبیت کند، قادر نیست مبارزات رشدیابنده توده ها را سد کند، قادر نیست جلوی نیروهای انقلابی را بگیرد، رژیم نشان داده است که قادر نیست بر بحران سیاسی فائق آید و آنرا بسود خود که همانا سود سرما به داری و امپریالیسم است حل کند.

هر چند رژیم اینک تیغ بدست گرفته است و انقلابیون و توده های خلق را از دم تیغ میگذرانند، هر چند رژیم که اینک به عت میکوشد تا شاید بتواند جلوی عتراضات و مبارزات خلق را بگیرد و این دقیقاً "خواست امپریالیسم و بنفع آن محسوب میشود اما امپریالیسم با تجارب جهانی متعدد و طولانی خود بهتر میدانند که این تلاشها، نمیتواند رژیم موجود را تثبیت کند. از اینروست که رژیم از نظریاتی نیز قادر نیست خواست - های امپریالیسم را تامین نماید. از اینروست که امپریالیسم با رژیم جمهوری اسلامی در تضا د است اما روشن است که این تضا د تنها در دست درون طبقه سرما به داران، تضا د است که ما هیتا " - آشنا گونیستی نیست، تضا د است که امپریالیسم با رژیمها (حتی سرسپرده ترین آنها) که نتوانند بدرستی منافعش را حفظ و حراست نمایند خواهد یافت.

آیا امپریالیسم خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است؟ در پاسخ این سؤال میتوان گفت آری و نه! امپریالیسم خواهان سرنگونی رژیم

بقیه در صفحه ۱۴

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

تقلیدی ناشیانه

ازشگردهای ساوال...

بقیه از صفحه ۱۳

جمهوری اسلامی است زیرا این رژیم، به دلائلی که ذکر شد رژیم مطلوب امپریالیسم نیست، اما این خواسته امپریالیسم در لحظه کنونی نیست، این ساله به چه معنی است؟ میتوات گفت امپریالیسم و بخصوص سرکرده امپریالیستها یعنی امریکا در شرایط کنونی در همان حال که با توجه به مجموع شرایط رژیم جمهوری - اسلامی منظور شیوه

به معنی منتظریمان و ببین است) را مطلوبترین رژیم لحظه کنونی میدانند (زیرا بنا به مجموع شرایط سیاسی هنوز قادر نیست رژیم مطلوبتری بر سر کار آورد) سیاست "میروانتظار" را پیشه کرده است و نیروهای ذخیره خود را به میدان نیاورده است.

امپریالیسم می بیند که هر چند رژیم جمهوری اسلامی در شرایط کنونی همه جانبه منافعه لحظه ای او را تا مینمیکند اما با سیاستهای فاشیستی و دیوانه وار خود در جهت سیاستهای امپریالیسم که مبر میدارد و زمینه های بسیار مسا عدی جهت تحقق منافعه امپریالیسم فراهم می آورد.

امپریالیسم می بیند که رژیم جمهوری - اسلامی: ۱- اساس و موجودیت نظام - سرما به داری وابسته را حفظ کرده است. ۲- جنگ با عراق را با "جان و دل" پیش میبرد و از نراه با زارتسلحاتی هر چه وسیعتر برای او فراهم می آورد. در - همین زمینه چشم انداز بازاری صباغ ایران و عراق نیز برای امپریالیستها وجود دارد. ۳- کشتار بی امان نیروهای انقلابی یعنی پیگیرترین و سرسخت ترین دشمنان امپریالیسم را به پیش میبرد و از این جهت کاری را که شاه نتوانست انجام دهد بر عهده گرفته است. امپریالیسم میداند که با کشته شدن هرفدائی و هر

مجاهد و هر نیروی انقلابی دیگرگامی به تسخیر کامل قدرت سیاسی در ایران نزدیک میشود و از اینرو صلاح می بیند در - شرایط کنونی علیرغم تضادهای خود با رژیم حاکم سیاست "میروانتظار" را پیشه کند تا رژیم جمهوری اسلامی این وظیفه خطیر را هر چه بیشتر ادا مدهد. ۴- با برقراری هر چه مورج، اعدام، خانه گردی، کشتار، سرکوب، دستگیری و سلب امنیت ارتوده - های زمینه های مسا عدی برای رشد ذهنیت امنیت طلبی (بهر قیمت) فراهم می آورد. ۵- ارتش ضد خلقی را بیش از پیش نزد توده ها تطهیر میکند و بر نقش سرکوبگر و حافظ منافع امپریالیسم آن پرده را ترمی فکند. ۶- در تمام این - گیر و دارها خود را مستحیل می سازد. در عین حال که سعی دارد امکان وجود یک آلترنا تینوا انقلابی را نیز از میان بر دارد. ۷- هر گونه شکل و هر گونه مبارزه انقلابی توده ها را با شدت سرکوب میکند. ۸- ... و بالاخره تمام این سیاستهای امپریالیسم با وجودیکه در آنها بتخواهان یک رژیم کاملاً "سر سپرده در ایران است در شرایط کنونی رژیم جمهوری اسلامی را ترجیح میدهد و در انتظار تغییر و تحولات آتی است.

آیا تنها امپریالیسم با رژیم جمهوری اسلامی به معنی فدا امپریالیست، مترقی و خلقی بودن رژیم است؟

در این مورد نتایجی نمی بینیم که به شرح این ساله بپردازیم که ما هیت هر رژیم و هر قدرت سیاسی را در وجه تعیین کننده سیاستهای آن رژیم در رابطه با توده ها و مبارزه طبقاتی تعیین میکند. بلکه بنظر می رسد که فیس از نمونه های بسیار متعدد تاریخی به ذکر چند مورد - بپردازیم. معروف ترین موارد تاریخی که در آنها رگلاسیک به آن بر می خوریم - حکومتهای بنیاد رتیبستی هستند، حکومت داروستانه دس امیر در فرانس که در عین ضد خلقی بودن، در عین سرکوب و کشتار - کارگران و در عین اینک در کل منافع بورژوازی را نمایندگی و حمایت میکند، بورژوازی خواهان سرنگونی آن بود، حکومت گرنسکی در روسیه که هر چند ضد خلقی و سرکوبگر مزارات توده ها بود، هر چند با امپریالیستها دست به یکدی

داشت و جنگ ارتجاعی امپریالیستی را تداوم می بخشد اما طرفداران تزار - خواهان سرنگونی اش بودند و به جنگ مسلحانه با او پرداختند. لازم به تذکر است که در تمام این موارد این حکومت های ضد خلقی در ظاهر هر شاعرهای کرکننده فدرما به داری نیز میدهند و حتی سرما به - داران را نیز سرکوب میکنند.

هرگاه جلوتر بیاییم به موارد دیگری بر میخوریم که نمونه بسیار قابل آن جنگ جهانی دوم است. کشورهای امپریالیستی که به متفقین معروف بودند همگی خواهان سرنگونی رژیم هیتلری در آلمان و رژیم موسولینی در ایتالیا و ... بودند (اما هیچکس جرات نکرد این ساله را دلیل بر خلقی بودن هیتلری یا موسولینی اعلام کند) در عین حال که در این اهداف با شوری نیز مشترک بوده و حتی متحدانی جنگیدند.

و آنکه که به وقایع پس از جنگ دوم جهانی می نگریم شاهدیم که در کشوری چون بولیوی بطور میا نگیس هر سال یکبار امپریالیسم کودتائی بر ضد حکومتها - مستقر در کشور انجام میدهد هر چند که این حکومتها خود سر سپرده امپریالیسمند. با می بینیم در ترکیه برای حکومتی کاملاً وابسته کودتائی نظا می صورت میگیرد، این موارد را در ازبکستان، یونان، - السالوادور، آرژانتین و ... نیز شاهدیم آیا این کودتای این ساله که امپریالیسم خواهان سرنگونی رژیمهای حاکم در این کشورها میگرداند دلیل بر خلقی و ضد امپریالیست بودن افرادی چون دمنیرل و حکومتها می چون حکومت های نظامی بولیوی است. مسلماً "خبر پس علت چیست؟ علت رشد مبارزه طبقاتی است.

رژیمها هر چند کاملاً "سر سپرده امپریالیستند اما آنجا که قادرند شاد بر رشد مبارزه طبقاتی و گسترش انقلاب مهارزند دیگرگامی را برای خود را برای امپریالیسم از دست میدهند (آنچنان که شاه از دست داد) و در اینجا است که امپریالیسم تغییر رژیم را تنها چاره میباید. این تغییر ممکن است به اشکال مختلف باشد، در صورت وجود قدرت کافی و زمینه لازم کودتای بهترین و مطلوب ترین تغییر را نظیر امپریالیسم است. اما در شرایط "نا مساعد" حتی به جایگزینی خمینی بجای شاه نیز رضایت میدهد. دنیا له دارن

آلمان (برلین غربی)

در روز مسافرت هیگ وزیر خارجه آمریکا به آلمان تظاهرات گسترده ای بر علیه سیاست های دولت آمریکا بویژه در زمینه بمب های هسته ای برگزار شد که منجر به زد و خورد های خونین بین تظاهرات کنندگان و پلیس گردید. در این تظاهرات ۶۰ هزار نفره، هواداران سازمان با آرم سازمان و شمارهای بر علیه آمریکا و رژیم جمهوری اسلامی شرکت داشتند.

- در روز ۲۱ شهریور برابر با ۱۲ سپتامبر سالروز کودتای نظامی در ترکیه، بنا به دعوت رفقای ترکیه در کشورهای فرانسه و آلمان (و با حضور تعداد زیادی کارگران ترک) تظاهرات گسترده ای بر علیه رژیم کودتا برگزار گردید، که رفقای هوادار - فعالان با آرم ها و شعارهای همبستگی

گزارشی از مبارزات دانشجویان انقلابی ایران در خارج از کشور

سوئد بقیه از صفحه ۲۴

بدنبال دستگیری رفقا (هواداران سازمان ما و سازمان پیکار) در سوئد، در روز - محاکمه شان (دوشنبه ۱۶ شهریور برابر با ۷ سپتامبر) چندین تظاهرات در مقابله سفارتخانه ها و کنسولگریهای سوئد در - برلین - فرانکفورت، پاریس و ... برگزار گردید. در این تظاهرات ضمن - محکوم کردن کشتارها و دستگیریهای رژیم جمهوری اسلامی، خواهان محکوم کردن این جنایات از طرف دولت سوئد و آزادی فوری دانشجویان ایرانی اسیر گشتیم. دوشنبه ۲۳ شهریور برابر با ۱۴ سپتامبر تمامی رفقای اسیر آزاد شدند.

فرانسه

* در روز شنبه ۱۹ سپتامبر (۲۸ شهریور) مجدداً "منا صرمزد و حزب جمهوری اسلامی با بسیجی جدید به همراه اکثریتیها کوراست و توده ای های خائن در "سپتیه بین المللی" به محل فعالیت دانشجویان انقلابی ایران حمله ور شدند. اینبار بخیا ل خام خود فکر می کردند که اگر با تیر و اسید حمله کنند میتوانند خللی در اراده دانشجویان مبارز در راه افشای جنایات رژیم بوجود آورند که با مقاومت دلیرانه دانشجویان مبارز که با دست خالی به مقابله برخاستند، عقب نشسته و با یورش پلیس بقیه در صفحه ۱۶

مبارزات خلفهای منطقه شرکت کردند. پیام سازمان به نیروهای انقلابی جهان به زبان ترکی در بین تظاهرات کنندگان پخش گردید.

انتخابات فرمایشی

بقیه از صفحه ۱

مشروعگزارشگران ما مستفاد میشود - و بالاخره علیرغم گزارشات خبرنگاران - خارجی که در ایران بوده اند و به مخایره گزارش آنها به سراسر جهان حاکم از آن بوده که جمعیت رای دهنده به مراتب کمتر از حتی دوره قبل بوده است، دولتیان با کمال وقاحت اعلام کردند که ۲۱۲۴۸۴۷ نفر بیشتر از دوره قبل رای داده اند! معلوم نیست این دو میلیون و اندی نفر کجا بودند که به رجا شی مکتبی که اینهمه برایش تبلیغ کردند رای دادند؟! اما این انتخابات با این وضع یک چیز را به مردم ثابت کرد و آن اینست که رژیم به تنهایی واقعیتها و قفلی نمیگذارد بلکه به فکر مردم و وقفاوت آنها در داخل و خارج هم کوچکترین اهمیتی نمیدهد - برای این مهم نیست که مردم چشم و گوش دارند و در باره حکومت چگونه قضاوت میکنند! برای رژیم مرغ یک پا دارد و آنهم همان چیزی است که بزرگ آیت الله آنها یا شخصی اول مملکت با بزرگ ارتشداران فرمانده بی تاج، سرکرده سقوه، ولی امر، نمایان اما زمان، ولی فقیه خمینی (یعنی این طلبه نا چیز!) فرموده! و آن اینکه آراء این دوره با پیداد دوره پیش بیشتر باشد! اینجاست که تمام دستگاها بحرکت در میآیند و از مدتها قبل از روزی که گیری در مساجد، کمیته ها، فرماندارها و بخشدارها و... - "تدارک" انتخابات دیده میشود! نوشتن آراء در تعرفه ها شروع میگردد و نتیجه آن که نیمه آراء هر صندوق رای قبل از آنکه رای دهنده ای را زیارت کند! بنام علی خامنه ای پرشدند. و با این "تدارکات" بود که هیئت نظار حوزه های رای گیری در حالیکه ز هنگام شروع رای گیری (ساعت ۷ صبح) تا مدتها مگس می پراندند در ساعت ۱۱ اعلام کردند حدود - ۱۰۰۰ (هزار) رای اخذ کرده اند! مختصر موزنا هم جمهوری اسلامی روز شنبه (۱۱ مهر) ماه گزارشی از بعضی حوزه ها تهیه کرده

که در آن چنین میخوانیم: "بگفته نماینده شورای نگهبان با حسن اجرای انتخابات در این حوزه (مسجد نوروزی) تا ساعت ۱۱ دیروز دست کم هزار نفر در انتخابات شرکت کرده و رای خود را در این صندوق ریخته اند... هم چنین در مسجد فیروز آبادی تا ساعت ۱۱ دیروز ۱۲۰۰ نفر در این مسجد که یکی از ۲۳ شعبه اخذ رای در شهر ری است رای خود را به صندوق ریخته اند....."

مسئولین رژیم توضیح نمیدهند که این معجزه چگونه صورت گرفته است؟! اگر قبول کنیم که در این حوزه ها از ساعت ۷ صبح مردم برای رای دادن صف کشیده بودند (لازم توضیح است که رژیم برای نمایش و تبلیغات و فیلمبرداری در بعضی حوزه ها مردم را بسیج کرده بود) و در تمام مدت رای دهنده وجود داشته است، مطابق عکسهای که خویش در روزنامه ها منتشر کرده اید، فردا تک تک رای میداده اند. برای هر رای دهنده حداقل دو دقیقه وقت لازم بوده که شنا شناسی را کنترل کنند، مشخصات او را تیک تیک تره فرمایند، رای دهنده اسم کا ندیدار را در تعرفه بنویسد و آنرا در صندوق بنیاد زده و سپس انگشش را رنگی کرده و شنا شناسی را مهر کنند. و با توجه با یک انتخابات میان دوره ای مجلس هم وجود داشته و این تشریفات در مورد آنها با وجود کمبودها بر این ظرف چه ساعت یک حوزه شلوغ میتوانسته مدت هر رای ساعت

حد اکثر ۱۲۰ = ۲ - ۲۴۰ = ۶۰ ساعت رای - اخذ کنند. حال چگونه توانسته بیش از - ۱۰۰۰ رای بگیرد و الله اعلم! جز آنکه قبول کنیم قبل از شروع رای گیری صندوق - های بیچاره آراء قلبی پرشده

با شند! از این گذشته همه فاکتورها شیکه در انتخابات قبلی گفته شد: یعنی ترس از رای ندادن (مهر خوردن شنا شناسی) و اجبار نظار میا (اعمال زارتی، شهربانی و پاسداران) با خانواده ها پیشان و کارمندان دولت، و بعضی کارگران صنایع دولتی بدادن رای همه و همه عوامی بوده که مردم را مجبور کرده به پای صندوقها برای بروند. با همه اینها همه دیدند که حوزه ها چقدر خلوت بوده است. اما با همه اینها اکنون یک سؤال مطرح است: اگر دولت با هشت انتخاباتی که در ظرف کمتر از سه

سال انجام داده در کار رای سازی غیور شده است! و میداند چگونه صندوقها را از رای پر کرده و هر آنکس را که می خواهد از صندوقهای مجزیه بیرون بیاورد سوال مردم اینست که این دولت بر مشکلات جامعه چگونه فائق می آید؟ و از همه مهمتر چگونه میتواند خواسته های مردم را تحقق بخشد؟ مردم می بینند هر روز صفهای ارزاق طول تر و طولی تر میشود. مردم مجبورند هر روز صاف غنای کثافتی و وقت خود را در صف گوشت، صاف مرغ، صاف نان، صاف تایید، صاف شیر، صاف روغن نباتی، صاف قند و شکر و صاف... بگذرانند و آنوقت تازه معلوم نیست پس از صاف غنای انتظار ربا لاخره چیزی گیرشان بیاید یا نه؟

بهر حال سوئین انتخابات ریاست جمهوری سپری شد و مردم بسیار بی تفاوت از آن گذشتند. اما با زاین سؤال و سئوالاتی نظیر آن در ذهن فرد فرد مردم مطرح است: این رئیس جمهور، این مجلس این هیئت دولت، این شورای نگهبان این شورای عالی قضائی، این شورای عالی دفاع و هیات لاخره این دستگاه عریض و طویل و لایحه حقیقه تا کنون برای مردم چه کرده است؟ با تعویض مهره ها چه تا شیری بر واقعیت موجود دارد؟ رژیم چگونه میخواهد بر بحران اقتصاد - اجتماعی غلبه کند؟ چگونه میخواهد بر نا بسامانی های ناشی از جنگ غلبه کند؟ چگونه میخواهد بر این صفهای طولی که هر روز طولی تر میشود فائق آید؟ و با لاخره با چه میخواهد شکم مردم را سیر کند؟ تنها جوابی که از این رژیم ضد خلقی آزادیکش، جنا بیگانه میتوان انتظار داشت (و کاش) کنون با شیبت رسانده (گلوله است!) - آری این رژیم تنها میتواند شکمها را با گلوله پر کند.

نکته سیاسی: در روز دهم مهرماه که روز انتخابات ریاست جمهوری بود کارگری از رفیقش پرسید، اگر گفتمی فرق امروز با روزهای دیگه چه؟ رفیقش بلافاصله گفت: روزهای دیگه سرکوجه و خیابان - صف طولی میدیدی که مردم برای گرفتن نون و گوشت و زهرها روا بسا دهبودن اما امروز از صف خبری نیست و همه جا خلوت! البته جیره خواران رژیم به حساب نیامده است.

گزارشی از زندان اوین

بقیه از صفحه ۲۴

صدای فریاد این ذوبعدی بلند و توام با خشم بود که دو پاسداری که درون گیش نشسته بودند بلافاصله در راسته و فرار کردند، ما در آن متوسط محوطه ایستاد، نمیدانست چه کند و یا به کدام طرف برود، دو قدم به راست می رفتم، دو قدم به چپ و دایم می گفتم "نه" این حرکات بقیه را فوق العاده متاثر کرده همه از زن و مرد شروع به گریه کردند، یک مادر پیر چادرش را کشید روی صورتش و شروع به دادن شعار و فریاد کرد و بقیه را تشویق به تظاهرات نمود و همه شروع کردند به داد و فریاد و انواع واقفان سازهای سیاسی و غیر سیاسی بودند که نشان خیمینی و پاسداران - میشد، مادرها رود روی پاسداران ایستاده و فحش میدادند یکی می گفت مرده شور همه - تا ن راهبر دادا زاون الاغ بزرگ گرفته

تا این الاغ کوچک، یکی از پاسدارها گفت تقصیر شماهاست که بچه های تان را خوب تربیت نمی کنید که در جواب بااران فحش و ناسزا بود که با رسیدن گرفته مادرها به پاسدارها می گفتند انشاء الله خبر مرگ شما ها را همینطور برای مادرانتان ببرند و خلاصه هر کس ناراضی بودی خود را نشان میداد و جوفوق العاده متشنج بود، عکس - العمل بعدی پاسداران فرار به درون محوطه لونا پارک بود با فرار پاسداران پدر بیشتر عصبانی شد آمد جلوی در لونا پارک ایستاد، فریاد زد مرگ بر خمینی، مرگ بر پاسدار و با یک حرکت برق آسای بلوز خود را از تنش در آورد، قد بلندش را راست کرد و محکم و استوار ایستاد و فریاد زد بیا شیدم راهم تیرباران کنید، مرگ بر خمینی بعد از پیروم نوبت من است، همراه تیرباران کنید، در فضا خشم و نفرت موج میزد هیچ پاسداری جرئت عکس العمل نداشت، صدای گریه و فریاد دیشتر شده

بود، همه هم دیگر را به تظاهرات دعوت می کردند، پاسداران توی محوطه لونا - پارک بودند و با وجود داشتن اسلحه جرئت بیرون آمدن را نداشتند، با لاخره یک وانت بزرگ پاسداران از زندان اوین سر رسید با آمدن آنها بقیه پاسدارها هم از لونا پارک بیرون آمدند و شروع به تیراندازی کردند مردم بر خلاف گذشته فرار نکردند ایستادند و فحش میدادند، بهشان میگفتند، ترسوها چرا در رفتید، جلادان با زور و تیراندازی موفق شدید که پدر را بگیرند ما در فریاد زد مرگ بر خمینی، همراه تیرباران کنید او را هم گرفتند و بردند ولی موفق به متفاسر کردن بقیه نشدند و مجبور شدند تا ساعت ۱۱/۵ بنشینند و جواب بقیه را بدهند ولی راس ساعت ۱۱/۵ (مثل هر روز) تعطیل کردند و گفتند خواهرا بروید فردا بیا شید یکی داد زد کثافت به ما نکو شید خواهر، ما عار داریم که خواهر شما باشیم که تنها - بقیه در صفحه ۱۰

یورش گسترده رژیم

به کردستان ...

بقیه از صفحه ۶

وجود جاشهای خودفروشی و شرکت دارو -
فاسه گروه ۲ نفری که هر یک بنا به دلائلی
تسلیم قدرت مرکزی شدند مشخص میکنند که
پیروزی جنبش دمکراتیک خلق کرد در -
گروهبیوندان انقلابی آن با جنبش فاسد
امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای
ایران است. این موضوع میتواند برای
ایزوله کردن اندیشه های ناسیونالیسم
تنگ نظر موشور و مفید واقع شود.

۲- درگیریهای اخیر نشان داده دشمن
علیرغم ضعف درونی و ضعف روحیه نظامی
و علیرغم اینکه کاملاً در سرا شیب سقوط
قرار گرفته است میتواند از نظر تاکتیکی
و موقعی پیروزیهایی بدست آورد. دشمن
غدار درصدد متشکل کردن و متحد کردن -
تمام نیروهای ضد انقلاب است. دشمن
تجربیات خود را جمع بندی میکند و شیوه
های جدیدی برای گزیندن، از این نیروهای
جنبش نیز با بدیهه مساله شکل و بسیج
نیروهای انقلاب به وحدت و اتحاد عمل
ضمن داشتن خط و رمزهای روشن نسبت
به هم، به اقدامات جدی دست زنند. با بد
اشتباهات را جمع بندی کرد و از تجربیات
گذشته سود جست. تاکتیکهای جدید و متکی
بر اصول علمی جنگ را آموخت و در عمل
پیاپی نموده و از اینجا درگیری درونی به
شکل نظامی با تمام توان دوری جست
در مورد نکته اخیر با بدیهه مساله را -
تا کید کنیم که احتراز از زد و خورد های -
نظامی درون خلقی به معنی نفی مبارزه
سیاسی و ایدئولوژیک درون جبهه انقلاب
نیست. تجربیات اخیر صحت نظرات -
سازمان ما را در مورد اثرات برخورد های
کومله و حزب دمکرات نشان داد.

۳- دشمن میکوشد تا با توسل به عوامل فیزی
و بزرگ جلوه دادن بعضی اشکالات از -
پیروزی تاکتیکی اخیرش سود جست و
مردم را نسبت به جنبش بی طرف نماید.
رژیم جمهوری اسلامی بخوبی میدانند که
نمیتوانند در خلق کردن نفوذ نمایند. از -
این رو به تلاش گسترده ای دست زده تا
اینکه مردم را مایوس و یا از جنبش دل سرد
نماید. بطور مثال از عدم کنترل قیمت ها
در بوکان سود جست است و در اولین روز
ها سعی میکند تبلیغات بسیار نسبت به
این موضوع بنماید و یا اینکه مردم را با
سوءخت، برنج و روغن تطمیع نماید. در
این مورد نکته ثانیا آن توجه است که
رژیم طی دو سال اشغال سندانچیا سفر
و یا نه نتوانسته است به این هدف دست
یا بدو مسلما "شورش و شوق مردم و ایثار و از
خود گذشتگی آنها نسبت به یک جنبش ملی
در حد بر جسته ایست ولی این امکان را
نیز نباید فراموش کرد که رژیم ممکن
است بتواند موقتا "زفتا ریکه در مجموع
عاملش خود رژیم است سو استفاده نموده

و به بخشی از اهدافش دست یابد. وظیفه
نیروهای درون جنبش اینست که مثل
سابق اهداف رژیم را افشاء و با حضور -
سنجیده و به موقع خود (از نظر نظامی) در
شهرها این شورش و شوق را در مردم زنده
نگهدارند.

۴- از نتایج مهم یورش اخیر از دست دادن
بعضی از مناطق آزاد شده و اشغال آن به
وسيله ضد انقلاب حاکم میباشد. این اشغال
هر چند موقتی و تثبیت نشدنی باشد،
اما بهرحال برای جنبش مقاومت یک
ضربه است از اینرو استراتژی حفظ
مناطق آزاد شده و گسترش آن در جریان
شرایط بحرانی کنونی ارزش و اهمیت
بسیار دارد. این مورد با یک مساله دیگر
با هم تلفیق شده است بدینصورت که در
شرایط کنونی بعلاوه مجموعه شرایطی که
حاکم برجینش است سرنوشت جنبش مقاومت
خلق کرد با سرنوشت حزب دمکرات کردستان
گروه خورده است و از اینرو تضعیف حزب
دمکرات در مقابل رژیم در مجموع تضعیف
جنبش دمکراتیک و مقاومت خلق کرد می
باشد از این موضوع نباید مغفول ماند
سیاست سازمان ما نسبت به حزب این چنین
نتیجه بگیرند که گویا ما مخالف سیاست
و مف مستقل پرولتاریائی و یا مخالف
انتفا دو بر خورد سیاسی با حزب دمکرات
میباشیم برعکس ما معتقدیم که در چهار
چوب قبول واقعیت فوق است که انتقاد
و برخورد سیاسی میتواند موشور و راهگشای
پیشبرد سیاست پرولتاری و انقلابی در
درون جنبش ملی گردد. در این زمینه
اخیرا "گرایشات مثبتی در کومله بوجود
آمده است (مقاله در مورد مساله ملی و
پیشرو ۲ علیرغم اشکالاتی که در ادیک
نمونه آن است). کومله که در قاطبنا مسه
های کنگره دومش اساسا "به مساله ملی
و خود مختاری نپرداخته بود پس از برخورد
با واقعیات موجود در کردستان در پیشرو
نسبت به خود انتقاد دو یک گام انقلابی
دیگر در اصلاحی خود برداشت مسلما
این گرایشات مثبت در روند جنبش ملی
خلق کرد تا ثیرات مثبتی را بدنیال -
خواهد داشت و بنظر ما با بدیهه گرایشات
مثبت کامل شود و مسلما "و خود واقعیات
سرخفت اجتماعی که عینا موجودند از یک
طرف و سرشت انقلابی رفقای کومله از
طرف دیگر امکانات وسیعی را برای اصلاح
خط مشی که کنگره دوم آنرا تصویب نمود
بوجود آورده و می آورد. در این مورد به
ویژه رفقای کومله که برای ایجاد یک
پایگاه علمی مبارزه مسلحانه در شمال
ایران بحق ارزش والائی قائلند نمی
توانند منکر این موضوع شوند که در اکثریت
نقاط کردستان هر جا که پیشمرگان حزب
مجبور به عقب نشینی و از دست دادن -
نقاطی شده اند برای پیشمرگان دیگر
گروهها و سازمانها امکان استقرار علمی
و ایجاد پایگاههای علمی نموده است البته
هما نظوریکه گفتیم ما این موضوع را مطلق
نمی کنیم. خلاصه کنیم:

یورش گسترده اخیر ضمن اینکه ادامه
همان سیاستهای ضد انقلابی رژیم جمهوری
اسلامی است جزئی از تلاش مرگ و زندگی

رژیم در حال احتفای جمهوری اسلامی نیز
میتواند تلاش میکند یکی از پایگاههای
انقلاب و یکی از جبهه های مبارزه خلق
را تا بودا زد در این مورد سازمان ما در
منطقه توانست علیرغم امکانات کم و
ضرباتی که تسلیم (اکثریت - راست) بر
بیکر سازمان وارد نموده بود بیکر است
از خط انقلابی پیروی کند. تلاش یکماهه
پیشمرگان سازمان در جبهه مرابون -
ضربه کوبنده پیشمرگان سازمان در سنج
(که مماند با درگیری حزب دمکرات و
کومله بود) - شرکت فعالانه پیشمرگان
سازمان در دفاع از شهر بوکان در محور -
میاندواب - بوکان و تبلیغات سیاسی
سازمان در جهت وحدت درونی جنبش
مقاومت همه و همه اقدامات سازمان است
که مبتنی بر خط و مشی سازمان و تحلیل
از شرایط کنونی است. فدائیان خلق
در همه جا با عزمی استوار راه شکوهمند
انقلاب ضرابریالیستی - دمکراتیک خلق
های ایران را می پیمایند. در این راه
نه تنها زبانه های ارتجاعی در زندانها و نه
گلوله های سربی هیچک نمیتوانند
ایمان فدائیان خلق را نسبت به این
راه پرشکوه متزلزل کند.

مردم چه میگویند ...

بقیه از صفحه ۱۲

دادند. تهدیدها سارا را "کلا" بروی مردم
بی اثر نبود. زنی خانه دار مردا و مفرین
میگردد و میگفت "همه اش تقصیرا بن پیرنگ
خمینی است. این زن یک بار هم به وسط
درگیری برید و با سارا را کج کرد -
با لایحه یکی از مجاهدین فرا کرد و دفتر
دیگر دستگیر شدند. مردم علنا "از فرا یکی
از جوانان لظها رخوشالی میکردند. پس
از ختم مراسم پیرمردی میگفت "من تا حالا
اونهرا بچه میدونستم و حرفها شون را -
قبول نداشتم ما حالا ز خودم خجالت می
کشیم و بهشان ایمان آوردیم، کاش پیری
داشتم که راهشون را ادامه میداد.
از زنان بدکاره محلی میباشند برای -
سخن چینی و لودادن مبارزین و مخالفین
به استخدا م در آورده است.

فوانسه بقیه از صفحه ۱۴

درگیری خاتمه یافت. از طرفین تعدادی
زخمی شد. پس از آن دانشجویان مبارزان
با حمل پلاکاردهای افشاگرانه در مورد
جنایات رژیم جمهوری اسلامی به تظاهرات
پرداخته و راهی محل برگزاری کنفرانس
اسلامی حقوق بشر (که با بتکار تمسدادی
از شخصیت های اسلامی نظیر بن -
برای بررسی حقوق بشر از دیدگاه اسلام
تشکیل شده است) رفتند و ضمن تظاهرات
در داخل کنفرانس با ارائه بیانیه ای
به کنفرانس اسلامی، خواهان محکوم
کردن کشتارها و دستگیری های جنابگاران
رژیم جمهوری اسلامی شده و نیز خواستار
تشکیل یک کمیسیون بین المللی حقوق
بشر برای رسیدگی به وضع دادگاهها و
زندانیان ایران شدند.

از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند

بیش از ۶۰۰ عاقد امدریکماه

۲۴۱	مجدد صرا بی	"	"	"	"	۲۴۱	ما ریا پیچگاه	"	"
۲۴۲	سیدا میرا صفری	"	"	"	"	۲۴۲	مینا توده روستا	کرج	"
۲۴۳	محمد حسین بهاری	"	"	"	"	۲۴۳	علی عباسی	"	"
۲۴۴	سیدا کبیر سجادیان	"	"	"	"	۲۴۴	علی اکبر قاضی	۶۰/۶/۹ خرم آباد	"
۲۴۵	محمد رضا سکوت جهرمی	"	"	"	"	۲۴۵	حمیدرضا فرهنگ	۶۰/۶/۱۱ بیزد	"
۲۴۶	شهراب محمدخانلو	"	"	"	"	۲۴۶	محمد رضا نوری	"	"
۲۴۷	حسین اشتها ردی	"	"	"	"	۲۴۷	حمید زارع	"	پیکار
۲۴۸	حسین حسینی	"	"	"	"	۲۴۸	احمد جانشان وظیفه مجاهدین خلق	تهران ۶۰/۶/۱۲	"
۲۴۹	بهمن ابراهیمی	"	"	"	"	۲۴۹	عباس اسما علی آقا با	"	"
۲۵۰	مهدی محمدی	"	"	"	"	۲۵۰	کا مران قنبری	"	"
۲۵۱	رشید ابراهیمی	"	"	"	"	۲۵۱	محمد موسوی پور	"	"
۲۵۲	حمیدرضا امیرفضلی	"	"	"	"	۲۵۲	عباس احمدپور	"	"
۲۵۳	ابراهیم دیگرل	"	"	"	"	۲۵۳	حسین تهرانی کیا	"	"
۲۵۴	محسن افراشته	"	"	"	"	۲۵۴	محمد بورقهای	"	"
۲۵۵	رضا منتظری	"	"	"	"	۲۵۵	پرویز اکبری	"	"
۲۵۶	حمید اشتها ردیان	"	"	"	"	۲۵۶	علی بنان	"	"
۲۵۷	احمد دا جگر	"	"	"	"	۲۵۷	محمد علی امامیان	"	"
۲۵۸	ابراهیم شالچی	"	"	"	"	۲۵۸	مهدی حاج صمدی	"	"
۲۵۹	امیر حسین وره قرون	"	"	"	"	۲۵۹	علی بحیوی	"	"
۲۶۰	مظفر آقا ق نژاد	"	"	"	"	۲۶۰	جمشید فرغانی وحید	"	"
۲۶۱	سید محمد موسوی نها	"	"	"	"	۲۶۱	جلال داوری	"	"
۲۶۲	فیض الله امام علی	"	"	"	"	۲۶۲	حسن شجاع الدینی	"	"
۲۶۳	جواد میر سید نظری	"	"	"	"	۲۶۳	حمیدونکی	"	"
۲۶۴	نا سرخ سنج	"	"	"	"	۲۶۴	محمد رضا طحمان	"	"
۲۶۵	احمد کرامی بخش	"	"	"	"	۲۶۵	محمد شعبانپور	"	"
۲۶۶	جهانگیر ابراهیمی	"	"	"	"	۲۶۶	خسرو پناه	"	"
۲۶۷	حمید فضلی زاده	"	"	"	"	۲۶۷	مینو زاده گری	"	"
۲۶۸	سید محسن جهاندار	"	"	"	"	۲۶۸	فرناز مصطفوی	"	"
۲۶۹	محمد علی همایون نژاد	"	"	"	"	۲۶۹	محمد سپاسی	"	فدایی خلق
۲۷۰	مرتضی محمدی محب	"	"	"	"	۲۷۰	علی صالحی	۶۰/۶/۱۵ راه میسر	"
۲۷۱	علی تبر	"	"	"	"	۲۷۱	شکر الله محمد شریفی	"	"
۲۷۲	فرغانه لطیفی	۶۰/۶/۱۰ پایل	"	"	"	۲۷۲	سعید ایمانی	"	"
۲۷۳	مراذ گنجوی	"	"	"	"	۲۷۳	مرتضی میرزا شی	"	چریکهای فدائی
۲۷۴	علیرضا قرنی	"	"	"	"	۲۷۴	میرداد ملاحسنی	تهران ۶۰/۶/۱۲	"
۲۷۵	احمد فیروز بیخت	"	"	"	"	۲۷۵	مجید فتاحی	"	"
۲۷۶	قیل از ۶/۱۲ رشت	"	"	"	"	۲۷۶	جواد ملامحمدی	"	"
۲۷۷	علی داوری	"	"	"	"	۲۷۷	محمد علی شکروی	"	"
۲۷۸	بیاری	"	"	"	"	۲۷۸	احمد فرید حسینی ردکانی	"	"
۲۷۹	بزرگ بزرگ زاده	"	"	"	"	۲۷۹	مسعود بابا هری	"	"
۲۸۰	جمشید بابا نژاد	"	"	"	"	۲۸۰	مجید جعفری	"	"
۲۸۱	نور الله مرده	"	"	"	"	۲۸۱	علیرضا غفوری	"	"
۲۸۲	بهمن رهبر	"	"	"	"	۲۸۲	محسن حسینی	"	"
۲۸۳	بهنام رهبر	"	"	"	"	۲۸۳	حمیدرضا حسینی	"	"
۲۸۴	محمد رضا فریدی	"	"	"	"	۲۸۴	علی اصغر اولایی	"	"
۲۸۵	رضا مادر شاهی	"	"	"	"	۲۸۵	سرآب بیک محمدی	"	"
۲۸۶	منوچهر یزدانی	"	"	"	"	۲۸۶	مزگان امفهان نیان	"	"
۲۸۷	قربان آدینه پور	۶۰/۶/۱۰ شیروان	"	"	"	۲۸۷	سیمین لوتی	"	"
۲۸۸	رسول انصاری	"	"	"	"	۲۸۸	حسین اخوت عراقی	"	"
۲۸۹	جواد زنجیر فروش	۶۰/۶/۱۲ وشت	"	"	"	۲۸۹	نویدا میر محمد علیزاده	"	"
۲۹۰	جهان بخش فلاخی	قبل از ۶/۱۵ پیرورد	"	"	"	۲۹۰	هاشم بیانی	"	"
۲۹۱	منصور ربیعی	"	"	"	"	۲۹۱	پرویز نوروزی اقدم	زنجان ۶۰/۶/۱۲	"
۲۹۲	شهنا زسمیدی	"	"	"	"	۲۹۲	محمد رحیمی	"	"
۲۹۳	حمیدرضا مالکی	"	"	"	"	۲۹۳	سید حسین کیا	"	"
۲۹۴	نا صرقتوتی	"	"	"	"	۲۹۴	جواد دوزین	"	"
۲۹۵	احمد صادقی	"	"	"	"	۲۹۵	سید علی امامی	"	"
۲۹۶	احمد شاه همیرزائی	۶۰/۶/۱۲ نهانند	"	"	"	۲۹۶	نا درانی	"	"
۲۹۷	علی محمد شرافعیان	"	"	"	"	۲۹۷	کریم طاهری	"	"
۲۹۸	محمود صفدری	۶۰/۶/۱۰ اهواز	"	"	"	۲۹۸	مجید معینی	"	"
۲۹۹	رفان یوسفی	"	"	"	"	۲۹۹	بیژن منفرد	قبل از ۶/۱۲ میل	"
۳۰۰	سید طا هرنوی	"	"	"	"	۳۰۰	نعمت رضانی	"	"
۳۰۱	عبدالعلی شریف زاده	"	"	"	"	۳۰۱	مسعود کیا نی	۶۰/۶/۱۶ بهبهان	"
۳۰۲	پرویز کشیری	"	"	"	"	۳۰۲	جعفر شفیعی	قبل از ۶/۱۷ پایل	"
۳۰۳	عبدالاحسن طاهر دشتی	"	"	"	"	۳۰۳	مریم فرحی	"	"
۳۰۴	سعدا الله حسینی	"	"	"	"	۳۰۴	عسگری مهدی پور	"	"
۳۰۵	حبیب الله ملک پور	"	"	"	"	۳۰۵	وحید محمد پور خاکی	"	"
۳۰۶	رضا شمالی	"	"	"	"	۳۰۶	حسین محمدی فتیده	"	"
۳۰۷	علی بابا حسینی	"	"	"	"	۳۰۷	فاطمه ترابی	"	"
۳۰۸	محمد پیچگاه	"	"	"	"	۳۰۸	محمد حسین جعفری	۶۰/۶/۱۸ ساری	"
۳۰۹	"	"	"	"	"	۳۰۹	"	"	"

مجا هدين خلق	۴۴۳	قبل از ۲۵/۶	مجلات سعیدشا هرخی	ایوب قادری	۲۷۸
کومله	۴۴۴	۶۰/۶/۲۰	مهدی زندی	مهدی صمدی	۲۷۹
مجا هدين خود	۴۴۵	قبل از ۲۶/۶	سیدآقا جان حسینی	ابراهیم یوسف بیگلو	۳۸۰
کشی در زندان	۴۴۶	۶۰/۶/۲۵	حسین آذری فرید	حمید شیخ مظفری	۳۸۱
بیکار	۴۴۷	"	سیدجلیل احمدیان	مهدی طهانی	۳۸۲
"	۴۴۸	"	علی رضا قمری	امیرنمازی زادگان	۳۸۳
فدائی خلق	۴۴۹	"	سیدفاطم سیدباقری	حبیب صادقی	۳۸۴
بیکار	۴۵۰	"	علی رضا سعادت نیاکی	سلیمان	۳۸۵
"	۴۵۱	"	باقریزدانی	ابراهیم فتی	۳۸۶
فدائی خلق	۴۵۲	"	اصغر جعفری جزایری	بهروز تاشهین	۳۸۷
ارتش سری - ارمنستان	۴۵۳	"	نعیمی کشیشیان	ابراهیم هیت الله پور مجاهدین	۳۸۸
مجا هدين خلق	۴۵۴	"	سیامک قربانی	نیشابور فرهاد صدیق	۳۸۹
بیکار	۴۵۵	"	کوروش کبیری	حسن کندو	۳۹۰
مجا هدين خلق	۴۵۶	"	امیرمعین فر	حسن تنوریالا	۳۹۱
"	۴۵۷	"	حمیددهنا	مهدی یزدیان	۳۹۲
"	۴۵۸	"	زهراسبک ترا	حمیدحیران	۳۹۳
"	۴۵۹	"	سیدحسین سادات جعفری	مصطفی استیلایی	۳۹۴
"	۴۶۰	"	علی اصغر اناری	ستارکفائی	۳۹۵
"	۴۶۱	"	حسین هشیار	مجیدحریزچی	۳۹۶
"	۴۶۲	"	بسیژن تفرجی	اسماعیل زارعی	۳۹۷
فدائی خلق	۴۶۳	"	عزیزمحمد رحیمی	علیرضا یعقوبی	۳۹۸
مجا هدين خلق	۴۶۴	"	رضا جهرمی	حسین ابراهیمی دواسرائی	۳۹۹
"	۴۶۵	۶۰/۶/۲۴	عزت الله لطیفی	غلام فتیمی	۴۰۰
"	۴۶۶	"	رضا ناظم مردی	حمیداشرفی	۴۰۱
"	۴۶۷	"	ناصرشیدیان	مریم شادمان	۴۰۲
چریکهای فدائی	۴۶۸	"	فرشاد سپهری	یدالله حیات بخش	۴۰۳
مجا هدين خلق	۴۶۹	۶۰/۶/۲۵	سعیدخدا نی	نفس الدین کوشالی	۴۰۴
"	۴۷۰	۶۰/۶/۲۴	جعفر کوهستانی	سید محمود حسینی ده بنه	۴۰۵
فدائی خلق	۴۷۱	"	عبدالرضا غفوری	مصطفی مسننی	۴۰۶
مجا هدين خلق	۴۷۲	"	مرتضی احمدوند	حجت الله اورزمانی	۴۰۷
"	۴۷۳	"	احمدرضا نی	حسن دولت آباد	۴۰۸
"	۴۷۴	"	مجیدها دیان	محمد یوسف مخدومی	۴۰۹
بیکار	۴۷۵	۱۹ تا ۲۶/۶	علی تقوی	علیرضا پناهی	۴۱۰
مجا هدين خلق	۴۷۶	"	محسن بیغمبرزاده	فاطمه مرتضوی	۴۱۱
"	۴۷۷	"	ناصرجهان پور	سعید محمدی	۴۱۲
"	۴۷۸	"	عبدالاحسین یآوری	راضی حسینی	۴۱۳
"	۴۷۹	"	سیدعلی هاشمی	علی اصغر فدائی یگانه	۴۱۴
"	۴۸۰	"	محمدعلی بیداد	منصوره افخمی	۴۱۵
"	۴۸۱	"	مظفر سعادت پور	لنیل افکر مرزبان	۴۱۶
"	۴۸۲	"	عبداللہ بحرینی	گیتی اسما علی	۴۱۷
"	۴۸۳	"	محمدجعفر دزفولی	علی آشتیانی	۴۱۸
"	۴۸۴	"	علاءالدین واعظی	مصطفی مقدم	۴۱۹
"	۴۸۵	"	جوادی مینی کاظمی	مهرداد سمنانی	۴۲۰
"	۴۸۶	"	محمدرضا اربابی	رضا گلچی	۴۲۱
اعلام نشده است	۴۸۷	۶۰/۶/۲۸	رامین نقاش زاده	احمد صادقی خواه	۴۲۲
"	۴۸۸	"	عزیزه مددیپور	علی قربانی	۴۲۳
"	۴۸۹	"	علیرضا اکبری	پرویز عدالتی	۴۲۴
"	۴۹۰	"	سهیلا وثوق	سعیدرضا	۴۲۵
"	۴۹۱	"	بهروز چنگله	علی علی آبادیان	۴۲۶
"	۴۹۲	"	مصیب صالحی آهنگ	فریده شمیری	۴۲۷
"	۴۹۳	"	نیلوفر تشید	محموددانا بی	۴۲۸
"	۴۹۴	"	خسرو صحرایی	صفرزارعی	۴۲۹
"	۴۹۵	"	فریبا انصاری	محمود نظری	۴۳۰
"	۴۹۶	"	فرزانه علیزاده	حسین جعفرزاده	۴۳۱
"	۴۹۷	"	ناهدیجوادنی	ابوالقاسم جعفری	۴۳۲
"	۴۹۸	"	فاطمه مصباح	محمدحسین منصف	۴۳۳
"	۴۹۹	"	محبوبه خدا نی	رضا شیروانی	۴۳۴
"	۵۰۰	"	شهین مقدس زاده	بهروز ابدالی	۴۳۵
"	۵۰۱	"	میترا افشاری	مفا معینی	۴۳۶
"	۵۰۲	"	مریم ضیائی	سرور مهدوی	۴۳۷
"	۵۰۳	"	افسانه رحیمی	بهنام مهرا نی پور	۴۳۸
"	۵۰۴	"	شرین الوتدی	سعید راهبری	۴۳۹
"	۵۰۵	"	جوادی عبداللہی	امیر الله نوریان	۴۴۰
"	۵۰۶	"	سیما محمدی	ابوالحسن اقدسی	۴۴۱
"	۵۰۷	"	مهین چشمبراه	حیدریه	۴۴۲
"	۵۰۸	"	مرتضی مردف	علی اصغر صادقی	۴۴۳
				قبل از ۲۴/۶	۶۰۰۰

زندان - خودکشی در -



شهرام زمان سلطانی	۵۸۰	۶۰/۶/۲۷	مشهد	علی سیمی	۵۰۹
عباس خیرآبادی	۵۸۱	"	"	حبیب الله آشوری	۵۱۰
سیدعما دنبوی	۵۸۲	"	"	علی تهوری	۵۱۱
امیررضا پورهاشم	۵۸۳	"	"	سعیدنوروزی	۵۱۲
علیرضا اشراقی	۵۸۴	"	"	حمیدرضا کا هیدی	۵۱۳
محمدرضا قلاوند	۵۸۵	"	"	محمدرضا کریمی	۵۱۴
سیدرضا صفایی	۵۸۶	"	"	غلامعلی آرام پرست	۵۱۵
حسین طیبی پور	۵۸۷	"	"	محمودگرمای بخش	۵۱۶
حسین حیدری	۵۸۸	"	"	مالک شجاعی	۵۱۷
حمیدرضا حسن خانی	۵۸۹	"	"	ستاره احمدی	۵۱۸
محموداکبری	۵۹۰	"	"	غلامحسین نجددی	۵۱۹
جواد سجادی	۵۹۱	"	"	محمد منصور	۵۲۰
مهدی صالحی - درگیبری مجاهدین خلق	۵۹۲	۶/۲۹	تهران	اکبر محمدی	۵۲۱
کاظم جمشیدی	۵۹۳	"	"	علیرضا اکبری منفرد	۵۲۲
محمدتقی افشاری	۵۹۴	"	"	زهرا رحمانی	۵۲۳
مجیدبیحوی آزاد	۵۹۵	"	"	عطیه محورخوان ری	۵۲۴
عبادی	۵۹۶	"	"	طاهره وکیلی	۵۲۵
جوادرضا پور	۵۹۷	"	"	فاطمه شاملو	۵۲۶
عبدالعلی مهنا	۵۹۸	"	"	عممت کیانی	۶۰/۶/۲۸ ۵۲۷
محمدمنصوری	۵۹۹	"	"	معمومه شکوهی	۵۲۸
مصطفی حسینی شانه چی	۶۰۰	"	"	آیداشهبازی	۵۲۹
محمدمنشیان مطلق	۶۰۱	"	"	ملیحه پورمند	۵۳۰
مهدی سیمی	۶۰۲	"	"	محمود اسرافیلی	۵۳۱
محمد مهدی تنکا بنی پیکار	۶۰۳	"	"	مسعود زمانی	۵۳۲
محمودالماسیان	۶۰۴	"	"	حمیدرضا علی اصغری	۵۳۳
فرا مرزپورده	۶۰۵	"	"	ساسان خوشبونی	۵۳۴
کاظم قاسم زاده	۶۰۶	"	"	اصغراشتی	۵۳۵
ابوالقاسم توکلی	۶۰۷	"	"	میرمجیدآئین پرست	۵۳۶
حبیب الله اسلامی	۶۰۸	"	"	مریم شیردل	۵۳۷
کاووس حسینیان	۶۰۹	۶۰/۶/۲۶	سوج	بهروز شیردل	۵۳۸
هادی طاهرپور	۶۱۰	"	"	علیرضا یراق چی	۵۳۹
عبدالمناف رادمنش	۶۱۱	"	"	محمدصادق گلزاده	۵۴۰
داریوش نکبیل تاجی	۶۱۲	"	"	غفوری	"
فهیمة تحصیلی	۶۱۳	۶/۳۰	تهران	حسین مفتح	۵۴۱
محمدتقی افشارپور	۶۱۴	"	"	وحیدنجفی زاده	۵۴۲
هادی شریف نجف آبادی	۶۱۵	"	"	حسن کاظم پورمقدم	۵۴۳
بزرگ سفی	۶۱۶	"	"	علی مختارزیبائی	۵۴۴
جلیل نعمتی	۶۱۷	"	"	حسین پناهی فر	۵۴۵
عبدالرحمن تقی نژاد	۶۱۸	"	"	ابوالفضل شاه علی	۵۴۶
محسن شریف	۶۱۹	"	"	شهاب حسینی	۵۴۷
فرهادکبوا سی	۶۲۰	"	"	راضیه کاملی	۵۴۸
مصطفی موهبت	۶۲۱	"	"	فاطمه گودرزی	۵۴۹
رما مولائی	۶۲۲	"	"	صدیقه وحیدبیوسفی	۵۵۰
حسین فردوس	۶۲۳	"	"	نعمت الله تاشک	۵۵۱
محسن ترخوشی	۶۲۴	"	"	محمدحسین	۵۵۲
علی عزتی	۶۲۵	"	"	فتح الله مشعشی	۵۵۳
ناصرتوکل	۶۲۶	"	"	مصطفی حاج شریفی	۵۵۴
ناذر میرزائی	۶۲۷	"	"	علی مثنی	۵۵۵
اصغررحمانی	۶۲۸	"	"	رضا قربانی	۵۵۶
محمدحسین داودی	۶۲۹	"	"	حمیدزرعکانی	۵۵۷
فرهنگ سالاریان	۶۳۰	"	"	ناصرعلی خادمی	۵۵۸
احمدرضایی خلیفی	۶۳۱	"	"	حمیدرضا طهان	۵۵۹
سیمین صدی	۶۳۲	"	"	مجیدناظری صومعه گی	۵۶۰
محمدرضا بیدی	۶۳۳	"	"	ابراهیم صائبی	۵۶۱
علی میرمحمدی	۶۳۴	۶/۳۰	تهران	ناصرحق	۵۶۲
حمیدرضا تقوی	۶۳۵	"	"	منوچهر نیکخواه	۵۶۳
عباس فخری	۶۳۶	۶۰/۶/۲۹	تهران	محمود میرجلیلی	۵۶۴
ابوالقاسم خسته	۶۳۷	"	"	حوریه غلابی	۵۶۵
نجف آباد احمدلسانی	۶۳۸	"	"	خرم آباد محی الدین عباسی	۵۶۶
اکرم خلیلی	۶۳۹	"	"	ایرج ماسوری	۵۶۷
معمومه سبزیان	۶۴۰	"	"	باقر حاج علی محمدی	۵۶۸
بنفرازلی ساجدین عابدین	۶۴۱	"	"	محمود عسکری	۵۶۹
قاسم شهر حسین غفاری	۶۴۲	"	"	مصطفی نمازی	۶۰/۶/۲۶ ۵۷۰
علی فقیهی	۶۴۳	"	"	محمدرضا نیک سلیمان	۶۰/۶/۲۷ ۵۷۱
حسین شکری	۶۴۴	"	"	علی زائریان	۵۷۲
خسرو فضل آرا	۶۴۵	"	"	محمدرضا صفاری	۵۷۳
شعبان مهدی پور	۶۴۶	"	"	احمد خرسند	۵۷۴
حسین جمشیدی	۶۴۷	۶۰/۶/۳۰	همدان	غلامحسین سالاری	۵۷۵
خیرالله مختاری	۶۴۸	"	"	ناذر علم مهرجویی	۵۷۶
محمدرضا روانیان	۶۴۹	"	"	محمدتقی بختیاری	۵۷۷
پروین مستوفیان	۶۵۰	"	"	حسین سپهری	۵۷۸
				محسن سپهری	۵۷۹

"مراکز خدمات روستائی"

اجرای طرح‌های آمریکایی در رژیم جمهوری اسلامی

رژیم جمهوری اسلامی در ابتدا بسیار کوشید تا مقاصد و اهداف ضد خلقی خود را در پوشش‌های مردم‌فريب ارائه دهد و طرح‌های سر-بهدا را نه در لیسانس حمایت از مستضعف به اجرا در آورد، و با بدگفت مدتی نیز در این نیت شوم خود موفق بود و توده‌ها را فریفت. مدتی توده‌ها چشم امید به رژیم دوخته بودند که هدفی جز با زسازی هرچه سریع‌تر نیستیم ضربه خورده سرما به داری وابسته، و نتیجتاً "حزق و حواست از منافع سرمایه داران - البته قشر خاصی از آنان ندارد. مدتی توده‌ها امیدشان به "جهاد با زندگی"، "کمیتها ما م"، "حساب صد"، "سبنا دمکن"، "هیئت‌های هفت نفره" و... بسته بودند. اما از این امامزاده نیز چون امام - زاده آریامهر، معجزه‌ای برخاسته بتدریج پرده‌ها زچهره کریه رژیم فرو افتاد و به تدریج توده‌ها دریافته‌اند که "بالائیها" به دردشان نمی‌رسند. توده‌ها چشم زبالا برگرفتند.

رژیم در این زمینه تبلیغات وسیعی را در روستاها پیش برد. جهاد با زندگی را علم کرد، که هر چند اجرای رفرم‌های رنگ پریده را در روستاها برعهده گرفت اما در نهایت به مالکین متوسط روستا خدمت نمود (با دیدن نظرداشت خوش نشینان و یا خورده مالکین روستا تا آن اندازه زمین ندادند که نیاز به درو کردن جهاد باشد، خودخواهان ده‌شان از پیسر در عمل برمی‌آیند، در عین حال که دستمزد کارگر روستایی برای شریاری به میزان به درو محصولات مالکین به سطحی بسیار نازل نزول نموده، از سوی دیگر سبیلانی چون انبار، جاده و... در عین ننگ نقش رفرم‌گونه در زندگی روستا ایفا میکنند اما در وجه غالب در خدمت بورژوازی روستا قرار دارند...) هیئت‌های هفت نفری را ترتیب داد که با ساز و دهل تقسیم اراضی به روستاها رفتند اما در عمل با حمایت از فئودال‌ها و زمینداران کوس رسوایی اصطلاحات روستایی را به صدا درآوردند، مدتی نیز زیر طبل توخالی بند "ج" نواخت اما در عمل نشان داد که ارتجاعیون چون خمینی و شورای نگهبان نیون اهل رفرم‌های بورژوازی نیز (هر چند نینموند) نیستند. اینک رژیم علمی دستگیر دست گرفته است و به تبلیغات گسترده حول طرحی بنام "مراکز خدمات روستائی" پرداخته است. اما همانگونه که بارشده مبارزه - طبقاتی و افشای ماهیت رژیم در نزد توده‌های وسیع دیگر در تمام عرصه‌ها حربه فریب‌کننده و شمشیر سرکوب بکار گرفته شده است در این رابطه نیز رژیم تلاش زیادی در پوشانیدن ماهیت ضد خلقی این طرح‌ها ننمیدهد. این طرح

که بر طبق گفته یکی از اعضای شورای مرکزی جهاد با زندگی در "تیرماه ۶۹ به تصویب رسیده است" نسخه برداری ناشیانه - ای از طرح‌های انصاف روستاییان دانش و بهداشت شاه معدوم است. خانه‌های انصاف، رپوشش عدل و داد و سپاه‌ای برای سرکوب اعتراضات و کنترل مبارزات دهقانان بود و این طرح نیز - به گفته مریخ عضو شورای مرکزی جهاد با زندگی پیش از ۱۰۰۰۰ انجمن اسلامی روستاها را رسمیت میبخشد " (کیهان - ۶۰/۶/۲۵). روشن است طرحی که اولین و شاید مهم‌ترین گامش رسمیت بخشیدن به ۱۰۰۰۰ انجمن اسلامی روستا یعنی رسمیت بخشیدن به مراکز جاسوسی، زور - گوئی، سرکوب مبارزات روستائیان، تفتیش عقاید و خبرچینی برای رژیم می باشد چگونه طرحی است. میتوان بدستی گفت اجرای این طرح در شرایط کنونی (با وجودیکه در تیرماه ۶۹ تصویب شده) - چندان هم بی‌مورد نیست و ارتباط تنگاتنگی با ایجاد "ساواکی قوی"، مطمئن و سرا سری دارد و نقش شبکه‌های ساواک رژیم در روستاها را ایفا مینماید. از همین جا معلوم است که "خدمات" این مراکز در چه زمینه‌هایی است، ساختن احیاناً "۱ یا ۲ مسجد در روستاها بی که اغلب آب، برق، حمام و جاده ندارند. به گزاری نماز جماعت، تشویق مردم به جاسوسی و کنترل یکدیگر و خبرچینی، رژیم جمهوری اسلامی هر چند شیوه‌های خاص خود را در راستا تمام‌تیمی سیاستهای ضد خلقی اش در روستائی تکمیل و پیاده کردن اهداف و سیاستهای شاهانه است. (در این مورد مثالها متعددند، خراب - کردن خانه‌ها، تخریب دکاه‌ها، سرکوب کارگران و توده‌ها، اعدام فدائیان و مجاهدین، ایجاد دوگسترش ساواک، توسعه قراردادهای امپریالیستی و... و حتی در موارد متعددی چون اعدامها و کشتارها رژیم جمهوری اسلامی دست خونین شاه معدوم را نیز از پشت بسته است) در این زمینه نیز طرح "مراکز خدمات روستائی" از این امر مستثنی نیست. عضو عالی‌رتبه جهاد با زندگی با وقاحت تمام میگوید "در حقیقت روی این طرح در سال ۵۴ یک شرکت مهندسی کشاورزی امریکائی البته در جهت اهداف سرمایه‌داری امپریالیستی تحقیقاتی انجام داده که به موجب آن بنا بر این بوده که مراکز جهت بهبود وضع کشاورزی در روستاها ایجاد شود. این طرح پس از انقلاب در ۱۴ تیرماه سال ۵۹ به عنوان طرح خدمات روستائی و عشایری تصویب شد (همانجا) براستی که "میراث خوس به کفتر ر می‌رسد" اعتراضی مریخ‌تر و در عین حال بیشترمانه ترا ز این نمی‌توان یافت. این عضو عالی‌رتبه جهاد، این مزدور رژیم به صراحت اعلام میکنند

که رژیم جمهوری اسلامی طرح مستشاران - امریکائی را بعنوان طرحی انقلابی به خورد روستائیان میدهد. اینها سخنان است که باید بشکلی وسیع به میان توده‌های روستایی برد و حول آن تبلیغ نمود. با یدما هیت ضد خلقی این طرح‌ها بر طرح‌های رژیم را برای توده‌های کارگروه‌ها نشان افشاء نمود. با اینها - این طرح‌ها که توسط مستشاران امریکائی تنظیم شده و جز اولین گامهای رسمیت بخشیدن به انجمن‌های ضد مردمی و اسلامی روستاهاست در میان توده‌های روستائیان نمود. باید برتجارب توده‌ها اتکاء کرد، توده‌های روستایی مطالب‌خانه‌های انصاف شاهانه را با گوشت و پوست خود لمس کرده - اند. آنها در تمام عرصه‌ها به شوم ساواک و مزدورانش را در لب‌های کدخدای و امثال او بر سر خود داشته‌اند و اینک تمام می‌این مثالها برای نشان ملموس و قابل قبول است با یروش کردن که "مراکز خدمات روستائی" اهدافی بجز اهداف شاهانه ندارند و روستائیان بجز فریب و سرکوب توده‌ها در پیش ندارند. باید توده‌های وسیع روستائی را که اینک زیر فشار سیاستهای ضد خلقی رژیم آماده - انفجارند سازمان داد و به حول هر یک هر یک از حرکات ضد دهقان رژیم آنان را به حرکت درآورد.

هر چند رژیم آب درهاون میکوبد و سیاست‌های ضد مردمی آن برای کثرت مردم آفشاء شده است اما نباید فراموش کرد که اقشار عقب مانده توده‌ها بخصوص در روستاها هنوز گوشه‌چشمی به "بالائیها" دارند و در روستاها تحقق خواسته‌هایشان از طریق رژیمند. از سویی با یدای توهم را شکست و پوشش عوام‌فريبانه بر نامه‌های رژیم جمهوری اسلامی را از هم درید و از سویی دیگر با یدان را متشکل نموده و ادوات روستائیان بر حقیقت به حرکت - های روستائی توضیح داد که هیچ مرکز، واحد، انجمن، شورا و... که زبالا تشکیل گردند قادر به برآوردن نیازهای آنان نخواهد بود و تنها نمایندگان واقعی که از جانب روستائیان بدون هیچگونه تهدید و فشار رودر کمال آزادی انتخاب گردند و تنها تشکلهایی که توسط خود روستائیان بوجود آید و تمام می‌زحمت کشان روستا را در خود مجتمع گردانند قادر به تامین نیازهای واقعی توده‌هاست. باید نمونه‌های موفق و پیرومند ستاد فدرهائی خلق ترکمن و ستاد دوشوهای ترکمن صحرانوار که نمونه عملگردهای خلقی آنها را به وسیله‌ترین شکل در میان توده‌ها ترویج نمود. باید توده‌ها را به قدرت لایزالشان آشنا ساخت. آنکا هست که توده‌ها تا ریحرا میسازند.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند



اخباری از جنبش

بقیه از صفحه ۲۴

سنندج ۶۰/۶/۲۵ : جاشها و پاسداران - فرومایه رژیم در این روز حمله سرکوبگرانه مدای به مردم بی دفاع روستای سرنجیجا نه پائین انجام دادند. در این حمله زن بی دفاعی بنام گلپاغ رحیمی که در نتیجه تیراندازی این مزدوران به وحشت افتاده بود سعی داشت بچه‌های خود را به داخل خانه فرار دهد مورد اصابت رگبار مسلسل‌های پاسداران سرمایه قرار گرفت و به شهادت رسید.

جلادان جسد او را که مورد اصابت گلوله قرار گرفته بود بوسیله هلی‌کوپتر به تهران برده و هنگامی که اقوامش بمنظور تحویل جسد به بیمارستان مراجعه کردند از آنان مبلغ ۸/۰۰۰ تومان مطالبه نمودند. وبا این عمل فدا نسانی بخوبی ماهیت حامی مستضعفان جهان را به نمایش نهادند. مریوان ۶۰/۶/۱۶ : جاشها و پاسداران مستقر در آباد مریوان به مواضع پیسرگان حزب دمکرات کردستان ایران در امرانی حمله بردند و به محض وصول این خبر پیسرگان ساویمان (دسته شهید ظهیرت اکبری) به کمک آنان شتافتند و ضمن عقب راندن دشمن عده‌ای کشته و زخمی (که اطلاع دقیقی از تعداد آنها در دست نیست) بر جای نهادند.

مریوان ۶۰/۶/۱۷ : ساعت ۱۲ پیسرگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و حزب دمکرات کردستان ایران در دو آب مریوان به کمین پاسداران و جاشهای مزدور نشستند. حدود ساعت ۱ بعد از ظهر مزدوران به کمین افتادند که پس ارسه

ساعت درگیری علیرغم استفاده آنان از انواع سلاحهای سنگین عده زیاد کشته و زخمی شدند و به پیسرگان هیچگونه آسیبی وارد نیامد. در ادامه این درگیری در ساعت ۴ بعد از ظهر عده زیادی جاش و پاسدار با استفاده از انواع سلاحهای سنگین بتکلی وحشیانه به آبادی بوریدر حمله کردند و تمامی مناطق مسکونی (هوارها و کوچه‌های زحمتکشان) را زیر باران گلوله قرار دادند. پیسرگان سازمان حزب دمکرات سرخ‌تانه در مقابل مزدوران ایستادگی کرده و خود را در حال تیربار کالیبر ۵۰ رابا رپی جی و نارنجک دستی منهدم ساختند. سپس بیعت و خشگیری مزدوران و تعرض آنها به جان و مال اهالی بی دفاع پیسرگان به مواضع اطراف بوریدر عقب نشینی کردند و پس از سازماندهی مجدد در صبح روز ۱۸/۶/۶۰ حمله متعاقباً با شکل دادند که مزدوران رژیم با شکستی مفتضحانه مجبور به ترک آبادی شدند. پیسرگان جاشها و پاسداران را تا نزدیکی های نیاباد تعقیب کردند. در این نبرد ۲۴ ساعت تعداد ۸ نفر از مزدوران کشته و عده زیادی زخمی شدند اما به پیسرگان جنبش مقاومت کوچکترین آسیبی وارد نیامد. پیسرگان قهرمان بخوبی نشان دادند آنجا که خلق اراده کنند مواضع خود را کامکان در لاورانه در مقابل یورشهای فاشیستی رژیم حراست خواهند کرد.

سنندج ۶۰/۶/۲۵ : پیسرگان سازمان ساعت ۶ بعد از ظهر بمدت ۲ ساعت قسمتی از جاده سنندج - کرمانشاه را به کنترل خود گرفتند و به بازرسی وسایل نقلیه موتوری پرداختند. در ساعت ۷ در حالیکه عده زیادی از مسافریین بدعوت پیسرگان اجتماع کرده بودند یکی از قرقاسیستهای ارتجاعی رژیم ضد خلقی را افساء و در قبال آن مردم را به وحدت و یکپارچگی دعوت

نمود. برخورد پیسرگان سازمان با مردم آنچنان گرم و صمیمانه بود که آنان دسته جمعی به ترور و اختناق حاکم برجاسته و عدا مهایی وحشیانه رژیم اعتراض میکردند مسافران پس از روبروسی با پیسرگان قهرمان به سفر خود ادامه دادند.

درگیری در روستای دوشان : در ساعت ۹/۵ صبح روز پنجشنبه ۶۰/۷/۱۶ یک دستگاه سیمرخ حامل جاشها و پاسداران مزدور در ۵۰۰ متری فرودگاه سنندج به کمین پیسرگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران افتاد پس از یک ساعت درگیری سیمرخ حامل شیرباز کالیبر ۵۰ منهدم و مزدوران با دادن ۷ کشته و زخمی جویبانه متواری شدند. در ساعت ۱۱ همان روز ستونی مرکب از جاشها، پاسدار، ژاندارم و سرکوبگران ارتش به محل درگیری حمله بردند. پیسرگان قهرمان با استفاده از تاجارب انقلابی خود در سنگرها قرار گرفتند و با نظامی انقلابی و مقاومتی دلیرانه از پیشروی مزدوران سرکوبگر رژیم جلوگیری کردند. نیروهای سرکوبگر که از تلاش مذبحوحانه خود نا امید گشته بودند خشم خود را متوجه مردم ساختند و از کودکان ۴ ساله تا پیر مردان و پیر زنان را مورد اذیت و آزار قرار دادند. این مزدوران ابلهانه از کودکان و پیر مردان و پیر زنان اسلحه مطالبه میکردند. سرانجام سرکوبگران بتکلی ناامیدانه سیمرخ منهدم شده را که حامل کشته‌ها و زخمی‌ها بود توسط یک رینوی ارتشی بید کرده و عقب نشینی نمودند. پیسرگان بلافاصله به میان مردم رفته و به شرح درگیری و افشاکاری دزمورد ما هیت ضد خلقی رژیم حاکم پرداختند. این عمل با استقبال گرم و پر شور روستائیان اطراف مواجه گشت.

شده اند. از سرنوشت دستگیر شده‌ها اطلاعی در دست نیست. از روز شنبه ۶۰/۷/۴ تمامی دانش آموزان اعم از دبستان، راهنمایی و دبیرستان راهنگام و رودبه مدرسه مورد بازرسی بدنی قرار میدهند. رژیم از ترس کوچکترین حرکت دانش آموزان به دختران دانش آموز دستور داده است که از آوردن کیف دستی خودداری نمایند و کتای بهای خود را با در دست گرفته و یا حداکثر در کلاسور بگذارند.

دانش آموزان در راه پیمائی مزبور، خود نشان دهنده میزان آگاهی و نفرت توده ها و دانش آموزان از رژیم میباشند. میتوان گفت اساساً چیزی با سم نظاهرات در این مناطق انجام نگرفت بلکه بیشتر قدم زدن تعدادی معلم و محمل که یا وابسته به رژیم بوده اند و یا بزور و از ترس قطع حقوق و اخراج به خیابان مده بودند، در چند خیابان بود که انجام گرفت.

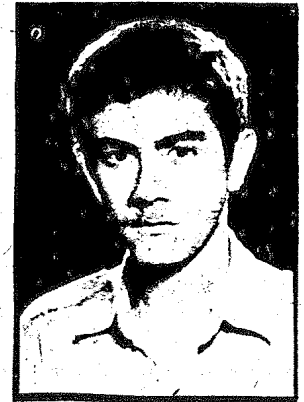
ماهشهر

۶۰/۷/۱۲ - کارکنان اداره مرکزی شیعیانی رازی طی نشستی، پس از سخنرانی نمایندگان و تعدادی از کارکنان تصمیم میگیرند نسبت به عدم تعطیلی پنجشنبه اعتراض کرده و پنجشنبه از رفتن سرکار خودداری نمایند. پس از این تصمیم روز پنجشنبه اکثریت کارکنان سرکار حاضر نمیشوند. طبق خبرهای رسیده شبانه سه به خانه نمایندگان از جانب پاسداران حمله شده و نمایندگان را با اضافه تعدادی از کارکنان دستگیر کردند. روز شنبه توسط انجمن اسلامی و پاسداران از ورود کارکنانی که در جلسه مزبور حضور داشته و پنجشنبه از آمدن سرکار خودداری کرده بودند، جلوگیری بعمل آمده و به آنها ابلاغ میشود که تا اطلاع ثانوی از آمدن به اداره خودداری کرده و در خانه منتظر اطلاع و ابلاغ بعدی باشند. طبق اخبار رسیده پیش از ۶ نفر از کارکنان احتمالاً دستگیر

گزارشی از راهپیمائی اول ماه مهر در مناطق جنگزده

آیت الله منتظری همچون سال گذشته از تمامی دانش آموزان سراسر کشور دعوت کرد که در روز افتتاح مدارس برای نشان دادن قدرت و میزان حمایت از حکومت و اسلام، بویک راهپیمائی دست بزنند. مدارس در مناطق پشت جبهه وضعیت خاصی دارند، اما سال نیز همچون سال گذشته و بخاطر فشار بیشتر بر توده های جنگزده ابتدا شایع گردانند که بدلیل آنکه جنگزدگان در مدارس اسکان یافته اند، از ثبت نام دانش آموزان بخصوم دانش آموزان جنگزده خودداری خواهند نمود. بدینکه جنگزدگان از مدارس خارج شوند. در کمپ B (شهرک هجرت) سرپوشده که حدود ۱۷ هزار جنگزده را در خود جای داده است چون ساختمان جداگانه ای برای دبستان داشته است از این صحبت مستثنی بود. بگر چه بیشتر فشار بر روزهی دبیرستانها و مدارس راهنمایی میباشد. بهرحال از آنجا شیکه جنگزدگان دیگر گوششان از این تهدیدها پر شده است، باجی تفاوتی نسبت به مسئله برخورد کردند تا بالاخره رژیم باز مجبور شد از دانش آموزان ثبت نام بعمل آورد، در روز اول مهرماه، عدم شرکت فعال و گسترده

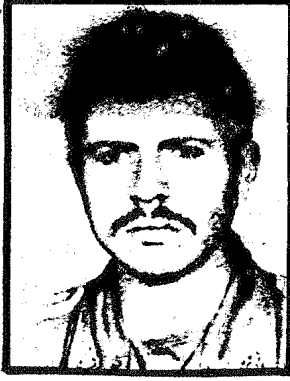
دخترانی که صبحها به مدرسه راهنمایی شهر می رفتند، در معیت معلمین خود از مدرسه مزبور بطرف مسجد راه افتادند تا از آنجا همراه سایر دانش آموزان به سمت مسجد ما شهر کهنه راه پیمائی نمایند. حدود ۶۰ دختر همراه حدود ۱۰ معلم در خیابان بر راه افتادند، از این عده فقط حدود ۱۰ الی ۲۰ نفر شعار داده و تکرار میکردند. بقیه بیشتر به صحبت با هم مشغول بودند. این راه پیمایان پس از گذشتن از خیابان اصلی و ورود به خیابان مسجد ما راه پیمایان دیگر برخورد کردند که به سمت مسجد می رفتند. این راه پیمایان محدود ۶۰ محل دبستانی که اغلب آنها از کلاس پنجم به پایین بودند که تحت سرپرستی چند معلم به راه پیمائی دست زده بودند. از پدرو ما درها که منتظری از آنها نیز درخواست کرده بود در راه پیمائی بقیه در صفحه ۱۰



گرامی باد
خاطره

پیشگام شهید رفیق علیرضا پناهی

در سال ۱۳۴۰ در خانه‌ای محقر بدینا آمد و از کوچکی طعم تلخ فقر را چشیده بود. پدرش کارمند ساده‌ای بود و با درآمد کمی که داشت چرخ زندگی یک خانواده دهه نقری را میچرخاند. علی فرزند پنجم خانواده بود و از همان کودکی زینک و با عا طفه بود و هیچگاه ز بر بار زور نرفت. در اوایل قیام با وجود سن کم، بسیار فعال بود. برای به ثمر رسیدن مبارزات مردم کوشش زیادی کرد. هر وقت او را میدیدی مشغول کاری بود. شجاعت و صداقت او زبانزد اهل محل و دوستانش بود. مردم مبارزان امیریه او را خوب میشناختند. با پول ناچیزی که از فروش کتاب بدست می‌آورد صرف خرید ذغال و نفت برای مردم محروم می‌کرد. عریضه می‌کرد. اوقات فراغت خود را صرف



نامه‌ای از هواداران سازمان: به رفقای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با دروهای کمونیستی

رفقا! موضوعی را که میخواهیم مطرح کنیم در رابطه با شهادت رفیق تادریا است. او دانشجوی انستیتو تکنولوژی تهران در رشته مکانیک بود. شاه با بدعتی در زمانی که از بنیان گذاران و مسئولین پیشگام تهران و مسئول پیشگام مستند چاهواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بود، که پس از یکسال فعالیت در شاه گردستان سازمان در کنار ریشمرگان جنبش مقاومت خلق کرد. در تاریخ ۲۳ ام تیرماه ۱۳۵۹ در درگیری و مقاومت در برابر یورش ارتش ضد خلقی جمهوری اسلامی و پاسداران ارتجاع در روستای "توریوز" به شهادت رسید. پس از شهادت وی فدائیان اکثریت این خائنین به خلق و قیام نه و به شیوه - ای اپورتونیستی از او بعنوان اصطلاح شهادت اکثریت نام برده و خون او و دهها شهید انقلابی دیگر و شوقه ای برای کسب وجهه و آبروی خود نمودند. نام او را جهت افشای این خائنین به خلق می نویسیم و خواهی ستارچا پ آن در کار هستیم.

فدایی شهید رفیق علی رضا شاه بابایی
چا سخنش با آنها بود. در قیام شکوهمند بهمین ماه نقش فعالی داشت. سپس - هوادار سازمان گشت. به هنگام انشعاب در سازمان قطعاً در مقام بل خائنین اکثریتی ایستادگی کرد و به سازماندهی تشکیلات در روستای خود پرداخت و در این راه از هیچ کوششی دریغ نمی‌کرد. او در کمیته هماهنگی محل شرکت داشت. رفیق در این مدت همواره نقش ضد انقلابی حاکمیت را افشاء میکرد و برای این کار از روشهای گوناگون و با زبانی گویا برای زحمتکشان اعمال ضد خلقی دولت را با زگو می‌کرد. از این رو بود که نجم اسلامی محل که به حق ارگان خلف حاکمیت بود از او کینه‌ای عمیق بدل گرفت. اعدام رفیق ما هیت کشیف حاکمیت را بعینه در برابر زحمتکشان منطقیه خصوصاً "قریه کوتاه" آشکارتر ساخت. علیرضای شهید تا آخر عمر کوتاهش پیرهن سرخ فدائی را بر تن داشت. او اسم تنها فرزند ۱۰ ماهه اش را "تایما ز" نامید. بود. و خودش نیز "توماج" و "رشید گشت."

مطلبه می‌کرد. در جریان حمله مردم به پادگانها نقش فعالی ایفا کرد و دوشا دوش مردم با مزدوران رژیم شاه جنگید. پس از قیام شبها تا صبح پاسداری میداد و از هر وسیله‌ای برای دفاع از دستاورهای قیام خونین خلق استفاده می‌کرد. ضمن فعالیت عملی به سرعت افکارش شکوفا میشد و آنگاه هیش نیز افزایش مییافت او هنگامیکه فهمید با مشتی انقلابی نما - های بعد از انقلاب و ساواکها همکار است دیگر لباس پاسداری نپوشید و صف خود را از آنها جدا ساخت و برای مبارزه با امپریالیسم و پیگاه‌ها خلیش ارتجاع حاکم، به صفوف فدائیان خلق پیوست (تا ریخ تقریبی ۵۸/۱۰۹۳۰) سپس فعالیت خود را با فروش نشریه و پیش از اعلامیه و شعارنویسی بر روی دیوار دفاع از مواضع سازمان شروع کرد. بعد از انشعاب صف خود را از اپورتونیستها این خائنین به طبقه کارگر جدا ساخت و همراه با جناح انقلابی سازمان فعالیت خود را بعنوان هوادار سازمان ادامه داد و به تدریج و اشاعه مواضع سازمان پرداخت. سرانجام در تاریخ ۱۶/۶/۶۰ ساعت ۶/۵ بعد از ظهر در خیابان آذربایجان - سرسبیل در هنگام اجرای قرارداد استگیر و صیحا - روز ۱۷ شهریور بدون محاکمه و با تحمل شکنجه‌های فراوان راه سرخ شهیدان - بد گرفت. رژیم دهنش جمهوری اسلامی از اعلام اعدام او و سایر همزمانانش تا تاریخ ۲۲/۶/۶۰ خودداری نمود اما مجدداً و دیگر انقلابیون در روز ۱۷/۶/۶۰ تحویل پزشکی قانونی شده و در تاریخ ۱۸/۶/۶۰ در بهشت زهرا قطعه ۲۴ بخاک سپرده شده بود. یادش گرامی باد.

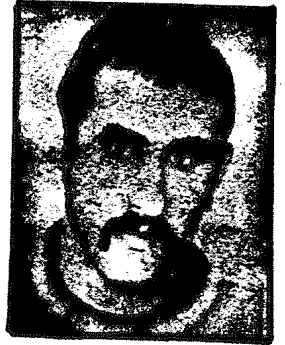
اتوار آهنگ حرکت را تندتر کرد. صداقت شهادت، بیگیری و برخورد خلق رفیق با معضلات و مسائل جنبش سازمان از خصوصیات بارز او بود. رفیق عبدالرضا که نقاش و خطاطی زبردست بود تمام اندیشه و هنر خود را در خدمت خلق گرفت و اغلب تا پاسی از شب را به شعرنویسی و شغول بود. نوشته‌های به یادگارمانه از رفیق بردرود دیوار شهر نشان از دامه راهش میدهند. او در آخرین لحظات زندگیش همچنان که بطرف جوخه‌های جنایت پاسداران میرفت شعار "مرگ بر آمریکا، مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، درود بر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را چنان نعره زد که دژ خیمان بر خود لرزیدند. یادش گرامی و راهش پسر رهرو باد.

فدایی شهید حمید رضا ماهیگیر

رفیق از صفحه ۲۳
در شاه مگه روز چهاردهم شهریورماه به جوخه اعدام سپردند. شهادت رفیق پایانی بود بر زندگی سراسر مبارزه، فداکاری و ایمان به خلق او. آری بقول رفقا "کاکا حمید با مقبومت و سرانجام شهادت قهرمانان را سرا سازمان خود را برای همیشه در سینه خویش مخفی نگه داشت. یادش گرامی و راهش پیدار.

فدایی شهید رفیق عبدالرضا غفوری

بقیه از صفحه ۲۴
رفیق عبدالرضا غفوری در سال ۱۳۳۶ در یک خانواده فقیر در شهرستان نهاوند متولد شد و فقط ۶ ماه از عمرش گذشته بود که پدرش را از دست داد و سرپرستی او برادر دود و خواهرش زامادریان که زنی تهی دست و زحمتکش بود بعهده گرفت. او که او میان زحمتکشان برخاسته بود تا آخرین لحظه زندگی کوتاه ولی پر بارش به آنها وفا دار ماند و جان فدائی دفاع از آرمانهای انقلابی کارگران و زحمتکشان نمود. رفیق عبدالرضا که در درد ورنج زحمتکشان را با کوشش و پوست خود لمس کرده بود، فعالیتها سیاسی خود را از همان دوران کودکی با تبلیغ علیه رژیم شاه آغاز کرد. رفیق قبل از قیام خونین خلق در مبارزات مردم فعالانه شرکت میکرد و خود از سازمان دهندگان تظاهرات و مخصوصاً حملات و آتش زدن ارگانهای رژیم نفور شاه بود. تا قبل از انشعاب خائنین اکثریتی، با دیگر سازمانها کار میکرد و بعد از انشعاب با مظلومیت موضوع "اقلیت" به سازمان پیوست و تا آخرین لحظه دستگیری بطور خستگی ناپذیر و شایسته روزی در بخش تبلیغات کتبی و شفاهی هواداران سازمان به فعالیتها خود ادامه داد. رفیق چندین بار به وسیله رژیم دستگیر شد ولی هر بار آبدیده تر و موجبات زرقبیل نه تنها از حرکت بازماند، بلکه با عزمی



یادگارگر
پیشرو

رفیق حسین محمدی گرامی باد

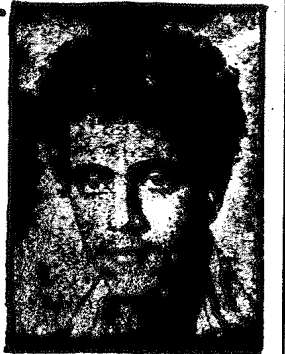
رفیق حسین محمدی در سال ۱۳۲۲ در خانواده‌ای زحمتکش در روستای کوردستان بدنیا آمد. وزندگی پر مشقت خود را در جزایر ششیریک از محله - های زحمتکش نشین کرمانشاه آغاز نمود.

رفیق بعنوان زاننده در شرکت خدمات عمومی بنا در - بندر عباس بکار مشغول شد. مقاومت و ایستادگی رفیق در مقابل پیمانکاران و سرمایه داران زنا و جبهه‌های آشنا و مبارز در زحمتکش آن اسکله موجود آورده بود.

حین در اعتصابات، پخش شب نامه و اعلامیه بر علیه رژیم دیکتاتور پهلوی نقشی فعال داشت و چندین بار خانه مسکونی اش مورد حمله پلیس شاه قرار گرفت ولی با هوشیاری از جنگ آنها گریخت.

پس از پیروزی قیام به سازمان چریکهای فدائی خلق پیوست و در زیر پرچم خونین سازمان به مبارزه خویش بر علیه سرمایه داران و پیمانکاران ادامه داد.

پس از نشاع با افشای ویرانیهای اکثریت بعنوان یک کارگر پیشرو از منشی انقلابی سازمان دفاع و آزادی میمان



گرامی باد
خاطره
فدائی شهید
رفیق
ناصر فتوتی

رفیق ناصر در روبرو متولد شد و به هنگام شهادت دویست و یک ساله بود. او نیز چون حمیدرضا در خانواده‌ای محروم و زحمتکش بدنیا آمد و تا بیست و نه سالگی حمیدرضا و در کنار او به کارگری میپرداخت دوره طولانی از عمر خویش را با حمیدرضا گذرانید و در حقیقت در بسیاری از فعالیت - های سیاسی رفیق شرکت داشت. او نیز قاطع و انقلابی در اجرای وظایف محوله کوشا بود و لحظه‌ای از خدمت به منافع کارگران و زحمتکش درنگ نمیکرد. در تبلیغ مواضع سازمان بطور شفاف و کتبى تشهیری خاص داشت و با تمام توان و نیرو

کا رگران و دیگر زحمتکش آن اشاعه داد. در بهمن ماه ۵۹ که رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی نقشه شوم خراج دسته جمعی کارگران و انحلال خدمات عمومی بنا در بندر عباس و بندر خمینی (شاهپور) را در دستور میپروا ندبا تشکیل شورای انقلابی - کارگری این نقشه جلادان جمهوری اسلامی را خنثی نموده و با اتحاد یکپارچه چگی با کارگران خدمات بندر خمینی تودهنی محکمی به دولت سرمایه داران زدند.

عوامل کثیف سرمایه، انجمن اسلامیهای مزدور در محل چهار چمی او را زیر نظر داشتند. وعاقبت انجمن سالی شرکت با گزارشی که بر علیه او به سپاه پاسداران داده بود خانه رفیق را به علت دفاع از منافع کارگران در صبح ۶۰/۴/۱۴ عبوسیله حدود پنجاه نفر پاسدار و بسیج سرمایه محاصره و وحشیانه رفیق را دستگیر و زاننه زندان نمودند. حدود یک ماه در بندر رژیم بود که با مقاومت کارگران وزیر فشار گذاشتن انجمن اسلامی در تاریخ ۶۰/۵/۱۴ زندان آزاد شد و بقیه دیدار خانواده اش غایب گردید که در جاده اردکان - نائین در سده دم ۶۰/۵/۱۵ در راه شرمشاه اتوبوس با تانکر نفتکش برخورد حیات گفت. پس از برگشتن کارگران برای سپاس و ستایش از رفیق مجلس یادبودی برپا نمودند که اعضای انجمن اسلامی فردای مراسم با وقاحت و بی شرمی به کارگران گفتند: چرا شما در مجلس یادبود حسین محمدی شرکت کرده اید، او یک فرد کارگر فربه است که کارگران با خشم در جواب آنها گفته بودند: شما حتی از مرده او هم وحشت دارید، حالاهم دست از سرمایه بر نمی دارید، فکر میکنید حسین در اثر تصادف مرده است، شما او را کشتید!

رفیق حسین هر چند میدانست که روزی با دیدمیرد، ولی همیشه میخواست که مرگش سندی باشد برای افشای چهره کثیف سرمایه داران زانوصفت و همین طور هم شد. یادش گرامی باد.

و با صدق قتی زاید الوصف با این کار می پرداخت. رفیق با کسبه‌ای وصفنا پذیر در مقابل اکثریتهای خائن می ایستاد و آنها را افشاء میکرد. از خصوصیات بارز رفیق فروتنی او بود. رفیق ناصر با ظاهری آرام، قلبی مملو از عشق به کارگران و زحمتکش و کینه‌ای عمیق نسبت به دشمنان خلق داشت. او بدور از هر نوع ظاهرسازی و روشنفکرانه پیگیر و انقلابی مبارزه میکرد. رفیق زاندر تاریخ نیست و چهار مرد دما ه در خانه اش دستگیر کرده و به شکنجه‌ها بردند. رفیق ناصر با تحمل تمام شکنجه‌های وحشیانه در خمیان هرگز لب به سخن نکشید. و با مقاومت دلیرانه خود پوزه جانیان جمهوری اسلامی را به خاک مالید و بگونه‌ای که مزدوران حتی در دنیا فتنده رفیق هوادار چه سازمانی است. سپاه پاسداران در اطلاعیه‌ای که بعد از شهادت رفیق منتشر نمود او را در - زمره هواداران پیکار قلمداد کرد. - شامگاه روز چهاردهم شهریور با نی بود بر زندگی کوتاه ما برپا رفیق. شهادت رفیق ناصر را سرخفدا ثبات را رنگیت ترودرخت تنومند انقلاب را با رویترو ساخت. یادش گرامی و راهش پایدار.



گرامی باد خاطره فدائی شهید
رفیق حمیدرضا ماهیگیر

رفیق حمیدرضا ماهیگیر در سال ۱۳۴۰ در خانواده‌ای فقیر و زحمتکش در بروجرد بدنیا آمد. دوران تحصیلی را تا پایان دوره متوسطه در همین شهر به پایان رسانید. در هنگام تحصیل نیز چون زندگی سیاسی اش کوشا و فعال بود و همواره از شاگردان ممتاز مدرسه به حساب میآمد. تا بیست و نه سالگی در مسکن مخارج تحصیل کمک به پدر و مادرش به کارگری میپرداخت. رفیق از نظر سیاسی پرورش یافته قیام توده‌ها بود و در طول مبارزات مردم فعلیتی چشمگیر داشت.

پس از قیام با ما رگسیم - لنینیسم آشنا شد و به صف فدائیان خلق پیوست. بهنگام نشاع با خائنین کمیته مرکزی مواضع جناح انقلابی سازمان را پذیرفت و تا هنگام شهادت یکدم از افشای پوتینیم راست غافل ننماند. رفیق حمیدرضا یکی از پرکارترین هواداران سازمان بود. تمام دیوارهای شهرهای دگرا را با سینه خود دارند. هر لحظه زندگی اش در کوچه‌ها و بازارها در هر جا که نشانی از توده - ها بود حرف تبلیغ مواضع سازمان و کسب اطلاعات و اخبار میشد. شبها با وجود حضور پاسداران سپاه شب به پخش اعلامیه - های سازمان و نوشتن شعار بر دیوار شهر میپرداخت و چه شبها را که تا صبح نمی خوابید و با بیگانه‌ها می‌میداد. او به همان اندازه که در انجام وظایف انقلابی خویش کوشش داشت، قاطعانه با ضعفها و کمبودهای سازمان برخورد میکرد و خلاصه

با وجود کمی سن و سال رفیقی با تجربه و پخته در کوران زندگی و مبارزه بود. شکارگران انسان چندبیا او را - دستگیر کردند. رفیق یکبار موفق شد از دفتر دادستانی انقلاب بگریزد و دیگر بار با زینکه وحشیانه شکنجه شده بود با بدنی زخمی و مجروح موفق به فرار شد. آخرین بار در تاریخ بیستم مرداد ماه با حمله وحشیانه مزدوران رژیم به خانه اش تسکیر شد. مزدوران رژیم رفیق را بطور بی رحمانه‌ای شکنجه کردند اما لبهای رفیق بجز در افشای ماهیت رژیم جمهوری اسلامی گشوده نشد. مقاومت قهرمانانه رفیق حمیدرضا و رفیق فتوتی با ردیگرما سه مقاومت همایون کثیرا شی را در یادها زنده کرد و دیگر بار نشان داد که فدائیان راستین خلق جز به خلق نمی اندیشند و در برابر خلق سرتسلیم فرود نمی آورند. سازمان مزدوران نا امید از کسب اطلاعات رفیق حمیدرضا ماهیگیر و تا صبر فتوتی را به همراه پنج زندانده مجاهد

گزارشی از زندان اوین

تنبه ۱۸ مهر: طبق معمول هر روز صبح بسیار طولانی بسته شده بود و به نظر می آمد که تعداد خانوادها از هر روز بیشتر بود، اوضاع مثل همیشه عادی به نظر می رسید یک پارسا در برلیندگو گفت که یک نفر به توالیت نونا پارک رفته است و در آنجا شعار نوشته است و اگر پیدایش بکنیم تکه تکه اش خواهیم کرد. طبق معمول یک ماد، به پارساها فحش داد که آنها هم میخواستند دستگیرش کنند که با مقاومت بقیه قضیه منتفی شد. خانوادها چندتا چندتا دور هم جمع شده بودند و صحبت می کردند اکثر صحبت ها در رابطه با نحوه دستگیری فرزندان شان و محکوم کردن حاکمیت بود. اینطور که به نظر می رسید تعداد بسیار زیادی از زندانیان را اجابجا کرده اند و عده ای را از اوین به نقاط نامعلومی برده اند. یک دختری که برادرش زندانی بود میگفت که برادرش تلغن کرده و گفته حالش خوب است و تا دو ماه دیگر تکلیفش روشن میشود، گفته که زندان اوین نیست و جای دیگری است ولی نمی تواند بگوید کجا. تعدادی از زندانیان راه منازل سرمایه داران - فراری برده اند و در آنجا نگهداری میکنند. از این نوع زندانیان که گم شده اند کم نیستند، که اوین میگوید رفته تزل حصار و آنجا هم میگویند که اینجا نیست و بهر حال معلوم نیست کجا هستند. البته باز هم گفته میشود که زندانیان به زندان های - فزل حصار، کارآموزی کرج، گوهردشت و شهرهای شمال رفته اند.

بهر حال همه سرگرم همین گفتگوها بودند که ناگهان صدای داد و فریاد یک مادر برلیند شد، وی هفته پیش پول برای - پسرش داده بود و این هفته آمده بود رسید بگیرد ولی بجای رسید پول، گفتند که فرزندش تیرباران شده است، مادر شروع به فریاد زدن کرد، رنگش مثل گچ سفید شده بود و مرتب داد میزدند، نه رضای مراکشتند، - پدر هم که همراهش آمده بود با دست بسته پیشانی خود میزد و می گفت پسر مرا کشتند، بقیه در صفحه ۱۵

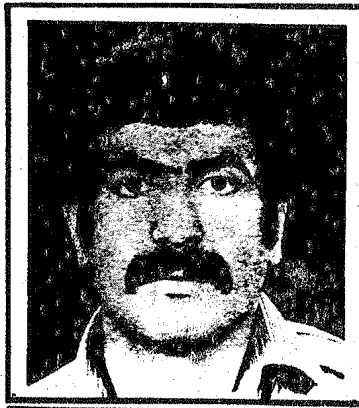
اخباری از جنبش مقاومت خلق کرد

سیندج ۶۰/۶/۲۱: ساعت ده شب پیشمرگان سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران بمناسبت سالگرد شهادت رفقا طهمورث اکبری، جمیل یخچالی، احسن نا هید، شهریارنا هید و نا مرسلیمی که در جریان یورش سرکوبگران دولت موست بدست جلادان رژیم در شهر یورما ۵۸ به شهادت رسیدند و همچنین با هدف سرکوبی پارسا داران مزدور سرما به وجاشهای خود - فروخته ای که به تارگی اخبار پو شالی رژیم را با ور کرده و فرصت طلبانه خیابانهای "سندخوین ناوی" (سیندج خونین) را جولانگاه تیرانه خود قرار داده بودند وارد شهر شده و سراسر خیابان پهسوی سابق راه کنترل خود در آوردند و بین تقاطع چهار باغ و بانک ملی به کمین جا شها و پاداران تاشتند. حدود ساعت ۱۰/۵ سه تیم چهار - نفری از گشتیهای مزدوران به کمین

پیشمرگان قهرمان افتادند. پیشمرگان فدائی دشمنان را بزرگ آتش سلاحهای خود گرفتند و توانائی هرگونه مقاومت را از آنان سلب کردند. ترس و سراسیمگی این مزدوران بخوبی تفوق و استکار عمل جنبش کرد را به نمایش نهاد. در این درگیری ۸ تن از مزدوران کشته و ۲ نفر زخمی شدند. در این هنگام از مقر حسینیه بسوی پیشمرگان تیراندازی شد که بلافاصله به آتش آنان پاسخ داده شد. یکدسگانه اتومبیل سواری که سر نشینان را مسئولین سپاه وجاشها تشکیل میدادند در حین فرار از سوی - پیشمرگان بزرگ آتش قرار گرفت و از کار افتاد.

پس از این عملیات شجاعانه پیشمرگان سالم به پایگاه خود با گشتند و در مسیر خود ضمن خواندن سرودهای انقلابی و - افشای سیاستهای حاکمیت مورد استقبال گرم مردم قرار گرفتند. بقیه در صفحه ۲۱

چه کند بادل چون آتش ما، آتش تیر



فدائی شهید رفیق علیرضا شاه بابایی

در ساعت ۱۱ شب ۶۰/۶/۱۰ پارسا داران سرما به منزل فدائی خلق علیرضا شاه بابایی کوشائی هجوم برده و او را - دستگیر میکنند و سرانجام بعد از یک محاکمه فرمایشی در پیدا دگا ههای خود در سحرگاه روز جمعه ۶۰/۶/۱۳ ووهفت انقلابی دیگر از تبار زحمتکشان را - جوا نمرده نه تیرباران میکنند.

رفیق در سال ۱۳۳۶ در یک خانواده زحمتکش روستائی در قریه کوتنا از توابع قاشمشهر بدنیآ آمد. او از همان دوران کودکی، فقر را با پوست و گوشت خود حس کرده و از نزدیک با مسائل و مشکلات زحمتکشان آشنا بود. رفیق - همیشه در بین زحمتکشان بود و در همه بقیه در صفحه ۲۲



فدائی شهید رفیق عبدالرضا غفوری

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی هر چند به پایان عمر تنگین اش نزدیکتر میشود به همان اندازه هم وحشی تر و خون خوارتر میگردد. روز ۶۰/۶/۲۴ رژیم شکنجه و جنایت، قلب پرتیش رفیق فدائی عبدالرضا غفوری را به همراه سه تن از هواداران مجاهدین خلق، به جرم دفاع از منافع زحمتکشان و بجرم سازش ناپذیری با دژ خیمن حاکم آماج گلوله های آمریکائی و اسرائیلی قرارداد تا به خیال خام خود انقلابیون و انقلاب زا سرکوب کرده و نظام سرما به داری را باز سازی کند، غافل از آنکه هر قطره خون - شهدای خلق دهها رزمنده دیگر برخواهند خاست و طوما رننگین حیات رژیم را در - هم خواهند پیچید.

گزارشی از مبارزات

دانشجویان انقلابی

ایرانی در خارج

از کشتی نور

در صفحه ۱۴

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد